

تاسیخ حرف و شیخ تالیف

قدما

تالیف

عزیز الدین بوکلی بولیرانی

«خطاطی و فنون قلمی» کارمند شایسته فرهنگ

- نام کتاب: تاریخ خرقہ شریفہ قندھار
- تألیف: عزیز الدین وکیل سی پوبلزائی
- ناشر: مرکز تحقیقات علوم اسلامی
- اہتمام: محمد گل «رامز» وشمس الحق «فضلی»
- چاپ اول: سال ۱۳۴۳
- چاپ دوم: سال ۱۳۶۷
- تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
- جای چاپ: مطبعہ دولتی
- شماره مسلسل: (۳)

مرکز تحقیقات علوم اسلامی

مدیریت عمومی نشرات

تاریخ خرقه شریفه

قندهار



تألیف

عزیزالدین و کیلی پوپلزائی

طبع دوم

کابل - ۱۳۶۷

اهداء

تاریخ خرقة شریفه (قندهار) را که دفعه دوم در عهد جمہوری
افغانستان و مصادف به دوره اعلان صلح و آشتی ملی از طرف مرکز
تحقیقات علوم اسلامی در مطبعه دولتی ذینت چاپ یافته است. به
عموم عالم اسلام و ملت مسلمان افغانستان به ویژه به دوستداران
صلح ، ترقی و عدالت اجتماعی اهداء میکنم .

(عزیز الدین و کیلی پوپلزایی)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	مقدمه ناشر
۱	مقدمه مؤلف
۶	خرقه شریفه نبویه (ص) درقندهار
۱۴	معانی لغات
۱۶	اویس قرن
۱۸	پرتو وصول خرقه نبویه (ص) ...
۴۱	فرمان احمد شاه درانی ...
۴۳	وقفنامه خرقه شریفه
۴۵	فرمان تیمورشاه ...
۵۳	فرمان تیمورشاه ...
۵۵	پنجاه من نان پخته ...
۵۶	جیره و مواجب مقرری علما
۵۹	فرمان تیمورشاه در ...
۶۱	فرمان زمانشاه در ...
۶۲	فرمان زمانشاه ...
۶۵	فرمان زمانشاه ...
۶۷	مقرری الحاج ملاحفیظ الله ...
۶۸	فرمان زمانشاه ...
۷۰	فرمان زمانشاه ...
۷۳	منظوری بیست تومان رویه ...
۷۴	فرمان زمانشاه ...
۷۶	فرمان شاه محمود ...

عنوان

صفحه	عنوان
۷۸	تعیین اوقاف
۷۹	فرمان شاه شجاع ...
۸۲	وقف نهر روضه باغ برای خرقة شریفه .
۸۳	فرمان شاه شجاع ...
۸۵	دو باب کار بانسرا ...
۸۶	فرمان شاه محمود درانی
۸۸	فرمان شجاع الملك .
	فصل دوم
۹۰	اجمال و اختصار معلومات ...
۱۰۲	فرمان شیر علیخان ...
۱۰۴	خرقه شریفه وهوی مبارک
۱۰۷	مسجد هوی مبارک
۱۰۸	هدیه دروازه نقره
۱۱۰	ترمیم عمارت خرقة شریفه .
۱۱۲	خدمت در راه صلح .
۱۱۴	بیانات غازی امان الله شاه ...
۱۲۶	اهداء پوش جدید ...
۱۲۸	شرفیابی امان الله شاه به ...
۱۳۱	ده نماز جمعه در مسجد جا مع خرقة شریفه .
۱۳۴	پوش صندوق خرقة شریفه
۱۳۵	القاب متولیان ...
۱۳۷	خاندان متولیان خرقة ...
۱۴۰	دفن حکمران قندهار ...
۱۴۱	حکمنامه هادر خصوص وظیفه ...
۱۴۵	واقعه شهادت در مقام ...
۱۴۹	مآخذ و مدارک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

مُحَمَّدٌ عَبْدُ اللَّهِ

وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِإِذْنِ اللَّهِ

١٣٦٧
بِإِذْنِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هدية تاريخ خرقه شريفه

مقدمه ناشر

کتاب « تاریخ خر قه شریفه حضرت محمد (ص) در قندهار »
تالیف عزیز الدین و کیلی یوپلزابی طبع دوم سال ۱۳۶۶
کابل - که معلومات تو ثیق شده در باره تاریخ ورود خر قه شریفه
به شهر قندهار و دیگر فیوضات خر قه شریفه در آن درج گردیده
عطش تحقیقاتی و معلوماتی محققین و پژوهشگران کشور ما و کشور
های دیگر را تسکین میتواناند. ضرورت طبع و نشر این کتاب مهم
و گزیده را در زمان حاضر در افغانستان خود مؤلف (عزیز الدین
و کیلی یوپلزابی) به جا و به حق اظهار نموده است .

تاریخ خر قه شریفه که در زمان سابق (سال ۱۳۴۶) به تعداد
پنجصد نسخه طبع شده بود دستیاب نمی شود حتی خود مؤلف هم یک
جند از نسخه های گذشته را ندارد. حوادث و رویداد های که در قندهار
در مکان مقدس و پاک خر قه شریفه روی داده که تاسف آور
ترین آنها قتل و به شهادت رسیدن محمد نبی متولی خر قه شریفه
می باشد . مقتضی این است که طبع دوم این کتاب که نواقص و کمبودی
های طبع اول نیز درین طبع از طرف مؤلف شخصاً مستند تکمیل
گردیده به خواننده گان علاقه مند تقدیم میگردد اینک مرکز تحقیقات
علوم اسلامی این افتخار را به خود کمایی کرد که طبع دوم تکمیل شده
زابه قارئین تقدیم میدارد و متوقع است که طبع و نشر این کتاب که

به همکاری ریاست طبع و نشر صورت گرفته به دیده قدرنگریسته
امید است که مصدر و منبع خیر و برکت برای مردم کشور و کشور
های همسایه ما گردد و مشی مصالحه ملی که به خیر جامعه افغانی و
انسانی است هر چه زود تر تحقق یابد .

(اداره مرکز تحقیقات علوم اسلامی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بقلم عزيز الدين توفيق

١٣٥٣

هدية تاريخ خرقة شهر يفه (قند هار)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِی بِيَدِهِ الْمَلِكُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِیْرٌ هُوَ الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَ
الْحَيٰوةَ لِيَبْلُوَكُمْ اَيْكُمْ اَجْسِنَ عَمَلًا
وَصَلٰی اللّٰهُ تَعَالٰی عَلٰی خَيْرِ خَلْقِهِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاصْحَابِهِ
صَلٰوةً كَامِلَةً
اَمَّا بَعْدُ

چون از پرتو و وصول خرقه شریفه از بلاد عرب به دیار
خراسان تا این زمان (۱۴۰۷ هجری قمری) شش صد و یازده سال می
گذرد و پرتو نزول خرقه حضرت رسول کریم صلی الله علیه و علی
آله و اصحابه وسلم - مطابق حسن نیت کافه مردم مسلمان
افغانستان باعث نهایت عزت و عظمت خاک وطن مقدس ما ندر
مرور سالیان شده است .

افتخار دارم که سوابق این مراتبه افتخار را همد رین دور
جمهوری افغانستان و مخصوصاً در این موقعیکه از صلح و آشتی چندی
میگذرد و از طرف قاطبه بهی خواهان ملت مسلمان افغانستان تایید



گردید . است . یکبار دیگر یعنی برای طبع دوم مرتب نموده در دسترس استفاده و استفاده مردم با دیانت این خطه مقدسه و تمام پیروان حضرت خیر البشر می گذارم .

* * *

در چهل سال قبل از امروز زدن آوانی که تازه به تالیف و تدوین آثار تاریخ وطن آغاز کردم - یکی هم اولتر و مهمتر تمهید تالیف و ترتیب تاریخ خر قه مشرفه متبر که فکر مرا بیشتر به طرف این حقیقت جلب کرد . و مطابق باین حسن نیت صفحات زیادی را مطالعه نمودم و برای اینکه نتایج مطالعات و معلومات خود را بیشتر موثق گردانیدم دست نشر بسیارم مصمم شدم که بوطن آبا یی خود قندهار عزیمت کرده بشر فادای زیارت و استند راك خصوصیات آن بارگاه پربرکت و عزمت برسم .

به تاریخ شنبه (بیست و پنج) برج حمل سال ۱۳۴۱ شمسی (۱۰ ذی قعدة الحرام ۱۳۸۱ ق ۱۴ - اپریل ۱۹۶۲ م) از کابل به صوب قندهار حرکت کردم و از صبح دوشنبه (بیست و هفت) حمل به تحقیق آثار آغاز کرده و نتایج معلومات و مطالعات قبلی خود را با این ازدیاد معلومات جدید افزوده اثری بوجود آوردم .
انجمن تاریخ وزارت معارف به تعداد پنجصد نسخه در مطبعه دولتی کابل طبع و نشر نمود .

و متأسفانه که نسبت قلت تعداد دوم اینک (۲۱) سال از طبع اول آن می گذرد امروز نسخه یی از آن دستیاب نمی گردد و خوشبختم که این فرصت مساعد مؤذنه داد تا به خواست اوتعالی جل علی شانه العزیز - به تعداد کثیر طبع و بدست عموم دیانت پرستان برسد .

تاریخ خر قه شریفه را هم به حیث یک مجموعه مقدس از یادگار های دینی و هم به حیث یک نشانه فاتحانه از یک دوره بزرگ

اسلامی و افغانی که آخرین حد نبوغ عسکری و سیاسی خود را در راه حصول استقلال کامل و تشکیل و تاسیس یک امپراتوری جدید اسلامی در میان تمام ملل آسیا هم در آن عهد انتقال خر قه معظمه ثابت کرده است. از هر نگاه به حیث و ثبوت در جه اول تمام افتخارات دینی و اجتماعی به دست نشر می سپاریم .

وصول خر قه معظمه در کابل و قندهار - و این مو هبت عظیم خداوند کریم به مردم مسلمان افغانستان یک زیارتگاه ، بزرگ و یک مرکزیت جدید اتحاد و اتفاق بخشید و هر فرد مسلمان امید دارد که او تعالی جلت عظمت به برکت روحانیت صاحب این خر قه مبارکه این ملت با دیانت را از همه آفات زمان محفوظ دارد . و این ملت را تا مادام القیام در سایه شریعت اسلام پاینده احکام دین و جبل المتین قرآن و این مرکز صلح و امید گاه قدیم عالم اسلام را به طور دایم شاد و آبا و دو آزاد داشته باشد .

سر قهرمان ملی افغانستان - احمد شاه افغان که اتحاد و اتفاق عموم اقوام و قبایل مسلمان را جدامدنظر داشت ، کوشش بسیار او این بود که یک مرکزیت بزرگ امپراتوری اسلامی افغانی را در قلب آسیا بوجود بیاورد .

و تا چنان شد که بر حسب حسن اراده و حسن نیت آن غمخوار خلق الله خر قه مطهره حضرت سید الانبیاء که در سنه (۱۱) هجری قمری به ابی عمر و او یس بن عمار القرنی رحمته الله تعالی علیه رسید و بعد از وی به مروردهور در بغداد و سمرقند و بلخ و بدخشان موصول نمود و پرتو نزل برکات داشت در اواخر سنه ۱۱۱۸ هجری قمری به کابل این خطه پر آب و گل رسید و از خطه کابل در مرکز امپراتوری افغانستان (قندهار) سر زمین پیشرو فاتحین اسلام و اولین خطه اعتلای رایت استقلال افغانستان در سنه ۱۱۸۲ قمری پرتو وصول نمود و تا امروز زینت افزای تمام بلاد کشور عزیز افغانستان است .

موجودیت خر قه واجب الا احترام حضرت سید الانام (ص) بر علاوه
قدسیت و برکت دینی که برای تمام عالم اسلام دارد - حسن ادای
خدمت و تولیت آن برای ملت مسلمان افغانستان یک سندنهایت
موتق افتخار نامه عسکری نیز باقی مانده و تا مادام القیام باقی
خواهد ماند .

زیارت خر قه شریفه در قندهار مقدس ترین مرکز اتحاد و اتفاق
ملیت های مسلمان افغانستان را تشکیل داده است و ملت مسلمان
افغانستان که همیشه روی امید به آن آستان مقدس دارد به حکم (وشاور
هم فی الامر) برای مشورت در امور خیر و منافع دینی و ملی بدور آن
زیارتگاه اجتماع نمود دست دعا برداشته و بر میدارند. و از
روحانیت صاحب خر قه استمداد جسته قوت سربازی و فداکاری
را برای حفاظت دین و وطن و استقلال می جویند .

در اواخر برج حمل سال ۱۳۴۱ شمسی در این ایامی که
مصروف نوشتن خر قه شریفه بودم . محمد حق آخوند زاده ،
متولی گفت :

از داخل این زیارت و قتی یک تعداد کتا ب هارا سرقه کردند.
از شنیدن این سخن سخت مشوش و دچار اندیشه شده گفتم : نهایت
دقت و کوشش شود تا خدای ناخواسته از طرف کدام جمعیت فاسد
و تحریک شده از خارج ، دستبرد دیگری در این مقام مقدس رخ ندهد.
چون متولی موصوف سه بار و باتاسف بسیار این حکایت نمود .
حین بازگشت خود بکابل به مقامات بزرگ خبر دادم . و مقصد از آوردن
این رمز برای آن است که دست ناپاک دشمن اسلام در مقامات مقدس
هم گاه گاه دراز میشود و حتی به قتل و جرح افراد صالح نیز
مرتکب میشود . و مواظبت هر چه بیشتر لازم است .

اسناد مندرج این کتاب ، هم اسناد تاریخ خر قه و هم اسناد
ثبوت علایق نهایت زیاد مردم افغانستان در امور مقدسات و

حاوی هر گونه معلومات در خصوص معرفی نام های صاحبان ادارات
بزرگ دولت و حکومت و مسوولین امور حسابات دفاتر موجود مانده
است بدون کم و کاست عینا نقل گرفتیم چه برای معرفی نام های علما
و نویسندگان یک تاریخ نامه علمی و اداری نیز شناخته میشود.
و در هر مساله حق به مرکز خود قرار می گیرد .

* * *

شوال المکرم سنه ۱۴۰۷ هجری قمری (مطابق جو زا - سال ۱۳۶۶
هجری شمسی)

کابل - افغانستان
عزیز الدین و کیلی پوپلزایی

خرقه شریفه نبویه (ص) در

(قندهار)

این همان خرقه مطهره است که حضرت محمد مختار (ص) و هم اهل بیت اطهار آنرا بدستان مبارک خودشان دوخته اند و حضرت خاتم المرسلین صلی الله علیه و علی آله و اصحاب به وسلم در اواخر عمر مبارک شان به برمی کردند. در حجت الوداع وقت مریضی و حالت موت در بدن مبارک شان بوده و در لحظات اخیر زندگانی به امیر المومنین عمر رضی الله تعالی عنه و امیر المومنین علی رضی الله تعالی عنه و صیت فرمودند که این چاه را به (ابی عمر و اویس بن العامر القرنی) (۱) که نادیده برمن عاشق شده است بسپارند. پس از ارتحال سردار انبیاء صلی الله علیه و علی آله و اصحاب به وسلم، قرا را مبارک حضرت رسالت، حضرت عمر فاروق (رض) و حضرت

(۱) معنی آن در صفحات مقدمات این کتاب مطالعه شود.

(وکیلی پوپلزایی)

علی بن ابیطالب (رض) خرقه مبارک که رابه سید التابعین او یس بن العاصم القرنی سپردند .

آن دوست خداوند تبارک و تعالی جل علی شانہ پیش از آنکه خرقه مطهره را دربر کند دور کعبت نمازشکرانه بجا آورد و طلب آمرزش امت حضرت سردار کائنات نمود و خرقه معظمه را شفیع آورد . تا وقتی که ابی عمرو او یس بن العاصم القرنی حیات داشت . لباس واجب التعظیم حضرت النبی الکریم صلی الله علیه وسلم را در بالای سر خود نگاه میداشت . پس از ارتحال او یس بن العاصم القرنی بندگان خاص حضرت پروردگار (ج) خرقه مبارک که را از ملک یمن نقل داده احترام ما و شرفا و تعظیما در غار حرا گذاشته و سالهای متمادی در آنجا به امانت و حفاظت بود تا آنکه شیخ الا و لیا قطب الا تقیاء دوست محمد قدس سره مرد بزرگی ا وصلحا وقت بمژده آنکه خرقه شریفه پیغمبر جلیل القدر اسلام و حضرت رسول انام است . آنرا باعزت و عظمت تمام از غار حرا برداشته در بغداد به جهت زیارت کافه خلائق اسلام نقل داد و تازمان سلطنت یلدرم بایزید (بن سلطان مراد بن سلطان ارخان بن سلطان قرا عثمانو) و تا زمان ظهور قدرت ابوالمنصور امیر تیمورگورگان که فاتح ملک بغداد گردید (۱) .

پرتو نزل داشت و اجماع مسلمین ساکنین بلاد عرب و عجم به جهت تقدیس و زیارت و صرف صدقات زر و مال بگرد آنمانت بابرکت اعطای حضرت رب الجلیل می شتافتند . حجاج افغانستان در زمانه های قدیم این خرقه شریفه را در مکه معظمه و بغداد ، زیارت کرده بودند .

(۱) خبر و رود امیر تیموردر بغداد تفصیل زیاد دارد و بحث جداگانه است . و اما قسمتی از آنرا در ضمائم تاریخ احمد شاهی آورده ام .

(وکیلی پوپلزایی)

درو قتی که جنگ تیمور بارو میه اختتام یافت امیر تیمور بشر ف زیارت خر قه شریفه حضرت سرور کائنا ت (ص) شتافت و شرف تولیت آن امانت مقدمه سر و متبرک رابر ذمت خود لازم دیده به وفق آخرین تمنای خود که ادا ی تعظیم و ایثار مال و جان رادر بدست آوردن آن لباس بهشتی اساس از همه اشیا و نوا در اهم و الزم شمرده بود - حین باز گشت از سفر بغداد با کسانی که در عراق عرب بشر ف نگهداری آن امانت مبارک اتصاف خدمت تولیت داشتند، با خود برداشته از بغداد به شهر سمرقند پایتخت ملک خود رسانید. (۱) و برای حفظ و احترام آن امانت منحصر و مطهر عمارت عالیشان بصر ف زر کثیر بنیاد کرد و در سقف عمارت چندین قندیل مطلا که قبل از فتح بغداد نذر گرفته بود ساخته نصب کرد. و قریه ده بید را برای صرف نذورات و مصارف متولیان و خواجگان آن آستان وقف کرد و چند تن سادات عالی مقام سمرقند را که در ورع و تقوی شهرت داشتند

(۱) تیمور از قبیله برلاس این طرف رود جیحون و در سنه ۷۳۶ ق بدنیاء آمد و در سنه ۷۷۲ ق در خطه بلخ جلوس نمود و بعد سمرقند را مرکز دولت خود قرار داد. صول امیر تیمور در بغداد و نقل یافتن خر قه شریفه از بغداد به ماوراء النهر در سنه ۷۹۵ ق و ۷۹۶ ق است. مذکور (سی و پنج) سال سلطنت کرد و در سنه ۸۰۷ ق در اهواز واقع هفتاد فرسخی سمرقند به عمر (هفتادویک) سالگی وفات یافت.

چون مرکز دولت او سمرقند بود خر قه شریفه را در سمرقند گذاشت.

متولیان بغدادی با آنکه فیض حفاظت آن گنجینه کرامت را داشتند اما امیر تیمور گورگان برای اینکه از فیوض و برکات آن لباس*

از نگاه اعتماد که مبادا توسط مشایخ بغدادی از جا بیجا گردد و یا اینکه مشایخ مذکور واپس بوطن خود نروند - بشر ف تولیت آن مقرر فرمود . و تاسنه ۱۷۰۴ هجری قمری در همانجا بود .

درسنه مذکور ابوسعید او غلان حکمران ترکستان شرقی که آنرا از بنا اثر امیر تیمور گورگان می شمردند توسط (۱) شیخ محمد حبیب و شیخ محمد نیاز خواست که خرقة شریفه را از سمرقند به ترکستان چینی ببرد . در همین وقت شیخ آقا محمد و شیخ نظر محمد موقع را غنیمت شمرد و آن لباس مقدس و متبرک را درسنه ۱۰۷۴ هجری قمری به بلخ (یکی از شهر ها و ولایات معروف افغانستان) رسانیدند تا از تصرف ابوسعید او غلان حکمران ترکستان چینی محفوظ بماند . خرقة شریفه توسط آن دونفر و تاسنه ۱۱۰۹ قمری زما ن

* بهشتی اساس مردم مسلمان خطه ماوراء النهر را خوبتر مطلع و مستفیض بگرداند ، از عراق عرب به ماوراء النهر آورده در سمرقند عمارتی برای نهادن آن برافراشت .

ماوراء النهر - ولایتی است بزرگ - شرقی اش فرغانه - غربی اش خوارزم - شمالی اش تاشکند - جنوبی اش بلخ و سمرقند و مقصد امیر تیمور هم همین بود که این اقلیم از پرتو نزول خرقة پاک سید لولاك زینت و رفعت بزرگتر از سابق داشته و یک نشانه دین دوستی و دیانت پرستی مردم ماوراء النهر ازین طریق نیز در تاریخ آن سر زمین باقی بماند .

(۱) او غل به معنی پسر و او غلان جمع آن است . چنانچه سیادت خان مشهور به سید او غلان شخصی در هندوستان در عهد امپراتوری احمد شاه درانی زندگی می کرد و ممکن همین وجه تسمیه درست باشد ، او غلی منسوب به او غلان که نام قوم است از ازبیک .

(عزیز الدین و کیلی پوپلزایی)

حکومت سبجان قلی خان در بلخ شریف امانت داشت .

درسنه مذکور شیخ محمد ضیاءوشیخ محمد نیاز در این و قتی که حکومت بدخشان به میر یار بیگ تعلق داشت ، بکدام منظور میخواستند خر قه نبویه را از راه بدخشان و چترال عبور داده به هندوستان ببرند . حین وصول به توابع بدخشان قریب کوتل دورام-این خبر- به میر یار بیگ رسید . او بلا درنگ ملازمان خود را به تعقیب متولیان (خواجگان) مذکور فرستاد و از سر کوتل دورام بر گردانید . در جوزگون قلعه بنا کرده خودش گذاشت که تاریخ پرتو وصول آن امانت مقدس در قلعه جوزگون بدخشان یکشنبیه (بیست و چار) شهر محرم الحرام سنه ۱۱۰۹ هجری قمری) است . میر یار بیگ (اورا میر یار بیگ ولی می ستایند) . چون دانست که به تحقیق خر قه مطهره نبویه (ص) با لای اشتر سفید بار است ، نقل دادن آنرا توسط شیخان مذکور که ممکن بر همنونی کدام یک از ارباب قدرت ملک هند و یا به منظور مفاد خودشان نقل داد نمی خواستند قطعا اجازه حرکت نداد . و مصلحت بران رفت تا خواجگان سمرقندی که اجدادشان از زمان امیر تیمور تا این زمان به خدمت تولیت خر قه شریفه ثم به ثم بسر برده اند - در این وقت خواه از ضیق معیشت و یا کمتر غفلت مردم در اداء (۱) حرمت آن امانت بزرگ

(۱) میر یار بیگ متوفی سنه ۱۱۱۸ قمری معاصر سبجان قلی والی بلخ و ابو الغازی خان امیر بخارا است . قلعه جوزگون بدخشان در عهد همین شخص بنا یافته و مذکور پس از مدت پنجاه سال حکمرانی جوزگون وفات یافت .

میر سلطانشاه و میر محبوب شاه جانشینان او با دولت امپراطوری احمدشاهی هم عصر میر محبوب شاه به همراه محمل خر قه شریفه درسنه ۱۱۸۲ قمری وارد کابل شد .

میر یار بیگ سوازی مراد بیگ امیر بخارا است که اشتباه نشود .

(وکیلی)

مبادرت باین حرکت ورزیده‌اند، برای بودو باش شیخان مذکور، در جوزگون جایگیر، تعیین گردد، و برای گذاشتن خرّقه مبارکه در داخل شهر جای منزّه و مناسب بنا نمایند و خواجگان حامل خرّقه بدستور ماکان به صفت شیخ و متولی و صاحب الدعوات برقرار باشند.

و در این راه مساعی تمام به کار رفت و میریاری بیگ که مرد متدین و صاحب قدرت و وزیرش آدینه محمد دیوان بیگی که اونیز به اوصاف بنال و بخشش موصوف بود در ادای این خدمت کمال اعتقاد و احترام و اخلاص به جا آوردند. و ده هم حصه غله اها لی شهر جوزگون را وقف خرّقه معظمه نمودند. و در ظرف دوسال به حوالی زیارتگاه عمارات جدید احداث گردید و شهر جوزگون را از تاریخ یکشنبه (بیست و چار) محرم الحرام سنه ۱۱۰۹ قمری فیض آباد نام گذاشتند و قطعه نظم آتی شاهد آن حقیقت است:

خرّقه پاک سعید عربی	میدهد از ریاض جنت یا
در هزار و صد و نه از هجرت	محمل او به جوزگون افتاد
جوزگون گشت لایق این فیض	زان سبب نام گشت فیض آباد

* * *

از پرتو و وصول خرّقه شریفه شهر جوزگون بنام فیض آباد تا سنه ۱۴۰۷ قمری (مطابق ۱۳۶۶ شمسی) در افغانستان مشهور و معروف مانده است.

جوزگون - به زبان دری ممکن چهار مغز رنگ مقصد باشد - چه جوز معرب گوز و اصل اسم منطقه مذکور گوزگون یاد شده است. در همه حال چون خرّقه پاک سعید عربی مدت (هفتاد و دو) سال همدان جا بود قابل احترام است.

فیض - به معنی بسیار شدن آب رود و ریختن آب و خیر بسیار

وفاش شدن خیز و نام فیض آباد در خوردشان آن شهر خیلی به جا است .

میا فقیر الله شکارپوری نقشبندی (متوفی سنه ۱۱۹۵ قمری) در برابر سوال صوفی مولا داد قند هاری که در شهر محرم الحرام سنه ۱۱۸۳ قمری از آن عالم فاضل و مورخ معلومات خواسته است . موصوف در مکتوب هفتاد و چهارم از مکتوبات خویش درباره خر قه شریفه به زبان عربی توضیحات داده و حتی از کسانی که خر قه پوشی نموده اند نیز یاد کرده است .

خر قه شریفه عبارات از يك جا مه ضخیم پشمی است که اصطلاحاً آنرا قاقمه (۱) پشمی یاد کرده اند . هر دو آستین مبارک از طول دامن کوتاه تر است . از پشم نازک خالص اشتر بود مرنگ مبارک آن آسمانگون است . برق و تجلی خاص دارد . به تناسب قامت انسان کوتاه به نظر می آید . استروفر ویز (سنجاف دامن) ندارد . دو بر پیش رویش نسبتاً ژولیده و توسط رشته پشمی دوخته شده است . و چیزی که انسان را به آخرین حد به حقیقت آن معتقد می گرداند همینکه لباس پشمی در مرور چهارده قرن حفظ شده و آسیبی به آن لباس پشمی نرسیده است .

در سنه ۱۰۷۴ قمری وقتی که خر قه شریفه از سمرقند برداشته شد . محل مبارک آنرا زیارت سخی شاه مردان نام گذاشتند . و در بعضی ماخذ بیان شده که آنجا زیارت خواهد خضر یاد کرده اند .

(۱) قاقم - بضم قاف دوم - جانوریست که پوستش بغایت سفید و ملایم باشد و از آن پوستین می سازند - و لپه ها هر لباس خوب و نفیسی و بهتر را بدان منسوب کرده اند .

اصطلاحاً قاقمی و یا قاقمه یی یاد کرده اند و یاد می کنند و این اصطلاح در قدیم بسیار مروج بوده است .

(وکیلی پوپلزایی)

و این برای احترام همان مقام است .
در تاریخ حسین شاهی و تاریخ احمد نوشته است که : قندیل های
طلا که امیر تیمور گورگان برای عمارت خرّقه شریفه در سمرقند
وقف کرده بود تا عهد مراد بیگ خان موجود بود . و مذکور قندیل های
مطلا را که در سقف گنبد باقی بود از جابر کنده به علما و فضلا تقسیم
نمود . یعنی این وقتی بود که خرّقه مبارک که در افغانستان پرتو نزول
وبرکات نمود .

معانی لغات

در صفحات این کتاب بعضی کلمات مقدسه عربی دیده میشود که ترجمه آن ضرور است :

خرقه - بالكسر جا مه پارینه و کهنه پاره دوخته .

حرا - بکسر اول کو هیست به مکّه شریفه که حضرت رسالت

پناهی صلی الله علیه و علی آله وسلم پیش از نبوت چند روز که در غار آن کوه به عبادت مشغول بودند و حرا به معنی سزاواری .

تولیت - والی گردانیده و پی در پی شدن و عمل دادن به کسی و ذمه واری .

متولی - برسر کار باشند و دوستی دارنده .

والی - دوست و حاکم و مالک و به معنی خویش و قریب .

حجت الوداع - حجت الوداع عبارت از حجی است که بعد از ادای آن حضرت نبی علیه السلام با امت خویش وداع کرد و وفات شد .

چون این خرقه مشرفه متبرکه در دوران اخیر حیات بابرکات و

ایام مریضی حضرت سرور کائنات و مفخر موجودات بوجود مبارک آن
سید المختار می بود این لباس بهشت اساس مربوط به آن ایام
آخرین و صایای حضرت سیدالکونین و سند الثقلین است که
قندهار قهرمان درنگا هدا ری و شرف خدمت آن خرقه منوره متبرکه
افتخار دارد. و این وسیله سرافرازی بزرگ ملت افغان در ساحت
روضه باغ آن گلستان مینو نشان به جهت امتیاز دینی مردم مسلمان
این گوشه جهان پر تونز و دل دارد و تا صبح ابدی یاد از شکوه استقلال
دینی و اجتماعی این ملت متدین میدهد و مردم با صدق و ایقان
مارا در راه تدین و تمدن اسلامی راهنمایی و ارشاد میفرماید.

و نهر شاهی قندهار که بعد از روضه باغ یاد شده و از سنه
۱۱۸۳ قمری وقف خدام زیارت و صرف صدقات جاریه گردیده
است به قرار این اوصاف میتوان از روضات جنتش به حساب
آورد.

* * *

دولت خدا داد - در اسناد دولت افغانستان مندرج این کتب جمله
(دولت خدا داد) مکرر دیده میشود. بکار بردن این جمله برای آن بوده
است که استقلال کامل افغانستان را نشان میدهد یعنی دولت افغان -
نستان را خدای بزرگ به ملت افغان اعطا کرده و در تاسیس و
تشکیل موجودیت سیاسی این سرزمین مستقل دست دخالت
دیگری شامل نبوده و این ملت مسلمان خود را مدیون احسان کدام
دولت غیر نمیداند

او ایس قرن

او ایس قرن - بضم اول و فتح و اووقا ف و راء مهمله هردو مفتوح -
ناولی کا مل منسوب به قرن - چه قرن بفتح تین نام قبیله است در
ملك یمن و به سکون را خواند ن غلط است .

قرن - پدر قبیله ایست از یمن و او ایس قرنی از آن است . و اصل
کنیت و لقب آن ولی کا مل در کتب معتبر باین عبارت نوشته شده :
(ابی عمرو او ایس بن العا مرالقرنی) .

او ایس قرن - که در عصر مبارک حضرت سرور کائنات و مفخر
موجودات میزیست - اولین شخصی است که خر قه مبارکه نبویه (ص)
بر حسب امر و وصیت حضرت رسول اکرم (ص) بدست او رسید و
آن ولی کامل از نهایت حرمت و آداب و احترام نام تازمانی که حیات
داشت ، خر قه متبرکه نبویه را ، بالای سر خود نگاه میداشت . و هر
لحظه تقدیس و تکریم و افتخار می نمود .

و شاعری در وصف آن و لی کامل گفته است :
عمرها باید که تاز پشت آدم نطفه بی

بو الوفای گرد گردد یا شو دا و ایس قرن

یعنی این خر قه شریفه که از سنه ۱۱۸۲ قمری تا سنه ۱۴۰۷ قمری
در مرکز قندهار پر تو نزول و برکات دارد . ابی عمر و او ایس بن
العا مرالقرنی - در سنه (یازده) هجری قمری به زیارت آن مشرف

شده و تا خاتمه عمر به شرف تولیت و نگاهداری آن مزید افتخار داشته است. چون هجرت حضرت رسول اکرم (ص) از مکه معظمه به مدینه منوره ابتدا تاریخ هجری قمری و سنه (۱) هجری مصادف است به سال ۶۲۲ میلادی عیسوی و رحلت حضرت سرور کائنات «ص» سنه (یازده) هجری قمری مطابق ۶۳۲ میلادی است. باین قرار معلوم شد که خرّقه متبرکه که در سنه (یازده) قمری در ملک یمن برای او ایس قرنی رسیده است.

پرتو وصول خر قه نمویه در علی آباد کابل

چنانکه مذکور شد خر قه شریفه از سنه ۱۱۰۹ هجری قمری تا سنه ۱۱۸۱ هجری قمری در مدت (۷۹) سال در فیض آباد بدخشان پرتو نزول و برکات داشت تا آنکه در اواخر سنه ۱۱۸۱ هجری قمری مطابق حسن نیت و اراده دیندارانه احمد شاه دلیر امپراتور افغانستان کبیر - توسط شاه و لسی خان اعتماد الدوله بکابل انتقال داده شد .

امور اداری و نظامی و سیاسی ولایات شمال افغانستان از سنه ۱۱۶۳ هجری قمری (مطابق ۱۱۲۹ شمسی) توسط مخلص خان درانی پوپلزی در مرور پنج سال تنظیم و تحکیم یافت . و چون شرح مکمل داستان های نظامی و سیاسی در پیرایه صفحات این اثر مبارک گنجایش ندارد . حذف و اختصار نمود و مخصوصاً متون و اسناد زیاد داشت های مربوط به تاریخ خر قه شریفه را از نظر می گذرانیم و بدست نشر می سپاریم .

به طوری که مطالعه شد چون خر قه شریفه نبویه چند بار و در چند جا احتراماً نقل داده شده و اینکه در این دوره امپراتوری احمدشاهی از اثر بعضی حرکات که احتمال میرفت حقوق حرمت ارباب خدمت تولیت به طور شاید درست ادا نگردد و هم مبادا خر قه شریفه

بجای دیگر نقل داده شود. احمد شاه درانی که شهر جدید قندهار را در سنه ۱۱۶۹ هجری قمری بنا گذاشته و اشرف البلاد موسوم ساخته بود از نظر نهایت حرمت و حسن ادا ی امانت مناسبت دید که خرقه واجب التعظیم حضرت رسول کریم صلی الله علیه و علی آله و اصحابه وسلم که در شهر جوزگون (فیض آباد) بدخشان از عهد مرحوم میریاز بیگ ولی تا این زمان (سنه ۱۱۸۱ قمری) پرتو نزول و برکات دارد در مرکز امپراتوری جدید افغانستان نقل داده شود. زیرا که در خلال این شهر در ولایات شمال افغانستان بعضی مصادر اختلال وجود داشت و اندیشه بر آن بود تا خرقه معظمه از فیض آباد بطرفی نقل داده نشود. و چنانکه قوای نظامی افغانستان مصادف بهمین اوقات برای تنظیم امنیت داخلی و ممانعت از تحریکات و مداخلات خارجی سخت مصروفیت داشت.

چون احمد شاه غازی - ایام تابستان - خزان - زمستان سال ۱۱۴۶ شمسی (مطابق سنه ۱۱۸۱ قمری) را در کابل گذرانید. در برج حوت سال مذکور (شوال ۱۱۸۱ ق - فبروری ۱۷۶۷ م) شاه - هزاده سلیمان دومین پسر خود را از قندهار بکابل طلب نمود. و او در برج ثور بکابل رسید. احمد شاه دلیر که به جهت واریسی احوال و لایات شمال افغانستان خود شخصاً نیز مصمم حرکت بود، بعد و رود سلیمان بکابل هشت روز دیگر توقف کرده به تاریخ (هشت) برج جوزای سال ۱۱۴۷ شمسی (یازده محرّم ۱۱۸۲ ق - بیست و پنج می ۱۷۶۸ م) از کابل جانب چهاریکار مرکز و لایت پروان حرکت نمود. و به تاریخ (ده) جوزاسر دار شاه ولی خان (۱) را با

(۱) قوای نظامی قبل از اعزام شاه ولی خان بامی زایی مصروف تنظیم و لایات شمال و تحت اداره دیگر رجال افغانی خدمت می کردند و وصول شاه ولی خان به آن سمت تاثیر بیشتر بخشید.

(وکیلی)

فوجی برای تنظیم ولایات شمال افغانستان فرستاد و خود از چهاریکار بکابل باز گشت . و در برج سرطان (صفر ۱۱۸۲ق) از شهر کابل فرمان فرستاد که خرقة مبارکه بکابل نقل داده شود . محمود الحسینی و قایع نگار باین عبارت نوشته است : (از کابل فرمان بسرافرازی شاه و لی خان عزصدور یافته مقرر شد که خرقة متبر که صدر نشین صغه اصطفای سالار اتقیاء و سرور انبیا را که آن حضرت در ایام حیات بابرکات به خواجه اویس قرنی نور الله مرقده مرحمت فرموده بود . و از آن زمان الی الان بتداول در مملکت ترکستان به ولایت بدخشان رسیده بود - با عزاز و اکرام تمام برداشته در دارالسلطنه کابل آورد . شاه ولی خان که حصار بدخشان را به حیطه تصرف و تسخیر در آورده و برادر سلطانشاه ولی آنجا را دستگیر کرده بود به مجرد رسیدن فرمان - خرقة متبر که آن جناب برداشته و از جمیع طوایف اوزبک نوکر گرفته بابرادر سلطان شاه ولی بدخشان در شهر کابل معاودت نمود و تارک افتخار باعتبار سرافرازی بساط بوسی بر اوج طارم سود) .

حقیقت چنان است که شاه ولی خان بعد از اعزام شش هزار فوج که قبلاً برای انتظام امنیت ولایات شمال افغانستان فرستاده شده بود . فرستاده شد .

و شش هزار فوج دیگر که قبلاً از قندهار به طرف هرات و فاریاب به همین مقصد سوق داده شده بود . تاکید و رود و وصول هر دو قوه در محال مورد نظر برای ، همین بود که سرحدات قلمرو شمالی افغانستان را انتظام و استحکام بدهند و تمهید این لشکر کشی ها قبلاً گرفته شده بود . احمد شاه امپراتور دستور داد که فوج قندهار از رود مرو عبور نمود و نقاط مورد نظر را انتظام بدهد و فوج کابل در نقاط مورد نظر برسد .

والبته تمام این سوقیات برای حفظ امنیت و حفاظت خاک از مدد - خلات خارجی بود .

شاه ولی خان پیام حکومت قو قان را که در بخارا بنا بد عوت
شاه مراد خان وارد شده و امیدورود به حضور امپراتور احمد شاه
بزرگ داشت . به کابل فرستاده چون نماینده حکومت قو قان
شخص روحانی و رتبه اقصی القضا ت و شیخ الاسلام داشت .
با او محترمانه رفتار شد . چون متن پیام مذکور در دست نیست
مطالبتی بدست نمی آید . و تنها نقل سر صفحه و یاسر نامه آنرا که
به خط محمد کلان خان عضد الدوله نقل بر داشته شده و در جمله اسناد
مهم باقی مانده از نظر می گذرانیم . زیرا که این عنوان و القاب اهمیت
متن را نشان میدهد و برای موجودیت سیاسی و استقلال و موقعیت هر چه
بیشتر مقام معنوی افغانستان تأثیر بسیار دارد :

المحمد لله وحده لا معبوده سواه من داد المملكة الفاخرة النجارا الى داد السلطنة القاهرة ام البلاد بلخ بمحروسة احد من الاقايم المعظمة الى جناب حضرت الامير الجليل الاصعد الامجد الاوحد الاسمي الا سنى صاحب الشأن الكثير الدرجات مانك القدر الكبير البركات سامى العظيم البلاد حامى الكريم العباد سعادة السيد الخوانين السليمانين المعظم امون الممالك الساكنين المفخم صاحب السلطنة القاهرة الملوك الامم فخر السلاطين الهند والعجم ادام الله ايامه الزاهرة وافاض على الخلائق غيوث مكارمه الماطرة ولا برج الزمان بوجوده دائم المسرات الفتوحات والبلاد آمنة مطمئنة تهيم عليها بحسن نظاره سحب الخيرات امين .

انامن طرائق الرسالة على التواصل المراد الجماعة الطرفين واتفاق المملكة المكرمين ارجو لحضرتكم وعظمتكم واشراف دولتكم باجازتكم بخير عن المواسم المساعدة الموافق احدمرة اشرف ببلاد السليمانية لخاص المدارج الحية والمواحدة ولزيادة الاماكن المقدسة وبشرف المصاحبة المباركة فارجو لمكارمكم ان تفضلتم قبول ذلك وان كان دون القار الجناب سائلا الله يجزيك عن جزاء الخير ويجعلك مورد فضل واحسان وبعده اهداء تحيات نباج فى سطور اطروس عبيرها ويشرق فى مطالع سماء الصحف منيرها تهدي الى مقامكم الاعلى وقدركم المعلى فالذى ابديه لحضرتكم السعيدة العلية الاعلى صانها عن الزوال وجعلها محل المناط الامانى والا مال والسلام فى شهود سنة الف مائة ثمانين (حد) .

از روى سنه معلوم ميشود كه اين نامه قبل از ورود شاه والى خان نوشته شده است .

محمد كلان خان عضد الدوله در ختم نقل عبارت عربى مذکور نوشته

است :

منقول از سرنامه مبارکه دست‌آویز قاضی القضاة و شیخ الاسلام
ایچی پادشاه اسلام پناه ولایت قوقانات از دارالفاخرة بخارای شریف
بخدمت خاقان علیین مکان دارای دربان رضوان جایگاه احمدشاه
پادشاه صاحب غازی رحمة الله تعالی علیه بحدود ترکستانات و
تعویذات و ادعیات نوشته مختوم ساخته - مهر محمدکلان سنه ۱۲۱۷.
از جریانات اداری و سیاسی گذشته و خلص آنکه امپراتور افغان
نستان سرتاسر صفحات شمال و منطقه های سرحدی افغانستان را
تنظیم بخشید و به قناعت مردم و همسایگان پرداخت .
میرزا سنگ محمد مولف تاریخ بدخشان نوشته است :

(اعتضاد خلافت و فرمان روی اعتماد سلطنت کشور گشایی وزیر
اعظم دستور معظم نواب شاه ولی خان افغان که لسان الترجمان
پادشاه بود صاحب اسرار و همراز احمد شاه بنابر اهتمام سعادت
منتظم از حصول مقصد اعلی و وصول بذریعه اقصی که ادراک آنرا
سلطان بدون و جود آن وزیر باتدبیر محال دانسته از پیشگاه
خلافت با قطع توران و عبور بسرحد بدخشان محض به نیل
سعادت از بدست آوردن و بدل و جان بردن خرجه متبر که مکرمه
معظمه محترمه علی صاحبها الصلوة والتسلیمات مامور گردید .

در اسعد ساعات و امجدات با عساکر جرائر درانی و سپاه کابلی
با اعلام عیوق ساری و خیام مراحل آرای متوجه ترکستان گشته به
ورود و افضای زوایای هزارهجات و تمامی امراء و حکام از سردار
بلخ و قبادخان و غیرهما از اعیان و ارکان باستقبال شتافته و به
ورود قندز قبادخان حصول این دولت را موجب شان و شوکت خود
دانسته که از سابق ازین هم عرایض مشتمل بر استیلا و دست درازی
امیر ب مردم قطغن به خدمت پادشاه به دارالسلطنه کابل به توالی و
تکرار مرسول داشته و وزیر معظم هم بالا صاله مامور به سمت
بدخشان بود که آن راز مستور غیر از وزیر پادشاه احدی واقف



نبود و قباد خان آمدن وزیر را که از جمله کمک و امداد خود دانسته حرفی
امیر را در میان آورده که انتقام خود را در این مورد از امیرسلطان
شاه خواهند گرفت و وزیر هم التماس او را قبول فرموده بدریای
عساکر نصرت مائرتو وجه بدخشان گردیدند و مدعای خود را مخفی
داشته که مبادا آن بهستی لباس را از جای بیجای سازند و از حصول
تمنای شاهنشاهی محروم بمانند. چون رایات ظفر آیات نواب کار-
میا ب باقشون نصرت مشحون از ولایت تالقان عبور فرمود و نصرت
آباد را کسان امیر از پیشتر ز صر صر معسکر وا گذاشته روبه
عزیمت نهادند.

چون خیر واقعه به امیر سید از کمال غیرت و مردی که از وجود
خود داشت در صدد آن بر آمد که رفته در موضع ایمن آباد سر را
برایشان گرفته یکی خود را به آنها بزند که تارو مار نماید و سرکردگان
این جرئت را از امیر نه پذیرفتند که مناره در پیش کوه بلند ی بر
آوردن و شمعی در پیشگاه آفتاب افروختن چه صلاح باشد. با آنکه
اقسقال حیدر بیگ یفتلی که مردی بود سخن آور او به عرض امیر
رسانید که اول فهمیده شود که دولت خواه کیست؟ در مقدمه
ننگ و ناموس کدامی باما یاری می کند و بلکه خوبی خود را کرده ایم
که الحال جانبازی تواند کرد زیرا که بعد از ورود قلمارقاشغری مردم
بدخشی از نظر مرحمت اند کسی افتاده چندان سرگرمی نداشتند.
وازین سخن امیر فهمید که حقیقت چیست و علی الصباح که آفتاب
عالمتاب لمعه پاش بساط زمین گردید پیشروان سپاه و وزیر
شاه و لی خان افغان رسیدن گرفتند و از تخت کوتل ریسکان تاسر
پل چادر و خیمه زدند. و امیر محمد شاه نیز ازین سوی فوج
خود را آراسته و میخواست که بنا م و نشان خود با هم ردوبدل نماید.
فرقه فرقه از جانب امیر از مردم ایلجاری جدا گشته روی به خدمت
وزیر شاه ولی خان نهادند.

امیر هم بکار خود گردید . با قما می لشکر خود بجانب ایـل
واسطه که مو ضعی است بین پساگو و چاه آب در غایت استحکام
بدانجا رفت .

وزیر شاه و لی خان خر قه شریفه و اسعادت دارین دانسته با خود
گرفته دیگر چندان به سود وزیران بدخشان نپرداخت و آنجا که
مدعا بود رسید و تمنایی که داشت به حصول آن مشرف گشت و با
خود میگفت :

شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا بر مقتضای همت خود کامران
شدم و بعد از تسخیر فیض آباد (۰۰۰) را از جانب خود حاکم نموده مرا
جعت به دار الامان پادشاهی فرموده ، امیر هم عزم فیض آباد نموده وارد
شهر گردید و آنرا که وزیر شاه ولی خان نایب الحکومه نموده به قلعه
فیض آباد مقرر کرده بود سلطان شاه به غیر حق جبرا به قتل رسانید .
و خود تکرارا به قلعه فیض آباد مقیم گردید .

* * *

چون در ج همه جریانات از وظایف تاریخ دور ه امپراتوری
احمد شاهی است در اینجا اختصار ورزید ه و خلص آنکه منظور
امپراتور احمد شاه افغان اینکه : خر قه مطهر ه در داخل خاک مقدس
افغانستان و بیکی از شهر های کوچک اطراف و مناطق سرحدی و
در تصرف یکی از حکام و در آنجا یعنی فیض آباد بدخشان بنا بر
واقعاتی که در سرحدات قلمرو آن سمت جریان وادامه دارد در
معرض خطر از جاییجا شدن احساس میشود ، احتراماً نباید گذاشت . چه
در صورتیکه تمامی و لایسات شمال این طرف رود جیحون شامل
قلمرو سیاسی و اداری افغانستان است و حفظ جمیع امانات بزرگ
و مقدس تعلق بمركز امپراتوری افغانی دارد به قرار این حسن
نیت و آرزوی عامه مردم مسلمان افغانستان بهتر است که آن

لباس بهمستی اساس در جای که از دستبرد حوادث خوبتر و دقیقتر
مصون و محفوظ بوده محل استفاضه برای عموم زائرین اهالی
ولایات باشد احتراماً نقل داده شود. و طبعا قندهار و بالخصوص
این شهر جدید آن که با میدان موهبت بزرگ و این عطیه عظیم -
دوازده سال قبل (اشرف البلاد) نام گذاشته شده است. شایان
این شرف و عظمت و درخور ادای خدمت هر چه بیشتر در حفظ و
نگاهداری این امانت لنگر افکن هر هفت اقلیم دیده میشود و باید این
امانت مطهر و مقدس به طور دایم در همان مرکز بزرگ پر تو تجلی
به جمیع اطراف قلمرو امپراتوری افغانی داشته و زائرین از هر ولایت
برای ادای احترام برسند .

و هم باید عهد تولیت این امانت پر از فیض و برکت بدوش خدمتگار
عالم اسلام احمد شاه در دران باشد تا بتواند از جهت فتوت این ملت
مسلمان با صدق و ایمان از عهد صرف نذورات و صدقات جاریه
روزمره و حفاظت حقوق ارباب تولیت و موقوفات آن زیارتگاه
نسبت به سایر ارباب قدرت و تمول خوبتر و بهتر بدرشود. «
(بقول تاریخ سلطانی که از رساله تاریخ ابدالی نقل برداشته
است) متولیان در شب اخیر صندوق مبارک را گشودند و موضع
(بین الکتفین) خرقه مبارکه را از محل لمس مبارک مهرنوبت قطع
نموده از طریق آهن دره به بخارا شتافتند . و اگر که احمد شاه
افغان از روی اشفاق و مراحم خاصی که در حق علما و اتقیا داشت می
خواست خواجگان زیارت خرقه شریفه را از فیض آباد بدخشان به
اشرف البلاد جابدهد ممکن نشد .

در وقت و وصول محل خرقه معظمه از فیض آباد بدخشان بکابل

احتراما منا سب دیده شد که در خارج از حصار شهر در محل گوشه و منزه و جای وسیع دامان کوه گذاشته شود. (۱) و در وقت پرتو نزول خرقه شریفه، در دامان سمت غرب کوه سمت شمال غرب شهر که مشرف به وادی وسیع دشت علی آباد (ساحه پوهنتون و وزارت زراعت حالیه) خیمه گاه سپاه اعزامی ولایت بدخشان قرار یافت و تا مدتی که خرقه نبویه (ص) از برای زیارت کردن مردم اطراف کابل در همین حصه (که بعدا زیارت سخی شاه مردان نامیده شد) گذاشته بود و خیمه های عساکر محافظ در اطراف آن ساحه یعنی اراضی تحت کاریز علی آباد استوار بود و این عساکر که در تنظیم و لایات شمال و انتقالات خرقه واجب التعظیم از فیض آباد تا کابل خدمت کرده بودند خود را خیلی ها سرافراز میدادند، و این عساکری بود که در تمام لشکرکشی های عهد احمد شاهی اشتراک داشتند و کار دیده مردان مجاهد و مبارز بودند.

قلعه و اراضی علی آباد کابل به وزیر شاه ولی خان تعلق داشت. (۲)

* * *

مرحوم محمود طرزی در وصف کابل گفته است:

افغانستان که دولت مختار و بافر است

کابل و راست مرکز و از جمله برتر است

(۱) دیوارهای تاریخی شهر کابل تا آنوقتها استوار و محیط بر نواحی شهر قدیم کابل بود. یعنی حصص خارج آن دیوار اطراف، شهر را خارج حصار یاد می کردند.

(۲) علی آباد تا زمان نوادگان وزیر شاه ولی خان در ید تصرف آن خاندان بود.

در لفظ نام خوب وی ارآوری نظر

یا بسیمیان گل تو یکی آب چون گهر

کابل بود که تختگاه دو لتست او

کابل بود که منبع هر عزت است او

کابل بود که هست به اسلام از و امید

زیرا که هر زمان زترقی دهد نویسد

علی آباد

(اولین مقام خرقه شریفه در کابل)

قلعه و باغ و ساحه زراعتی موسوم به علی آباد در سمت شمال شرق چهاردهی کابل از مرز دوسد و بیست و پنج سال به همین نام مشهور است. در این ساحه شاه ولی خان اعتماد الدوله زمین داشت. قلعه و باغ او در ساحه پوهنتون حالیه واقع بود (۱) در

(۱) محل پوهنتون و حصه یی از دارالمعلمین و مرکز تحقیقات اسلامی متعلق به وزیر شاه ولی خان و تازمانی که حافظ عطا محمد خان و حافظ غلام احمد خان پسران وزیر شیر محمد خان ابن وزیر شاه ولی خان حیات داشتند، مربوط آن خاندان بود و غلام رسول خان ابن غلام احمد خان تا هفتاد سال قبل از امروز در حصه شرق دارالمعلمین حالیه قلعه و باغ داشت و قلعه کلوخ مشهور بود و در سال ۱۳۲۵ شمسی تخریب گردید. کاریز علی آباد از ساحه جنوبی نانه چی سرچشمه گرفته و از بین قریه جواد بیگ و قریه نوروزک به طرف باغ و اراضی جریان می پذیرفت و اکنون هم جریان دارد.

اوایل سنه ۱۱۸۲ قمری و قتی که محمل خر قه مبار که به کابل پرتو نزل نمود احتراماً تصویب به عمل آمد که محمل خر قه شریفه در خارج حصار شهر و در دامان کوه در محل گوشه و منزله و دور از منازل گذاشته شود. و تا چند وقتی که زائرین از شهر و اطراف کابل میرسند در همانجا مشرف شوند. چون زائرین به کثرت میشتافتند در وقت روز بالای سنگی که سوراخ دارد می گذاشتند و زائرین از سوراخ آن عبور می نمودند.

بعد از آنکه خر قه شریفه از کابل به قندهار نقل داده شد (همچنان که محل قدیم خر قه شریفه در سمرقند بعد انتقال آن زیارت شاه مردان نام گذاشته شد).

بعد انتقال آن از کابل به قندهار، محل آن امانت مقدسه رانیز زیارت شاه مردان یاد کردند. و چنانکه در سنه ۱۱۸۷ قمری چاه آب نیز در نزدیک آن حفر و درختان توت غرس گردید. و جلگه سمت غرب آن بنام چمن شاه مردان مشهور ماند.

و اینکه خر قه شریفه توسط شاه ولی خان اعظم دالد و له از فیض آباد بدخشان به کابل نقل داده شد و هم اینکه کار یز و ساحت زراعتی و جلگه سمت غرب آن از زمان خود و زیر تا دور نوادگانش در تصرف آن خاندان و به کمک آن خاندان قلعه یی هم برای مسکن متولیان زیارت شاه مردان (۱) در نزدیکی آن تعمیر گردیده بود.

(۱) گنبد زیارت موسوم به سخی شاه مردان - در سنه ۱۲۹۸ شمسی از طرف سرور سلطان علیا حضرت سراج الخواتین و والده غازی امان الله شاه - به شکرانه حصول استقلال کامل افغانستان تعمیر گردید و در سال ۱۲۹۹ ش. اتمام یافت. و قبلاً محوطه یی از سنگ داشت. و دیگری از مس نیز تهیه نمود. و مفصل این گزارش را در دیگر صفحات نیز نوشته ام.

این افتخار برای آن خانواده باقی ماند . چراکه پسر و نواده گان وزیر هم در زمان خود مردان صاحب قدرت بودند .
روایتی است در وقتی که وزیرشاه ولی خان و پسرش وزیر شیر محمد خان در نزدیک کاریز (پوهنتون حالیه) قلعه و باغ طرح و احداث نمودند ، به همان حرمت این ساحه را علی آباد موسوم کردند . و البته این قصه ایست که از زبانها شنیده در اسناد نخوانده ام . وهم روایتی است که شخصی علی احمد نام یکنفر پهلوان در اینجا آبادی نمود و بنام او علی آباد مشهور ماند . اما مسکن گزیده خاندان وزیر شاه ولی خان در کابل در گذر وزیر نزدیک بالا حصار و این ساحه پوهنتون کاملاً محقق است .

وصول خرقه شریفه

در قندهار

امپراتور بزرگ افغانستان احمدشاه در دران و وصول خرقه مبارکه را در کابل منتج فیوضات غیبی و عطوفات لاریبی دانسته بعد از صرف صدقات و زیارتش با خود برداشت. یعنی خود را مطلقاً مسوول خدمت و نگاهداری و شرف تولیت آن دانست و کلید صندوق مبارک را شخصاً به ید اختیار خود گرفت و در خارج حصار شهر کابل در محل گوشه و آزاد و منزله و امان کوه گذاشت و دستور داد که خیمه گاه عساکر محافظ در اطراف بعید آن استوار گردد و چند هفته از برای زیارت کردن اهالی شهر و اطراف کابل گذاشت و محل آن در کابل همین جای است که مردم سخی شاه مردان یاد می کنند.

وسال انتقال خرقه شریفه را از کابل به قندهار اینجا بایست تصریح کرد که :

اول حمل سال ۱۱۴۷ شمسی مطابق دوم ذیقعده الحرام سنه ۱۱۸۱ هجری قمری است.

احمد شاه درانی که از ایام بهار سال ۱۱۴۶ شمسی تا برج حوت سال مذکور در کابل اقامت داشت. در برج حوت سال ۱۱۴۶ ش از کابل به قندهار فرمان فرستاد و شما هزاره سلیمان دو مین

پسر خود را بکابل خواست. و تاریخ ورود او در کابل برج ثور سال ۱۱۴۷ شمسی مطابق اوایل محرم الحرام سنه ۱۱۸۲ قمری است. احمد شاه درانی به تاریخ (هشت) جوزا (یازده) محرم جانب چهاریکار عزیمت نمود و روز (ده) جوزا (سیزده) محرم شاه ولی خان و زیر را جانب بد خشا ن فرستاد :

اینکه تاریخ و صول خرقه شریفه در قندهار (نه) ربیع الاول سنه ۱۱۸۲ قمری (مطابق ۳ برج اسد) تعیین شده ممکن سهواً واقع نگار باشد و حقیقت چنان مینماید که تاریخ و صول خرقه در قندهار (۹) جمادی الاول مطابق اوایل برج میزان باشد. و اینکه نسبت گرفتاری های مهمه در انتقال خرقه شریفه احترا ما از عجله کار گرفته شده باشد طرف قبول می نماید و شاهزاده سلیمان درانی در ایام تابستان از کابل به همراه محمل خرقه متبر که عزیمت قندهار نمود ه باشد. و این یاد داشتی بود و چون در ماخذ (۹) ربیع الاول سنه ۱۱۸۲ قمری تاریخ و صول خرقه معظمه در قندهار تعیین شده تردد نمی ورزیم .

(افاض علینا من بر کاته) رجال موظف که عده زیاد علما و عساکر و خوانین بودند خرقه شریفه را با اعزاز و اکرام تمام برداشته در منزل اول در علاقه میدان رسانیدند و در سرای مسجدی نزدیک ده افغانان بالای صندلی گذاشتند. بعد بر داشتن از آنجا اهالی آنگوشه سرای را زیارت قرار داده اطراف صندلی را دیوار کرده پوشانیدند شمعند آنها گذاشتند. زیارت و صوف موجود است و به همین آداب تا قندهار رسانیدند و تاریخ و صول خرقه شریفه در قندهار (۹) ربیع الاول سنه ۱۱۸۲ قمری (مطابق سوم برج اسد سال ۱۱۴۷ شمسی) است و در اولین مسجد جدید تعمیر که در سنه

۱۱۷۲ قمری کار تعمیر آن اتمام یافته بود گذاشتند (۱) و تا سنه ۱۱۹۰ قمری در همانجا بود .

درایام طی طریق محمل خر قه شریفه از فیض آباد تا کابل و از کابل تا قندهار محمل مبارک را بر پشت اشتر می گذاشتند. و در وقت فرود آوردن در هر منزل مفروشات جدیدی را که قطعاً استعمال نشده بود - هموار کرده صندوق مبارک را با لای آن و دریک حصه هر تفصیح می گذاشتند . و در هر بار فرود آوردن مبلغ کثیر نذر و صدقه می کردند و در هر منزل بعد فرود آوردن رقعہ یی نوشته و حکم آویختن بگردن اشتر میدادند و می نوشتند که با لای این اشتر خر قه مطهره حمل شده و هیچ کس حق بارکردن و سوار شدن ندارد و این اشتر از خدمت آزاد است و اشتر آن آزاد شده را حمایت می نمودند. و اهالی در هر منزل - محمل فرودگاه خر قه شریفه را سنگ چینی و احاطه میکردند .

احمد شاه بزرگ - که شهر جدید قندهار را در سنه ۱۱۶۹ قمری بنا و اشرف البلاد نام گذاشت . و قتی این فیض ربانی به آن شهر پر تو وصول و نزول نمود - باور میشود که در عالم روحانیت و کرامت این حقیقت را دریافته شهر بنا کرد خود را از باعث ورود و وصول خر قه متبر که به آن نام قبلاً اشتها ر داده بود و چنانکه حق به مرکز خود قرار گرفت و این نام را در سکه بی دولت و فرمانها و وثایق و نامه ها درج نمود . یعنی در افغانستان دو افتخار (فیض آباد) و (اشرف البلاد) از همین احترام پرتو نزول خر قه واجب التعظیم حضرت رسول کریم (ص) ایجاد شده است .

(۱) این مسجد به سمت جنوب گذر بر درانی واقع است و قندهار -

پان حال (زایه مسجد) یعنی مسجد قدیم یاد می کنند .

و اما اشرف البلاد از لحاظ مجاهدت در راه دین اسلام و حصول
استقلال و پیوستگی دادن هم ولایات معروف از کران تا کران
در داخل یک قلمرو و در تحت یک نظام امپراتوری اسلامی به تمام
معانی ترجیح و تفاضل دارد .
و قندهار قهرمان را مرکز بزرگ اجتماعات و صلح و امنیت
عمومی افغانستان می توان قبول کرد .

* * *

اهل حق را زندگی از قوت است قوت هر ملت از جمعیت است

تاریخ انتقال خرقة شریفه

در نظم

تاریخ انتقال و وصول خرقة شریفه از جوزگون (فیض آباد) به اشرف البلاد (قندهار) به قرار این نظم بیان شده است :

زهی خرقة با سعادت که شد
معلی جناب احمد آن شاه و الا
به بازو چو رستم به هیبت چو دارا
مطیعش زمه تا به ماهی جها نی
از آنجا که آمد زو پیش داشت مسکن
فرستاد در جوزگون بهر تعظیم
که تا آورد خرقة شاه لولاک
بیا و ردش از جوزگون آن نکونام
نهم از ربیع اول و روز دوشنبه
بالف ماته ثمانین و اثنان

خراسان ز فیض قدو مشمنور
که بد رتبه اش بر تر از بام اخضر
به حشمت سلیمان به تکمین سکندر
بیا بوسش آسمان حلقه بر در
حب حق تعالی و حب پیمبر
ولی خان وزیر خود آن نیک اختر
حبیب خدا شافع روز محشر
بصد عز و تکریم بسیار و صد فر
که شد قندهار از نزولش معطر
خرد گفت بنویس تا ریخش اندر

(۱۱۸۲ق)

نظم فوق به خط صوفی عبدا لحمید خان - در مدخل دروازه و
دالان زیارت خرقة شریفه در سنه ۱۳۲۷ قمری نقش شده است .

قندهار و خرقة شریفه

«کلام محمود طری افغانی»

خوش آب و خوش هوا و لطافت نثار شد
شیرین بود که نام خوشش قندهار شد

فخر رسل محمد مختار کز شرف
عالم بنور او شده از جهل بر طرف

یک خرقة مقدس از ثوب پاک خویش
بهر او یس کرده عطا در زمان پیش

آن خرقة مقدس پاک این زمان کجاست
پرسی کجا بگویی که در قندهار ما است

این است فضل باقی این شهر بی نظیر
قد سیتش قیاس کن ای ذات خوش ضمیر

در این ولا یتست اراضی پر شرف
انهار بس بزرگ در آن جاری هر طرف

اقوام پر سلاح اصیل دلاوری
در روی شان ستاده چو شیران غاوری

قندهار و خرقة شريفه

کلام علامه اقبال

دو کشور سر بر اقبال شاعر شہیرق - در برج عقرب سال
۱۳۱۲ شمسی حینی کہ از کابل وارد قندہار و بہ زیارت خرقة
شریفہ مشرف شدہ . با احترام آن شہر زیارت مقدس گفت :

قندہار آن کشور مینو سو اد	اہل دل را خاک او خاک مراد
کوی آن شہر است مارا کوی دوست	ساربان بر بند محمل سوی دوست
خرقة آن بر زخ لا یبغیان	دید مش در نکتہ (لی خرقتان)
آمد از پیرا ہن او بوی او	داد مارا نعرۃ اللہ ہو

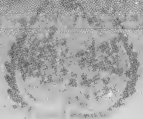
اولین فرمان دولت افغانستان

در خصوص مقرری متولی خر قه شریفه قندهار

در اول باید گفت که : مقصد از درج این همه متون و اسناد آن است که علایق مزید و احترام نهایت زیادم مسلمانان افغانستان را در حفظ و نگاهداری خر قه واجب الاحترام حضرت سید الانام از مرور تاریخ نشان میدهد .

چون سر قهرمان دلیر افغانستان احمد شاه امپراتور - بعد وصول خر قه معظمه در قندهار و وصول خودش بعد از یک سفر فاتحانه از بلاد شرقی امپراتوری به قندهار - از ابتدای سنه ۱۱۸۳ هجری قمری اراده لشکرکشی برای تنظیم بلاد غربی قلمرو امپراتوری افغانستان داشت. و تا عشره ثانی شهر محرم الحرام سنه مذکور خدمت تولیت خر قه معظمه را بدوش خود و کلید صندوق مبارک محمل خر قه را بدست خود و آن امانت نهایت بزرگ را در اولین ، مسجد بنا کرده عهد دولت خویش (زائره مسجد) نگاهداری می نمود. مطابق رای و تصویب و انتخاب اعضای دولت - الحاج مولوی عبدالحق (ولد حاجی ملاشکر ولد حاجی ملازال قو م یعقوب زایی الکو زایی) را به خدمت تولیت خر قه مبارکه مقرر فرمود و به مهر خود و اعضای دولت و مسوولین امور ادار و حساب فرمان نوشت که

فرمان اعلیحضرت احمد شاه در افغانی - که در شهر قند هار برای مقرری متولی خرقة شریفه نوشته اند



اچکله مرام که ان نه نوانه و نه نام یو پان سر و نام و بیره نصیب و محاربه شاه

افغانی افغانی و کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه

شهبان امان و لاوت را اکر کرده از اماند آنده استند که او پیش از که سال کاو او بر تبه قبیع لری تریوت

افغانی شرفه کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه

افغانی کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه

افغانی کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه

افغانی کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه

افغانی کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه و کجایه کجایه

اینک سراسر نقل مهرها و عبارات فرمان را درج مینمایم، و سراسر نقل عبارات اسناد وار قام دولت افغانستان - بر علاوه خدمت نگاهداری و حفاظت خر قه مشرفه برای معرفی نامها و تذکار اصطلاحات اداری و طرز انشاه (قرن ۱۱، ۱۲) هجری و بزرگی همت و استقلال کامل افغانستان تاثیر بسیار دارد.

الملك لله
الحکم لله یا هو یا فتاح
احمد شاه دردران
۱۱۷۵

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه بنا بر امرای بیکران
 خدیوانه و مکارم بی پایان خسروانده در باره فضیلت و کمالات پناه افادت
 و افاضت دستگام حاجی ملا عبدالحق درانی الکوزایی که درین وقت ذره
 از پیر تو انوار خورشید جهان افروز خسروانی تجلی بخش شبستان -
 آمال و امانی مشا ر الیه گردیده از ابتدا هذه السنه مبارکه او ایل ترکی
 سال گاو او را بر تبه رفیع المرتبه تولیت خر قه مشرفه متبرکه
 حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین (ص) که در اشرف البلاد
 احمد شاهی است سرافراز ممتازین الامثال والاقرآن فرمودیم که
 چنانچه باید و شاید از جوهر کاردانی و صلاحیت اوسزد و آید بلوازم
 امر مزبور و مراسم شغل مذکور قیام و اقدام داشته در سرپرستی و
 عزت و احترام و محافظت خر قه مبارکه و جمیع متعلقات امر تولیت
 مزبور لازم سعی و اهتمام تمام به عمل آورد و دقیقه از دقیق
 ملزومات امر مزبور را فرود گذاشت ننماید و نحوی نماید که حسن خدمت او

ظا هر شود و هم تحصیل دعای خیر جهت ذات ستوده صفات اشرف بود باشد و خر قه مبار که را به نحوی که در صندوق است در همان صندوق باشد و سر صندوق که قفل شده است به همان نحو بسته باشد و بدون حکم نواب همایون مابه حکم دیگری سر صندوق مزبور را باز نکند و مردم که زیارت می نمایند همان صندوق را زیارت کنند و احدی از خدمان اشرف تخلف نور زد . حکام و عمال و مباح شرین و جمهور خلق الله سکنا ی اشرف البلاد احمد شاهمی و غیره حسب المقرر حاجی الحر میمن حاجی عبدالحق متولی خر قه متبر که و ملزوما ت امر مزبور را متعلق با و شمرد ه در باب زیارت آن نحوی که امر شده معمول داشته تخلف نور زند . مستوفیان عظام و لشکر نویسان کرام صورت رقم مبارک را در دفاتر لازمه ثبت و حسب المقرر معمول داشته در عهده شناسند .

فی (۲۶) شهر محرم الحرام سنه ۱۱۸۳ .

نقوش مهرهای ظهر فرمانداران این عبارات است :

- ۱- افوض امری الی الله - عبده محمد قاسم - ۱۱۶ .
- ۲- عبد الرحیم ابن علی رضاء
- ۳- افوض امری الی الله - عبده محمد هاشم
- ۴- آصف بارگاه شاه دران زدل شده غلام بهادر شهبو لیخان
- ۵- عبده گل محمد
- ۶- لا اله الا الله الملك الحق المبين - عبده یاقوت
- ۷- لا اله الا الله الملك الحق المبين - عبده امان الله
- ۸- عبده سعادت .

وقف نامه خرقه شریفه

نهر جدید قند هار مشهور به نهر احمد شاه که امپرا تور احمد شاه درانی در زمان حیات حفر و آباد ساختن و مردم قند هار (شاه بواله) یاد می نمودند.

نهر مذکور و از اضی تحت آب آن که مال و ملک در خورشان خدمت تولیت خرقه مشرفه مکرمه دیده میشود . در شهر رجب المرجب سنه ۱۱۹۶ هجری قمری (مطابق بارس ثیل شمسی) به مهر هفت پسر آن امپرا تور بز درگ و وقف خرقه شریفه گردید . چرا که احمد شاه مرحوم خود این حسن نیت را داشت و امپرا تور تیمور شاه بروی سند معتبر به مهر خود و شش برادر خود این حسن نیت را

به جا آورد (۱) و قفنا مه خر قه شریفه که بدست حاجی عبدالحق
الکوزا یی متولی (ابن حاجی ملا شکر ابن حاجی ملازال یعقوب
زای الکوژا یی) سپرده شده سرا سر متن آن ازین قرار است :
هو الله تعالى مالک الملك والاستحقاق ولله میراث السموات
والارض وهو بكل شی خبیر .

(۱) وفات احمد شاه بابا ظهر پنجشنبه (دوم) ربیع الاول سنه
۱۱۸۶ق در ولسوالی مرغه و دفن درسا حه دولت خانه شهر جدید
قندهار جمعه (۳) ربیع الاول .

جلوس تیمور شاه (۱۹) جمادی الاول سنه ۱۱۸۶ق ،
انتقال مقر دولت امیرا توری از قندهار به کابل - صفر سنه
۱۱۸۷ق، ختم کار تعمیر خرقة شریفه و آرامگاه احمد شاه بزرگ
در سنه ۱۱۹۱ق، تاریخ تحریر و تبقیه آرا مگاه احمد شاه بزرگ در سنه
وقف نامه خرقة شریفه رجب سنه ۱۱۹۶ق .

الملك لله
علم شد از عنایات الهی
بعالم دولت تیمور شاهی
۱۱۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم - حمدا لمن وقف على خفيات السراير
 ومروكوا ذات الضماير و شكرا لمن واقف من كنه معرفة افهام الواقفين
 من ذوى الابصار والبصاير والصلوة والسلام على النبى
 المصطفى المجتبى المعلى اشرف الال و الاخير وعلى اله الطاهرين
 الواصلين واصحاب الكاملين المجتنبين صاحبى المكارم والمآثر
 من يومنا هذا الى يوم تبلى السراير
 اما بعد

برای هدایت ضیای واقفان حقایق آثار نامتناهی و واقفان پیشگاه
 دستگاه امکان و پرده کشای رموزکنوز اسرار الهی - که ضمایر
 بیض نظایر شان - از اشعات شامو قات مشکوة .
 الذین یومنون بالغیب و یقیمون الصلوة و ما رزقناهم ینفقون
 جا میست جهان نما وبر کار شفا ن سرایر کار خانه کن فکان - که خاطر
 آفتاب تاثیر شان از پرتو امعات بارقات : من تنالوا البر حتی تنفقوا
 مما تحبون - به مثابه مر آتیست .

حقیقت نما صورت این معنی روشن و هویدا و معنی این صورت مبرهن
 و پیدا ست که اقدام در طریق انفاق و اتقا و قیام نمودن به
 وظایف بذل و انفاق - مورث جزای جزیل و مودای من کان یزید حرث
 الاخرة من دله فی جرئه بر این معنی از واضحات ذیل است و شك
 نیست که فاضل ترین خیرات جاریه و نافع ترین میراث مستمره و افیه
 که ثمرات آنها به فیضان شایسته لامقنطو عة و لا ممنو عة موصوف
 است . و دوام آنها بر توالی ایام و شهر منطبق و بقای آن باتمام
 اعوام و دهور موافق است و نه زمانه ناساز را بر انقطاع آنها دستی و نه
 از تزلزل دوران ناشکیبا ارکان بقایش را شکستنی است و آفتاب
 عنایت ابدی و نجوم سعادت سرمدی از آفاق اقبال مقهلی و از سمای
 اجلال صاحب دلی طالع و لامع تواند گشت که بعد از ادای مراسم فرایض
 و واجبات و پس از اجرای لوازم نوافل و مستحبات همگی اوقات
 بر حرف انواع خیرات و وقف اصناف میراث که هر یک آنها
 عند الخالق و الخلاق موجب حصول درجات علیه و وسیله و صول به
 مراتب عالیه است . بموجب کلام حقیقت نظا م .

حصلو ال لاخرة بترك الدنيا ولا تحصلو ال لدنيا بترك الاخرة
 مصروف و معطوف دارد بیت :

گوی مراد در خم چو گاز سرور یست کانرا بخیر خواهی بیچارگان سرریست
 لاجر م هر یک از بنده گان خداوند ادا و پیروان طریق انیق حضرت
 احمد مختار برضای ایزد کردگار و خوشنودی جناب سید ابرارو ،
 مصداق کلام با بشارت ایثار الدنیا حسن العبادة و افضل
 السعادة - مبادرت بروقف ضیاع و عقار و بذل صحار و انهار نمایند تا

بِعَرُوجٍ دَرَجَاتٍ فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ
مَشْهُورٍ وَمَعْرُوفٍ گَرْدَنَد .

پس در صورت هر صاحبانی عقول معقول و عارفان حقیقت
شناختن فحول که پنج روزی درین سرا ی سپنج و ماوای پر درد ورنج
رخت اقامت افکنده و افراد اورا قلیالی و ایام بی ریب و مین من حیث
والو جهین بانظار اعتبار دیده و سنجیده اند بقرینه و قیاس استدلال
کرده اند که عموم معاشران از پیرو جوان عاقبت ازین جهان
سالک طریق و حشت رفیق فنا و خسران و از پی هم روان و شاهان
با عزت و ناز و گدایان با عدم آذمساز باکمال سوز و ساز بسوی
شهرستان عدم گرم عنان خواهند بود . لهذا عاقلان عارف و عالمان
واقف آنان اند که درین دار غرور و سرا ی پر فتور در صرف مال و
اموال حتی المقدور به محض رضای خدای غفور به هیچ وجه
اهمال و قصور ننمایند تا بفحوی حقانیت مقرون من عمل صالحا من
ذکر و انثی و هو مؤمن فلنحیینا حیوای طیبیة ولنجزینهم اجرهم
باحسن ما کنوا یعملون . آیه ۹۷ سوره نحل .

من عمل صالحا من ذکر و انثی و هو مؤمن فلنحیینا حیوای طیبیة و
لنجزینهم اجرهم باحسن ما کنوا یعملون آیه ۹۷ سوره نحل
از لطایف بیعدیل حضرت مستعان جلیل مستوجب اجر جمیل
و جزای جزیل شوند و ذیل مرا به نیروی بازوی اعتصام بهر حال
در انجام این مهم بر میان اهتمام استوار ساخته جلوه گر میدانند
الطول والعرض .

سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ
الْأَرْضِ أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ، باشد .

بنابرین درین آوان میمنت اقترا ن که اوایل جوش بهار دولت
گیتی امتداد و او اخر عمر و زوال روزگار ارباب حسد و عناد و مبداء

سأله فرخ فالسعدت قليل بارس بيل وشهر رجب المرجب سنه (١)
 سنه ست وتسعين وماته بعدالالف من الهجرة النبوية عليه الصلوات
 اكملها و من التحيات اجملها استما مول عطيات حضرت خالق
 البريات و مشمول حقايق ومعاني اين مقالات عاكس مرات حقيقت نماي
 آيات و زوايات فوق الذكر المورد با لعنايات الابد يا
 والسعادات السرمدية تاج السلطنة القا هر ه وسراج الدولة الباهرة
 اعظم الملوكة والسلاطين قهر مان الماء و الطين دافع سمو م الظلم و
 النوايب بالراي والتدبير بصايب مالک رقاب ملوك الافاق و الملاك
 المخيم جاها فوق السماء والسماك جلال الدنيا و الدين مروج الاسلام
 ومعين المسلمين ظل الله في الافاق والارضين .

بيت

بپای جاہ فلك راكشيد هزيركاب
 بدست امر جهان راگرفته زير نكين
 وانكه در عهد حكم و فرمانش
 هست ساير فلك بدو را نشين
 كس پراگنده نيست جز گلبرگ
 هيچ مظلوم نيست جز بيداد
 اختر دولت زمين و سماء
 گوهر نسل آدم و حوا
 جز ز نصرت سواد نامه او
 شب دولت مداد خامه او

(١) سنه ١١٩٦ هجرى قمرى مطابق دهمين سال جلوس تيمورشاه
 برتخت امپراتورى درانى .

بیت

کرم خلقه خلق الالهی عظیم الشبهه ن مال و جاهی
 تعالی رایتہ الی اللاتنا ہی مطاعا فی الاوامر و النواہی

السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان مهر سپهر دولت و انتباه
 ماه فلک حشمت و جاه المویدبتا ئیدات الاله تیمور پادشاہ لا زال
 جلال ملکہ و سلطانه و افاض علی العالمین برہ و احسانہ و نو باوگان
 حدیقہ جاہ و جلال و یگانہ گوہران عزت و اجلال دراری ابہت و اقبال
 نقاظ دواہر بر و افضال بہمین نتایج خاندان سعادت نشان و
 سلالہ های سلسلہ شہامت و شان شاہزادہ سلیمان و شاہزادہ
 اسکندر و شاہزادہ پرویز و شاہزادہ داراب و شاہزادہ شہاب
 و شاہزادہ سنجر طول اللہ اعمار ہم بمضمون آیہ وافی ہدائیہ:

مثل الذین ینفقون اموالہم فی سبیل اللہ کمثل حبۃ انبتت سبع
 سنابل فی کل سنبلۃ مائۃ حبۃ واللہ یضاعف لمن یشاء موفوق
 بتوفیق ایزدی گشتہ در حین صحت نفس و اعتدال مزاج از روی رضا
 و رغبت و قف صحیح مخلص موید شرعی نمودند ہمگی و تما می نہر
 جدید مشہور بہ نہر احمد شاہی واقع در اشرف البلاد احمد شاہی
 مع آب و اراضی معینہ متعلقہ آن کہ از آب نہر مزبور مشروب و زراعت
 میشود و بند آب نہر موصوفہ از رود خانہ ارغنداب جدا میشود و از
 طرف مغرب و شمال بہ جانب مشرق و جنوب جاری و بہ باغ
 جدید مبینہ خاقان علیین آشیا ن احمد شاہ درد ران انار اللہ لہ
 البرہان کہ بمنزل باغ موسوم است . منتہی میشود و سلطان
 مبرور در حین حیات خود بہ مال حلال و سعی جمیل برضای رب
 جلیل حفر و آباد ساختہ و مال مملوک و موروثی واقفین مزبورین
 است سوای باغ دیوان خانہ و حر مسرا و انار باغ و مجلس باغ

ومنزل باغ که از آب نهر مزبور رحقا به دارد ومشروب میشود واز اوقاف مزبور ه سوی و مستثنی است و سوی طاحونه جدید که عالیجا ه رفیع جایگاه فضیلت و کمالات پناه افادت وافاضت دستگاہ علامی فها می اعلم العلماء و افضل الفضلاء مقر ب الحضرت الخاقانیه اقصی القضاة ملا فیض الله خان پشینما زسر کار خاصه شریفه وقاضی عساکر تصرفت مائر که برسر نهر مزبور به مال و رجا ل خود آباد و به آب نهر مزبور درگر واست وسوای ملاک متعلق به آن نهر که به ار بابی عمل و به تصرف مردم است و از قرار ارقام مغفورونواب همایون ماتعلق به آنها دارد مقرر ومشروب طبر آنکه موقوفات مذکورات بکل قلیل و کثیر مو فیها او منها من ... الداخلیة و الخارجیة .

وقف مزار فیض آثار سلطان ، جنت مکان بوده باشد و تولیت جمیع محاصلات و متعلقات آن رابه فضیلت و کمالات پناه حاجی الحرمین الشریفین حاجی عبدالحق درانی الکوزایی متولی خرقة مبارکه مفوض و مرجوع داشته که هر سال وهر ماه و هر روز جمیع محصولات نقدی و جنسی آن را از قرار ی که معین و مشخص و رقم مبارک در آن باب بشرح و تفصیل صا در گردیده خرج بلقور یو میه و صرف فقرا و مساکین و ارباب استحقاق و فاتحه و دعا ، جهت روح کثیر الفتوح خاقان مبرور و مغفرت و آمرزش او حاصل و واصل نماید و واقفون مزبور و ن نهر مغفوت ه راعم محدودات معینه آن از تصرف خود خارج و بوقفیت موقوف نمودند که احدی از معاشر مردمان از وضع و شریف بوجهی از جو ه تغییر و تبدیل در آن راه نداد ه از شایبه ریب و زیا معرا و میرادانند .

هذا و قفا صحیحا شریعا مخلد امو یداصدقة جاریا لازما جاذما به جمیع شرایط الدعوی و الشهادة حیث لا یباع ولا یوهب ولا یؤد ثولا ینتقل من ملک الی ملک ولا یدل بوجه من الوجوه و سبب من الاسباب فمن بد له بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونه والله سمیع علیم و کان ذاک فی تاریخ الصدر .

تاریخ صدر شهر رجب المرجب سنه ۱۱۹۶ هجری قمری مطابق
 بارس نیل شمسی و از تاریخ تحریر آن و قف نامه تا این سنه
 ۱۴۰۷ هجری قمری دو صد و یازده سال می گذرد .
 درو قف نامه مذکور سه مهردارای این سجع ها نقش می باشد:

یار ب لطف کن بر سر سلیمان

یار ب دل کامیا ب داراد
 سالار سیران دارا ب داراد

یار ب چون سوای تو بروز رستخیز
 ندارد فریاد رس پرویز

شمزاده شهاب

ورقه و قفنامه به خط زیبای نسخ و نستعلیق و به کاغذ تقریباً یکمتر
 و بیست و پنج سانتی طول و تقریباً سی سانتی عرض می باشد به ساعت
 (سه) بعد از ظهر چهارشنبه (بیست و نه) حمل سال ۱۳۴۱
 شمسی در منزل شخصی آخوندزاده حاجی عبدالرزاق (ولد حاجی
 عبدالحمید و لد محمد صدیق و لد محمد عثمان و لد حاجی حفیظ الله
 ولد حاجی عبدالحق آخوندزاده) که موصوف به عمر هشتاد سالگی
 و این وقت به مرض فالج گرفتار بود - ارا ئه گردید و برای درج
 تاریخ خرقه شریفه بدون اندک اختصار نقل برداشتم تا حفظ
 صحیفه روزگار بماند .

* * *

در تاریخ خرقه شریفه دو بازوقف اراضی را مطالعه نمودیم - اول
 وقف اراضی قریه ده بید سمرقند مرکز ماوراءالنهر به فرمان امیر
 تیمور گورگان - و دوم درقندهار نهرشاهی به فرمان تیمورشاه امیرانور

افغانستان ، و البته موقوفات خرقه معظمه در طول مدت چهار ده صد سال از هر قسم زیاد بوده و اما در بلاد خراسان و قف قریه ده بید سمر قند و نهر شاهی قند هارخیلی بزرگ است .

احمد شاه بزرگ در زمان حیات اگر که اراضی نهر شاهی را وقف خدمت تولیت نمود ه بود و اما چون در سنه ۱۱۸۳ و ۱۱۸۴ ق مصروف يك لشکر کشی و هم دچار مریضی شدید گردید - ممکن نشد که وقف نامه یی به طور مشخص درین خصوص بنویسد . و اما چون این حسن نیت را داشت فرزند جانشین او تیمور شاه باتفاق برادران خود وقف نامه یی به تاریخ شمس رجب المرجب سنه ۱۱۹۶ هجری قمری نوشت که سرا سر متن آن در این کتاب مندرج است .

علم شد از عنایات الهی

بعالم دولت تیمور شاهی

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه فضیلت و کمالات پناه
حاجی الحرمین الشریفین حاجی عبدالحق درانی الکو زایی متولی
خرقه مبارکه نهر شاهی اشرف البلاد احمد شاهی بالظاف روز
افزون شاهانه سرافراز گشته بداند عریضه که درین وقت در
خصوص احوال خود و اینکه مدت پنج ماه است که هر روز مقدار
پنجاه من بوزن تبریزی نان پخته از بابت حاصل نهر شاهی به
خیرات فقرا ، و مساکین داده و بعد از آن به سبب خشک آبی و قلت
غله تا حال مدت دو ماه است که روز سی من نان پخته به مردم می
دهد و امسال آب بسیار شده است و در باب منزل باغ که حاصل ندارد
مناصف آن باغ انگور شود و اینکه عالیجاه میر علی خان اسحق زایی
امیر آخور باشی سرکار سلاسه دودمان دولت و اقبال نقا و خانندان
ابتهت و اجلال فرزندان ارشد ارجمند سعادت نمودن نایب السطنته القا هره

شاهزاده همایون رمه خود را همه اوقات در میان حاصل نهرشاهی سر میدهد و والدان فضیلت پناه یک روز گوسفندان او را از میان حاصل برون کردند و روز دیگر آدم‌های خود را گفته بوده که بیست سی نفر جمع شوند و گوسفندان را در میان حاصل سر داده خود پنهان شوید و وقتی که آدم‌های حاجی عبدالحق بیایند گوسفندان را بیرون کنند شما جمعیت خود را بر آنها بردارید روز دیگر که پسران فضیلت پناه بر سر حاصل بوده رمه آنها در حاصل آمده رمه او را برون کرده است مردم امیرآخور برون شده و پسران فضیلت پناه و چند نفر کسان او را بسیار زده اند که یک ماه ونیم افتاده اند و از شکم آنها خون می‌رود و شاهزاده بعد از آن حاجی الحر مین را طلبیده و تسلی و استمالت کرده خاطر جمع نموده و مواد دیگر انفاذ حضور ساطع النور نموده بود رسیده مضامین آن خالی را ای جهان آرا شد. اموری که انجام داد و میدهد خوبست درین وقت به فرزند عزیز امر شده که به حقیقت دعوی آن فضیلت پناه و میر علی خان رسیده هرگاه واقعی چنین کار کرده باشد او را تنبیه نماید به همه با بخاطر جمع بود مشغول امور خود باشد. فی (۴) شهر جماد الثانی سنه ۱۱۹۷.

کسانی که در ظهر ورق فرمان مهر کرده اند - نامها و عبارات نقوش مهر هر یک شان ازین قراراند :

- ۱- اقل خلق الله عبداللطیف الجامی .
- ۲- عبده نور محمد - ۱۱۹۸
- ۳- عبده محمد بهادر
- ۴- صد شکر کانیچه بود مرا مطلب مراد

از غلامی دولت شاهم رحیم‌داد

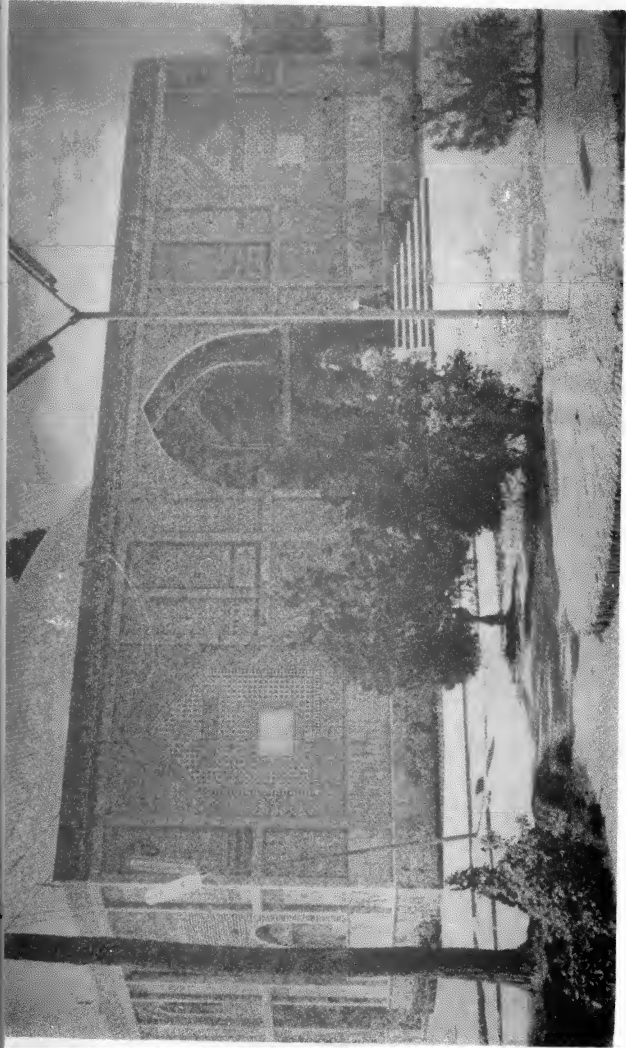
۵- یا هادی لاری موسوی

۶- عبده محمد هادی الموسوی - ۱۱۹۰

پنجاه سن نان پخته

در هر روز

از سنه ۱۱۸۲ هجری قمری در کابل و بعداً در قندهار در هر روز پنجاه سن نان پخته برای خیرات فقراء و مساکین از طرف دولت افغانستان منظور گردید. و در قندهار از حاصل نهر شاهي که وقف خرقه شریفه گردیده بود، این اصول جاری بود. و ارسال این فرمان امیرانور تیمور شاه درانی مویبد و مصدق آن گزارش است، و خیرات عام مقرر بوده است.



منظره عمارت خرقشريفه (قندهار)

جیره و مواجب مقرری علما

از طرف دولت امپراتوری افغانستان برای علما مواجب مقرری مستمری منظوری بود و اوراقی که در خصوص زیارت مقدسه خرجه شریفه و موقوفات آن صادر گردیده و موید این حقایق نیز می باشد و این رقم شاهد این حقیقت است که سرایا متن آن از نظر می گذرد. و از روی رقم ثانی معلوم میشود که از سنه ۱۱۹۰ قمری مقدار يك من ده آثار نان جیره به پنج نفر عالم که در خرجه مبارکه سوی پنج نفر که داخل دستور العمل بوده اند مقرر بوده است.

در فرمان مورخ ربیع الاول سنه ۱۲۱۶ ق نیز در این خصوص صراحتاً اکیداً هدایت داده شده است و متن فرمان در این کتاب مندرج است.

بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْاَسْمَاءِ

الملك لله

علم شد از عنایات الهی
بعالم دولت تیمور شاهی

۱۱۸۶

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه فضیلت و کمالات پناهان
ملاباشی و ملامداح امین محکمه و ملا الیاس و ملا پیر محمد کاکری
و ملا دوست محمد عزیز تبریزی و غیره ملایان اشرف البلاد احمد
شاهی بالطاف روز افزون شاهانه سرافراز گشته بدانند که درین
وقت فضیلت و کمالات پناه حاجی الحر مین الشریفین حاجی عبدالحق
درانی الکوزایی متولی خرقة مبارکه و نهر شاهی اشرف البلاد مزبور
بعرض اشرف رسانیده که ایشان بالا تفاق باو دعوا و گفتگو دارند که
از بابت خیرات نهر شاهی جیره مقرر ی بایشان بدهد و هر روز در
این خصوص به او مکابره می نمایند . بنابراین مقرر فرمودیم که
ایشان هر یک جیره و مواجب مقرر ی مستمر ی دارند که می گیرد. این

بلقور و غیره که از بابت حاصل نهر شاهی پخته میشود ، خیرات عام است که هرکس که در آنجا حاضر باشد و به فقرا و مستحقین و مساکین و غیره داده میشود و به مصارف آنها میرساند باید که ایشان را هیچ وجه در آن خیرات و به حاجی عبدالحق مشار الیه دخل و رجوع و کاری نباشد و ادعا و گفتگو در آن خصوص ننمایند قد غن لازم دانسته در عهده شنا سند - تحریر فی ۱۲ ربیع الاول سنه ۱۱۹۸ .

کسانی که در پشت و رقه فرمان مهر کرده اند . نقوش مهر ها دارای چنین عبارات است :

۱- اقل خلق الله - عبداللطیف الجامی

۲- عبه نور محمد

۳- عبه محمد بهادر

۴- صدشکر کانچه بود مرا مطلب

مراد از غلامی دولت شامم

رحیمه اد

۵- بنده محمد ها دی لاری موسوی

الملك لله
علم شد از عنایات الهی
بعالم دولت تیمور شاهی

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه عمال و مستاجران ، مالیات حال و استقبال اشرف البلاد احمد شاهی بالطف شاهانه سزافراز گشته بدانند که چون قبل ازین حسب الرقم مبارک مطاع افتتاح شعاع از تاریخ غره شهر رمضان سنه ۱۱۹۰- از ابتدای پنج ماهه سنه بیچی ییل سال میمون یومی مقدار یک من ده آثار بوزن تبریز نان جیره موازی پنج نفر ملایان که در خرجه مبارکسوی پنج نفر که داخل دستور العمل میباشند از سرکار مقرر بوده است که برین موجب میگرفته و بخرچ عمال آنجا مجری می شده :

پنج نفر برتفری نان یومی ده آثار یک من ده آثار

درینو لافضیلت و کمالات پناه حاجی الحرمین الشریفین حاجی

عبدالحق درانی الکوذا بی متولی خرقه مبارک که بعرض اشرف رسا
نید که رقم مذکور مفقود گردیده استند عای رقم مبارک مجدد نمود.
بنابراین مقرر فرمودیم که بحصول اطلاع بر مضمون رقم مبارک بر
وجه سابق برین حسب الرقم مبارک مقرر و مهم سازی می نموده
اند حال نیز بر قرار دانسته ما یحتاج خود نموده بدعا گوئی دوام
دولت خدا داد مشغول باشند .

مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی صورت رقم مبارک را
در دفاتر لازمه ثبت و حسب المقرر معمول داشته در عهد
شنا سند . تحریر به تاریخ شهر رجب سنه ۱۲۰۵ .
کسانی که در ظهر فرمان مهر کرده اند - عبارات نقوش مهرهای
شان ازین قرار اند :

۱- لا اله الا الله الملك الحق المبين - عبده نور محمد

۲- عبده محمد رحيم

۳- يا غفار الذنوب

۴- صد شکر کانچه بود مرا مطلب مراد

از غلامی دولت تیمور شهر حیدرآباد

۵- علی رضاء الموسوی

فرمان زمانشاه

در خصوص موقوفات خرّقه شریفه

امپراتور زمانشاه درانی از اوایل سنه ۱۲۰۸ قمری یعنی از اول ورود خود به قندهار برای صرفصدقات خرّقه معظمه از حاصل نهر شاهی قندهار مقدار نقد و جنس غله و گاه و هم مبلغ بیست و دو تومان روپیه را برای صرفصدقات و خیرات عام منظور نمود و مفصل معلومات از متن فرمانها نهندا برمی آید که عینا نقل و درج تاریخ میشود. و در فرمان مورخ شنبه صفر سنه ۱۲۰۹ ق (مرد یاور) یعنی نفری کار و خدمت حشردسته جمعی برای لای کشی نهر شاهی و وقف شریفه منظور فرموده است .
و در این سلسله اسناد از نظر می گذرد .

الملك لله

قرار داد ز الطاف خویشتن یزدان
نگین حکم جهان را بنام شاه زمان

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد: آنکه چون قبل ازین حسب
الرقم مرحمت شمیم سلطان رضوان مکان انار الله بر هانه تولیت نهر
احمد شاهی که واقع است در اشرف البلاد احمد شاهی با فضیلت کمالات
پناه حاجی الحرمین الشریفین حاجی عبدالحق درانی الکوزایی
متولی خرقة مبارکه که نهر مزبور وقف صحیح شرعی میباشد مقرر
بوده که از روی راستی و هوشیاری متوجه آبادی نهر مزبور و کشت
وزراعت و ضبط و محصولات نقدی و جنسی اراضی نهر مزبور را سوای
منزلباغ و مجلس باغ و انار باغ و باغچه دولت اسرا و دیوان خانہ
مبارکه و آسیاب و سوای زمینها اربابی و باغات نهر احمدشاهی
باقی تمام آنرا به سرحد وصول و تصرف خود آورد. یوم به یوم غله
را به تمام نان پخته و خیرات نماید که نقد و جنس نهر مزبور بدین
موجب است نقد بیست و دو تومان برای دوازده تومان
غله دویست و پنجاه خروار
سبز ده تومان
کاه دو صد و پنجاه خروار

که مساوی چهار تومان را ازوجه مزبور ه دونفر نوکر بگیرد که خدمت نان و گوسفندان نمایند وهمه مقداری گاه را هر شب جمعه گوسفندان خریداری و ذبح و طبخ نمود ه خیرات نماید و فاتحه و دعای خیر به جهت روح پرفتوح خاقان جنت مکان علیین آسیا نانارا لله برهانه حاصل نماید - درینو لا از پیشگاه خلافت و جها نبانی استدعای امضای رقم مبارک مطاع نمود ه لهندابنا بر مراحم بیکران شاهانه در باره حاجی الحر مین الشر یفین، حاجی عبدالحق مشار الیه ازابتدای شش ماهه هذا کسنه مبارک که اود ثیل تولیت نهر وقف مذکور بدستور سابق بعلاوه تولیت خر قه متبر که در باز ه او مرحمت و بر قرار فرمودیم که از قرار معمول قبل در لوازم آن پرداخته به نحوی که رقم سلطان رضوان مکان در آن باب صادر شده و در دست دارد و حکم همین رقم مبارک هر سال حاصل و محصول نهر احمد شاهی وقف مرقومه راجع آوری و از قرار مقرر است خیرات نماید. حکام و عمال حال و استقبالی اشرف البلاد احمد شاهی حسب المقرر بدستور قبل به نهر وقف رجوع نداشته داخل اوقاف سرکار خاقان جنت مکان دانسته و تولیت آنرا به عهده حاجی عبدالحق مذکور مقرر دانسته قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و به هیچ وجه من الوجوه چیزی به نهر مذکور حواله و مطالبه ننموده رجوع ندارند .

مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی صورت رقم مبارک را در دفاتر لوازم ثبت و حسب مقرر معمول داشته از جوانب در عهده شناسند.
 تحریر به تاریخ شهر صفر سنه ۱۲۰۸.

• • •

کسانی که در پشت و رق فرمان زمانشاه درانی مهر کرده اند -
 عبارات نقوش مهرهایشان ازین قرار است :

- ۱- الله اكبر .
 - ۲- به تیمورشه چو شاهی از کریم
است علم از خانه زادان قدیم است
 - ۳- پور آل احمد جام است یوسف
 - ۴- افوض امری الی الله - عبده شکور
 - ۵- لا اله الا الله الملك الحق المبين - عبده نور محمد
 - ۶- حافظ شیر محمد
 - ۷- بسم الله الرحمن الرحيم
 - ۸- منتظر لطف الهی رحیم داد
 - ۹- علی رضاء الموسوی
 - ۱۰- شرف یافت از نام محمد احمد
 - ۱۱- عبده محمد بن فتح الله
 - ۱۲- عبده غزنین
- سه مهر دیگر خوانده نشد .

قرار داد ز الطاف خوبشتن یزدان

نگین حکم جهان رابنا م شاه زمان

اعوذ بالله تعالی - حکم همایو ن شد : آنکه یگانه گوهر اکیلس
شهر یاری و در صد ف ابهت ونا مدار ی قره باصر ه دولت واقبال
غره ناصیه سطوت واجلال فرزند ارشد ارجمند کامگار نامدار والا
گهر شاهزاده سلطان حیدر طول الله عمره بالطاف بیکرانها نه
سرافراز گشته بدانند که درین ولافضیلت و کمالات پناه حاجی
الحر مین الشریفین حاجی عبدالحق درانی الکوژایی متولی خر قه مبارکه
ونهر شاهی و قف اشرف البلاد احمد شاهی به حضور مبارک عرض
نموده که حسب الر قم سلطان جنت مکان در خصوص حفر نهر مذکور
مقرر است که همه ساله جماعه درانی سکنه چهار بلوک اشرف
البلاد احمد شاهی مرد یاور میدهند که نهر مزبور حفر ولای کشی می
نمایند استدعا نمود که درین خصوص رقم مبارک صادر شود که
از قرار معمول قدیم حال هم مرد یاور بدهند که هر سال نهر مزبور

حفر شود . لهذا باید آن فرزند قدغن نماید که جماعه درانی موافق
رقم سلطان جنت مکان و بدستور و معمول سابق مردیاور باو بدهند که
سال بسال نهر مزبور را حفر و لای کشی می نموده باشند . حسب المقرر
معمول دارند و در عهد شناسند . تحریر به تاریخ شهر صفر الظفر
سنه ۱۲۰۹

* * *

کسانی که در ظهر ورق فرمان مهر کرده اند - نامها و عبارات
نقوش مهرهایشان ازین قراراند:

۱- به تیمور شه چو شاهی از کریم است
علم از خانه زادن قدیم است

- سرکار وکیل الدوله

۲- کرامی الموسوی - ۱۲۰۸

۳- پور آل احمد جام است یوسف

۴- بدولت خواهی سلطان دوران

امین الملك شد از دل و جان

۵- حافظ شیر محمد

۶- افوض امری الی الله - عبده اسلام

۷- سلام قولاً من رب الرحیم

۸- العبد المذنب خانه زاد - ۱۲۰۱ .

۹- العبد المذنب محمد شریف - ۱۲۰۸

مقرری الحاج ملاحفیظ الله

به رتبه رفیع المرتبه تولیت خرقة متبرکه

الحاج ملا عبدالحق آخوندزاد هقوم الكوذا یی كه به تاریخ (۲۶) محرم الحرام سنه ۱۱۸۳ هجرى قمرى بفرمان امیرا تور احمد شاه غازى سمتولى خرقة متبرکه كه درقندهار مقرر شده بود . موصوف درسنه ۱۲۱۴ هجرى قمرى (مطابق قوی ثیل شمسی) فوت شد . وبه جای او درسنه مذکور به فرمان امیرا تور زمانشا هغازى درانى - الحاج ملاحفیظ الله آخوندزاد هابن مرحوم عبدالحق آخوندزاده برتبه رفیع المرتبه تولیت خرقة متبرکه كه مقرر گردیده .

قرار داد ز الطاف خویشتن یزدان
نگین حکم جهان را بنا م شاه زمان

اعوذ بالله تعالی حکم همایون شد: آنکه در این وقت فضیلت پناه حاجی
 الحرمین ملاحظه فیظ الله درانی المکون ایی ولد حاجی عبدالحق متولی خر قه
 متبر که حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین (ص) بعرض اشرف
 رسانید که قبل ازین حسب الر قم مبارک خاقان خلد آشیان انارالله
 برهانه حاجی عبدالحق والد عارض برتبه رفیع المر تبه تولیت خر قه
 متبر که در اشرف البلاد احمدشاهی است مقرر و سر افراز بود
 و حال فوت شده از خد مت اشرف استدعای صدور رقم
 مبارک درباب تولیت بنام خود نمود لہذا عرض عارض را بدرجه اجابت
 مقرون و از ابتدای سه ماهه آخر ہذہ السنہ قوی ٹیل اورا بدستور
 والدش برتبه رفیعہ تولیت خر قہ مبارک سر افراز فرمودیم کہ چنانچہ
 باید و شاید و از جو ہر تقویت و صلاحیت اوسزد و آید در سرپرستی

وعزت و احترام و محافظت خرقه مبارک و جمیع متعلقات امر تولیت و بلوازم و مراسم امر مزبور لازم سعی و اهتمام تمام به عمل آورده دقیقه از دقائق ملزومات امر مذکور را فرو گذاشت ننموده نحوی نماید که حسن خدمت و صلاحیت او ظاهر شود و هم تحصیل دعای خیر جهت ذات ستوده صفات، اشرف بوده باشد و خرقه مبارک را به نحوی که در صندوق است به همان نحو در صندوق باشد و سر صندوق که قفل شده است به همان طریق باشد و بدون حکم نواب همایون ما بحکم دیگری سر صندوق را باز نکند و مردم که به زیارت بیایند صندوق را زیارت کنند واحدی از فرمان اشرف تخلف نورزد و حکام و عمال در خرقه مبارک و ملزومات امر مزبور را متعلق باو شمرند و در باب زیارت نحوی که امر شده معمول داشته تخلف نورزند .

مستوفیان عظام و شکر نویسان کرام صورت رقم مبارک را در دفاتر ثبت نمایند ۱۲۱۴ .

قرار داد زالطاف خویشتن یزدان
نگین حکم جهان را بنا م شاه زمان

۱۲۰۷

(اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه چون درین وقت فضیلت و کمالات پناه حاجی الحر میسن الشریفین ملا حفیظ الله و لد حاجی عبدالحق الکوزی به حضور مبارک عرض نمود که قبل ازین حسب الرقم مبارک مطاع تولیت نهر و قف احمدشاهی که واقع است در اشرف البلاد مذکور بعهدہ حاجی عبدالحق والدا و ونهر مذکور و قف صحیح شرعی میباشد مقرر بود که متوجه آبادی و کشت و زراعت و ضبط محصولات نقدی و جنسی اراضی نهر مزبور سوی منزل باغ و مجلس باغ و انار باغ و باغچه دولت سراودیوان خانه مبارک و آسیاب و زمین های اربابی و باغات نهر احمدشاهی باقی تمام آنرا بسرحد وصول و تصرف خود آورده یوم به یوم عذر اتمام نان بخته و خیرات می نمود که به قرار جنس بدین موجب نقد بیست و دو تومان

غله دویست و پنجاه خروار - گاه دویست و پنجاه خسر وار
ومساوی چهار تومان راز و وجه مذکور نو کر میکرد که خدمت می
نمایند و ... نقد و قیمت گاه راهرشب جمعه گو سفندان خریداری
نموده خیرات نمایند و فاتحه ودعای خیر بجهت روح خاقان جنت
مکان حاصل نمایند .

الحال والدا و فوت شده استوعای امضای رقم مبارک بنام خود نمود
لینذا عرض عارض را بانجام مقرون واز ابتدا چهار ماهه هذه السنه
مبارک که قوی نیل - فضیلت و کمالات پناه حاجی ملاحفیظ الله مشارالیه
و غیره اولاد حاجی عبدالحق در عوض والدش بر تبه تولیت نهروقف احمد
شاهی بر حال و بر قرار فرمودیم که بدستور والدش در خدمت
مذکور متوجه بوده به تقدیم می رسانیده باشد و عشر نقد و جنس
محصول نهروقف را به تصرف و صرف مایحتاج خود نموده تمه
غله را موافق معمول سابق بلقور و نقد و قیمت گاه را که از آن جمله
چهار تومان را دونفر نوکر گرفته که بخد مت خریداری روغن و غیره
ملزومات بلقور گرفته و جهار و روغن و نمک و همه جهت بلقور
ابتیاع و خیرات نموده و فاتحه و دعای خیر جهت روح خاقان
رضوان مکان حاصل نمایند . و چون نهروقف مذکور و قف و خراج جمع
و تولیت آن به آن فضیلت پناه مفوض و مرجوع است متوجه آن گردیده
در آبادی آن ساعی بوده باشد . مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی
صورت رقم مبارک مطاع را در دفاتر لازمه ثبت و حسب المقرر معمول
داشته در عهده شناسند . تحریر به تاریخ شهر جمادی الثانی سنه
(۱۲۱۴)

* * *

عبارت نقوش مهر های پشت فرمان ازین قرار است :

۱- عبهه شکور

۲- حافظ شیر محمد

وَأَسْمَدَانِ مُحَمَّدًا وَسُورًا
أَسْمَدَانِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

عزیز الخیر و کبیر دوزخ قرظی
۱۳۶۱

- ۳- احقر العباد گل محمد-۱۲۰۶
- ۴- عبده محمد رحيم
- ۵- بدو لتخواهی سلطان دوران امين الملك شد ا زدل و جان
- ۶- چو فضل ايزد و لطف محمدی یار است
وزیر اعظم شاه زمان وفادار است -۱۲۱۳
- ۷- الهی بحق شئه پنجنتن نظری کن بحال حسن -۱۲۰۹
- ۸- ياغفار الذنوب
- ۹- غلام شاه زمان مير هوتك
- ۱۰- لااله الا الله الملك الحق المبين - عبده محمد شريف
- ۱۱- عبده علي رضاء الموسوی
- ۱۲- شرف یافت از نام محمد احمد -۱۲۰۷
- ۱۳- افوض امری الى الله - عبده عباس ابن هاشم
- ۱۴- ابن علی رضاء عبدالرحيم
- ۱۵- لااله الا الله الملك الحق المبين - عبده محمد حسين
- ۱۶- لااله الا الله الملك الحق المبين - عبده غزنین -۱۸۱۴

منظورى بیست تومان روپیه نقد معاش همه ساله برای متولی خر قه شریفه

امیرا تور زمانشاه درانی به تاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۱۵ قمری
برای الحاج حفیظ الله متولی مبلغ بیست تومان روپیه نقد معاش
همه ساله منظور نمود که بروفق برات نقد از خزینة قند هار از مدرک
مالیات چهل یک آن ولایت اخذ کند. و این فرمان شاهد آن حقیقت
است. چهل یک چی مالیکات قند هار همدین عهد فیض الله خان
پوپلزایی بود.

بسم الله خير الاسماء

الملك لله

قرار داد ز الطاف خویشتن یزدان
نگین حکم جهان را بنا م شاه زمان

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه بنا بر تحصیل دعای خیر بجهتہ ذات بابرکات اشرف ارفع اعلی از ابتدا شش ماهه هذه السنه مبارکه پیچی ٹیل سال میمون ہر سالہ مبلغ بیست تومان برات نقد بہ صیغہ موا جب ہمہ سالہ در وجہ فضیلت پناہ حاجی الحرمین شریفین حاجی حفیظ اللہ مقرر و مرحمت فرمودیم کہ ہر سال از مالیات و جوہ چہل یک اشرف البلاد احمد شاہی از عمال آن باز یافت و صرف مایحتاج خود نمودہ بہ دعا گوئی دوام دولت خدا داد قیام نمایند .

حکام و عمال حال واستقبال اشرف البلاد حسب المقرر از تاریخ مذکور ہر سالہ مبلغ بیست تومان وجہ موا جب فضیلت پناہ نامبردہ را ہر سال از وجہ چہل یک آنجامم سازی و قبض در ضمن

سواد رقم مبار که باز یافت و بخرج خود مجری و محسوب دانسته هر
ساله درین خصوص رقم مجسمه مطالبه نمایند .
مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی صورت رقم مبارک را در دفتر
لازمه ثبت و حسب المقرر معمول داشته در عهده شناسند . تحریر
شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۱۵ .

* * *

اعضای دولت و حکومت و مسوولین امور حسابات که در ظهر ورقه
فرمان مهر کرده اند نقوش مهرهای هر یک ایشان دارای این
عبارت اند :

- ۱- عبده شکور
- ۲- آنکه دلش روشن از نور علی است گل محمد خلف شاه ولی است
- ۳- حافظ شیر محمد
- ۴- چو فضل ایزد و لطف محمد یار است
وزیر اعظم شاه زمان و فادار است . ۱۲۱۳
- ۵- میر هوتک غلام شاه زمان
- ۶- یاغفار الذنوب
- ۷- لا اله الا الله الملك الحق البمين - عبده محمد شریف
- ۸- عبده علی رضاء الموسوی
- ۹- شرف یافت از نام محمد احمد - ۱۲۰۷

**چو بر گزیده سبجان و ظل معبود است
فراز مسند شاهی مقام محمود است**

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه فضیلت و کمالات پناهان ملا خدا بخش ملا باشی و ملا نصرالله امین محکمه احمد شاهی و ملا یاس و ملا پیر محمد کاکری و ملا دوست محمد ترینی و غیره علمای اشرف البلاد احمد شاهی بالطاف شاهانه سرافراز گشته بدانند که درین ولا فضیلت و کمالات پناه حاجی الحر مین الشریفین حاجی حفیظ الله درانی الکوژایی متولی خرقه متبرکه بعرض اشرف رسانیده که ایشان باتفاق هم در باب خیرات و بلقوربا و گفتگو می نمایند دعوا می کنند درین خصوص قبل ازین هم که گفتگو نموده اند رقم سلطان جنت مکان صادر شده بود که ایشان هر یک موجب و جیره مقرر دارند و هر سال و این خیرات از بابت حاصل نهر و وقف احمد شاهی هر کس از فقرا و مساکین که حاضر باشد می گیرند و ایشان را باین خیرات کاری نباشد حال هم باید به نحوی که مقرر شده در آن باب

گفتگو نکرده به حاجی حفیظ اللہ درین خصوص دخل و رجوع نداشته باشند که به نحو سابق معمول دارند حسب المقرر منظور و معمول دارند و در عہدہ شناسند . تحریر بہ تاریخ شہر ربیع الاول سنہ ۱۲۱۶ .

* * *

کسانی کہ در پشت و رق فرمان مہر کردہ اند ، عبارات نقوش ہر یک مہر ازین قرار است :

۱- بسم اللہ الرحمن الرحیم

۲- محمد اکرم

۳- العبد المذنب گلستان

۴- العبد المذنب رجب علی

۵- اقل خلق اللہ علی رضاء الموسوی

۶- زلف احمد والطف سبحان شکر از جان غلام شاہ جیلان

۷- افوض امری الی اللہ - عبدہ فتح اللہ

تعیین اوقاف

پون احمد شاه غازی - در نقل - ادا ن خرقه واجب الاحترام حضرت
سیدالانام و شرف خدمت تولیت آن مقام خدمت بزرگ نمود و هم
باین منظور که بیک خانواده علمی معاونتی شود و املاک موروثی
خاندان شاهی در جمله اوقاف محسوب گردد . در اول شهر
جمادی الثانی سنه ۱۲۱۹ هجری قمری مکرراً وقف نامه نوشته شد
که اینک خلاصه عبارات آنرا از نظر می گنرانیم .

الملك لله
شد از عین عنایات الهی
مسلم بر اشجاع الملك شاهی
۱۲۱۸

(نقود زوا هر محامد سیار و عقود جوا هر شکر بیشمار شایسته صرف
بارگاه و سزاوار و قف بارگاه خالق ارض و سماست که به چشم
ایمان و اسلام را در زمین دل های مومنان رو یا نیده و بسیط غیر از از
برای تحصیل ربع دارین امیدواران گسترانیده و مشعل مهر و ماه را به
جهت روشنایی این عالم و قف بنی آدم گردانیده جل جلاله و عم نواله
و در رفواید صلوة و غیر مویده تسلیمات نثار روضه صدر بدر
کاینات و مفخر موجودات و واقف کنوز حقیقت و عارف رموز معرفت
حضرت محمد مصطفی صلی الله تعالی علیه صحیه و سلم باد که نقد
اسلام را سکه نام شریفش روح است و متعششان زلال کمالش به
تجرع کاس کرامت محتاج و برآل و اصحاب و عترت و اضراب

او که هر يك مصاييح انوار ا بتداءمفا تيح ابوا ب اقتداء اند - علی هذا
لخصوص بر چهار يار كبار كه هر كدام از وزراى دولت محمدى و
امناى ملت احمدى اند رضوان الله تعالى عليهم اجمعين اما بعد -

چون واهب العطايا و رازق البرايا هر گاه بنده از خواص عباد
خود را كه به عواطف لم يزل... مخصوص گرداند ابوا ب خزاين
رحمت خود را برو مفتوح سازد و هر آيينه او را بدو لتى كه حرمت زوال
بدا من اجل آن نتواند رسيد و به نعمتى كه پاى نقص پيرا مون كمال
آن نتوان گشت در ميان ساير عباد خود امتيا ز بخشند و تما مى
همت او را مفتوح ابوا ب خير و احسان و مرشح اسباب برو امتنان سازد و
حسن صورت اين معنى در مراتب هدايت سمات الراجى الى رحمة
الله تعالى بنده گان اعليحضرت المويد بتا ئيدات الاله شجاع الملك
پادشاه لازمال جلال ملكه و سلطانه و باقى شهزاده گان بلند مكان
آرايش نمودند . چنانچه بد يده تحقيق مشاهده و به نظر تدقيق
ملاحظه فرموده كه امتعه اين جهان را شرف زوال و در ورطه انتقال
است مگر آنچه وسيله تقرب به حضرت خلاق على الاطلاق بوده
باشد چنانچه ما عندكم ينفد و ما عند الله باقى - بدين معنى ناطق
است و از جمله وسايل يكي صدقات قرار يافته و از جمله صدقات و
مرسومات مبرات يكي تعيين اوقاف است . زيرا كه بمرور ايام و مشهور
به صفايح اعصار و دهور مدام الايام تقيا باقى ميمانند .

بنابر ان بنده گان عالیشان گيتى ستان معظم اليه و باقى شاهزادگان
عالیشان همت خود هارا بر افاضه صدقه جاريه مصروف داشتند و
در تاريخ غره شهر جمادى الثانى سنه (۱۲۱۹) يك هزار و دو صد و
نوزده از هجرت نبوى صلعم و صحيه وسلم بود كه به مضمون
صدقات مشحون آيه كريمه مثل الذين ينفقون اموالهم فى سبيل الله
كمثل حبة انبتت سبع سنابل فى كل سنبله مائة حبه و الله يضاعف

لَمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ - به مضمون هدایت رهنمون حدیث شریف اذا مات الانسان انقطع عنه عمله الا من ثلثة الا من صدقة جارية او علم ينتفع به او ولد صالح يدعو له و به مطالعه این حدیث که گفته اند :

بزرگ عیش بگور خویش فرست کس نیارد ز پس تو پیش فرست موفق به توفیق ایزدی گشته اما بعد این ذکر یست در بیان آنکه وقف کردند و تصدق نمودند . از خالص املاک و طیب اموال خالصه تعالی در حال صحت ذات و نفاذ جمیع تصرف شرعی خود صالحا را ضیا همگی و تمامی موازی دوحجر طاحونه که واقع است در نهر سرکاری قریه صالحا که از رود ارغندا ب

وقفا صحیحا لازما و صدقة جارية نافذة و شرط کرد واقف معظم الیه که متولی این دو حجر طاحونه فضیلت و کمالات پناه افادت و افاضت دستگا مایاسین و لد هر قوم ملا عبد الغنی بارکزی بی گرجی زایی ایضاً متولی مقبره منوره خاقان علین آشینان و بدان طریق که حاصل یک حجر طاحونه رابه مصارف جیره ملا زمان و باقی خدمه های روضه خاقان مبرور رسانیده و حاصل یک حجر طاحونه دیگر رابه مصارف حصه کبوتران روضه متبر که میداده باشد و ثواب موقوفه بروح پر فتوح آن موصول باد .
و مشروط فرمودند که چون فضیلت پناه مذکور از دست ساقی اجل شربت کانفس ذایقه الموت رانوش کند سر رشته اختیار در قبضه اقتدار اولاد مذکور باشد . . . و این واقفان این مر قومه را از املاک بیگاری اخراج و تسلیم فضیلت پناه مشا ر الیه فرمودیم و مذکور قبول نمود

وقف نهر روضه باغ

برای خرنه شریفه

شجاع الملك شاه در دوران سلطنت اول نهر روضه باغ قندهار را برای خرقه شریفه وقف نمود و سند آنرا به مهر خود به حاجی حفیظ الله متولی سپرد و این است عین عبارت وقف نامه موصوف:

* * *

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و سلام على عباده الذى اصطفى اما بعد -

برضا یرار باب فراسست و اصحاب کیاست پوشیده نماند که به مضمون آیه کریمه معظمه مکرمه مثل الذین ینفقون اموا لهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء والله واسع علیم و به موجب حدیث صحیح صریح حضرت افضل البشر علیه و علی اله افضل الصلوة و التحیات اذامات الانسان. انقطع عمله الا من ثلثة الا من صدقة جاریة او علم ینتفع به

* * *

شجاع الملك شاه در دوران

الملك لله
شد از عین عنایات الهی
مسلم بر شجاع الملك اشاهی

درینو لا جنا ب آفتا ب عالتماب صحیفه سلطنت و کا مکاری
 مروج قواعد شریعت غرا

خلد الله تعالی ملکه وسلطانہ وافاض برہ واحسانہ و قف کردو
 تصدق نمود خالصا لله تعالی - از برای حاجی الحرمین الشریفین
 حاجی حفیظ الله بن حاجی عبدالحق دزانی الکوزایی و اخره للعالمین
 الفقراء تما می یک زوج ارا ضعی متعلقه معینہ آن کہ واقع است در
 اشرف البلاد احمد شاہی مشہور بہ نہر روضہ باغ و محدود است باین
 حدود شرقا متصل است اما برارغنداب پیوستہ است بزمین های
 عاشقہ - شما لا متصل است بـ دامنہ کوه - جنو با متصل است بہ
 نہر ناگمان بکل قلیل و کثیر ہوفیہ ومنہ و بجمیع حقوق ومرا فقش و
 بجمیع آنچه از آنها دارند و شمرند و اضافہ کنند . و قفا شرعی
 صحیحا و شرط کردند و از نظر معظم الیہ کہ متولی این و قف

حاجی مذکور مادام حیاته وبعده از آنکه حاجی مزبور از دست ساقی
اجل شربت ضرور یره کانس ذایقه الموت نوش نماید .

متولی این وقف رجوع کرد حضرت قاضی اسلام نافذ الامر و
الاحکام دارالسلطنه کابل در حالیکه عالم بود به محل اختلاف مجتهدین
مواضع خلاف اعنه الدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین در ضمن
مرافعه شرعیه بر خصم حاضر شن حکم کرد . بر صحت این موقوف
اولا و بلزوم آن ثانیا فصار هذاوقفا صحیحا شرعی لازما مسجلا
جامعا نافذا بجمیع شرایط وصحت الدعوی و الشهادة بحیث
الاباع و یوجب ولایورثه ولایمهر ولاییدل و کان ذلك بمحض
المسلمین فی تاریخ بیست و دو ی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۲۱

حافظ شیر محمد

* * *

المتوکل علی الله الصمد

خادم دین نبی شد محمد

۱۲۱۹

توضیح : حافظ شیر محمد اشرف الوزراء پسر اشرف الوزرا شاه ولی
خان است و در این ورقه وقف نامه مهر کرده است .
مولوی محمد خان - اقاضی القضاة و خان علوم بوده است .

دو باب کار بانسرا و بازارچه

وقف خر قه شریفه

محمود شاه درانی به تاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۲۳ قمری فرمانی برای تایید وقف خر قه شریفه صادر نمود و ثابت می گردد که دو باب کار بانسرا و بازارچه در شهر قند هار برای مصارف زیارت و اهل تولیت خر قه شریفه وقف و مقرر بوده و این فرمان ثانی موید آن است :

فرمان محمود شاه درانی

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه حکام و عمال حال و استقبال اشرف البلاد احمدشاهی باطراف موافق فور شاهانه سرافراز گشته بدانند که چون حسب الارقام و دستخطهای مبارک موازی دوبا بکار و نسرای شاه هزاره سلیمان و بازار چه دروجه فضیلت پناه حاجی ملاحفیظ الله متولی خرجه متبرکه که مرحمت گردیده بود که حاصل آنرا بجهت جیره خدومه و روغن چراغ و تعمیر و غیره امورات خرجه میرسانیده باشد . از خدمت بنده گان اعلیحضرت شاهنشاهی ظل اللهی استند عای امضای رقم مبارک نمود بنابراین امر و مقرر فرمودیم که به نحو سابق موافق ارقام و دستخطهای مبارک از ابتداء هذه السنه مبارکه لوی ثیل فیروزی تحویل سال نهنگ دروجه مشا رالیه مرحمت و عنایت فرمودیم که به نحو یکه از خود خرجه کشید و خرابه را آباد کرده است حال سال بسال حاصل و منافع آنرا به مصارف خرجه منوره متبرکه که میرسانیده باشند و موازی دوازده باب دکان که از جمله دکاکین و بازار چه مذکور که به غلط نهایی دروجه ملانصیر و ملاجمعه و ملاباشی و ملا صحبت و ملا

عبدالرحمن و غیره مقرر شده بود از وجه آنها موقوف دانسته بدستور سابق در وجه حاجی حفیظ الله مشارالیه برقرار دانند که هر ساله حاصل و منافع دکاکین بازارچه و دویاب کاروانسرا را به مصارف خرجه متبرکه که میرسانیده باشد و میروخان درانی فو فلزایی و غیره که رقم و دستخط لباسی نموده بودند احکام آنها را موقوف نمایند و هرگاه بعد ازین هم احدی رقم و یاد دستخط حاصل نمایند حکم آنها را منظور نه نمایند و از با بتما لیه دکاکین و مرسومات داروغه های بازاری و کوتوالی و بیگاز و سیگار و صادر یا تو غیره بهر اسم و رسم که حواله شود معاف و مرفوع القلم دانسته به هیچ وجه منالوجوه مزاحم و متعرض نشوند .

مستوفیان عظام صورت رقم مبارک را در دفاتر لازم ثبت نموده در عهده شناسند .

فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۲۳ .

کسانی که در ظهور و رق فرمان مهر کرده اند - نامها و عبارات نقوش مهرهایشان ازین قرار است :

۱- زلف احمد و الطاف سبحان شکر از جان غلام شاه جیلان - نظام الملك .

۲- لطف حق شامل حال میر علم .

۳- بسم الله الرحمن الرحیم :

۴- اقل خلق الله محمد حسین الموی .

۵- عبده یحیی

۶- ابو القاسم الحسینی

۷- افوض امری الی الله - عبده میر عبدالله

الملك لله

شد از عین عنایت الهی
مسلم بر اشجاع الملك شاهى

در این آوان میمنت نشان که اوایل جوش بهار دولت گیتی امتداد
... و مبداء سال فرخ فال سعادت قبیل سیچقان ثیل و شهر رمضان
المبارک سنه بعد الاف من هجرة النبویه علیه الصلوة
اکملها و من التحیات اجملها ست... الموید بتائیدات اله شجاع الملك
پادشاه لازال جلال ملکه و سلطانه به مضمون آیه وافی هدایه الذین
ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة الخ .

موفق به توفیق ایزدی گشته در حین صحت و اعتدال مزاج از روی رضا
و رغبت و قف صحیح مخلص و موید شرعی فرمود همگی و تمام می دکانین
ادراک خواهی سرا که واقع است در اشرف البلاد احمد شاهى درو
بروی سراى ادراک مذکور مشروط بر اینکه فضیلت و کمالات پناه
افادت و افاضت دستگام مایاسین بارکزایى گرجی زایى متولسى
مقبره سلطان علیین آشینان انارالله بر هانه سال بسال مالیه و

وجه کرایه آنرا باز یافت و صرف روشنائی مقبره سلطان مبرور رسانیده احدی دیگر را به دکاکین و مالیه و وجه کرایه آن غرض و رجوعی نباشد . حاصل و منافع و اختیار دکاکین مذکور و مالیه و وجه کرایه آن به فضیلت پناه ملا یاسین مشار الیه است و از شایسته ریب و ریا معرا و مبرا دانند و قفاصحیحا شرعیا مخلدا مویدا صدقه جاریه جازما

بخش دوم

اجمال و اختصار معلومات

در خصوص خرقة شریفه در قندهار

(۱۱۸۲ ق-۱۳۴۷)

تالیف

عزیز الدین و کیلی پوپلزائی

به تفصیلی که مذکور شد - شاه ولی خان وزیر - خر قه مطهره
حضرت سید لولاک را از میسرسلطان شاه ابن میر یاریگ تسلیم
گرفت و بعد تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم و صرف صدقات و
نذورات بسیار آن امانت بزرگ و مقدس را که از عرصه یکصد و
سی و شش سال به خاک افغانستان انتقال یافته و پنجاه
سال در بلخ و هفتاد و چهار سال در بدخشان پرتو نزول و برکات
داشت .

باعزت و عظمت تمام در سنه ۱۱۸۱ قمری از طریق پروان به
کابل رسانید و بعد مدتی از کابل براه میدان وردک - غزنه - مقر -
قلات - شهر صفا ، به تاریخ نهم ربیع الاول سنه ۱۱۸۲ مطابق
سیچقان ییل شمسی هجری به شهر جدید قندهار رسانیده شد .
و در اولین مسجد جدید تعمیر که در سنه ۱۱۷۲ قمری ده سال پیش از
ورود خر قه مطهره به سمت جنوبی گذر برداری و در نزدیکی خانه
وزیر شاه ولی خان واقع است گذاشتند و تا سنه ۱۱۹۰ قمری در
همان مسجد قدیمی (زاره مسجد) بود .

امپراتور تیمور شاه در سنه ۱۱۸۶ قمری در آغاز قصد حرکت موبک از قندهار به جانب کابل - در باب خر قه شریفه فرمود که : باید پس ازین خر قه مبارکه قطعه ای اماکن دیگر منتقل نگردد و نباید این لباس جلائی اساس دستخوش صاحبان قدرت گردد و چنانکه در قرون پیشتر قدرت مندان وقت خر قه معظمه را از جایجا ساخته بودند ، بعد ازین از مرکز قندهار ردر هیچ یک محل دیگر برده نشود و باین سخنان همه علما حضور فتواداده در همان مسجد قدیم (زازه - مسجد) که در سنه ۱۱۷۲ قمری بنا یافته بود . گذاشت و خود به جانب کابل حرکت نمود . و از بدو حرکت در جنوب شرقی حوالی مرقد احمد شاه بزرگ والد ما جد خود - نقطه خیلی خوش هوا و مصفا را برای اعمار مقام خر قه نبویه تعیین فرمود و آنچه در فرمان احمد شاه غازی برای حقوق تولیت تعیین شده بود تا سنه ۱۱۹۶ قمری ادا می داشت .

در سنه مذکور و قف نامه نوشت و متن آن در این رساله تاریخیه مندرج است . و توأم باوقایع تعمیر آرا مگاه احمد شاه کبیر عمارت خر قه مطهره را به صورت علیحده با مسجد جامع و محوطه وسیع و حوض آب به طور خیلی مرغوب از خشت پخته و گچ و چونه و سنگ مطابق مهندسی و معماران استادان قندهار آراست ، و در وقت تکمیل تعمیر (غره شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۹۰ ق مطابق پیچی ثیل شمسی - سال امیمون) خر قه مبارکه را با نتهای عزت و عظمت از مسجد قدیم (زازه مسجد) از نزدیکی منزل شاه ولی خان مرحوم با صرف صدقات و نذورات بسیار و ادعیه و تکبیرات و درود بروج مبارک حضرت سیدالاولین و الاخرین محمد صادق الوعد الامین (ص) بر داشته در عمارتی که تا کنون (سال ۱۳۶۶ ش) زیب و زینت تمام دارد و با آن عظمت و شان پابر جا ست ، گذاشت . و در همین سنه برای جیره عالمان و متولیان خر قه معظمه فرمانی به عنوان عمال و مستان جران مالیات ولایت قندهار در بر قرار داشتن جیره پنج نفر

عالمان و پنج نفر متولیان صادر نمود و مقدار يك من ده آثار بوزن تبریز نا ن پخته مقرر داشت و درسالیان دراز این رسوم بجا میگردد .

بعد از آنکه خر قه مبارکه در عمارت جدید منتقل گشت . و تیمورشاه بکابل معاودت نمود علما و اعیان انجمن حضور بعرض رسانیدند که خاقان کبیر (احمد شاه دردران) از روی نهایت احتیاط خر قه شریفه را در حجره مسجد در نزدیک خانه وزیر شاه ولی خان گذاشته و تمام اکابر و اعیان و علمای وقت در اندرون شهر مراقبت و مواظبت می نمودند و الا آنکه خر قه مبارکه در صحن روضه باغ انتقال یافته و چنانکه در قرون گذشته چند مرتبه توسط ارباب تولیت از جابجاء گردیده مبادا خدای ناخواسته روزی از قندهار بدیار دیگر منتقل گردد . و امپراتور تیمورشاه تا هنگام معاودت دفعه سوم به قندهار به تشویش بسر می برد .

تیمورشاه در سنه ۱۱۸۶ قمری در دامنه علی آباد محل امانت خر قه شریفه را که در سنه ۱۱۸۲ قمری گذاشته شده بود ملاحظه کرد . و آنجا را مانند زیارت دشت ده بید سمرقند که بعد از انتقال خر قه مبارکه به شهر بلخ زیارت شاه مردان نام کرده بودند جایگاه خر قه را در دامنه علی آباد کابل - اونیز احتراماً زیارت شاه مردان نام گذاشت و محل و موضع خر قه شریفه را که از مدت چهار سال سنگ چینی شده و توغ بالای ش نصب کرده بودند فرمود که در نزدیک آن جایگاه چاه آب برای وضو و نوشیدن زائران حفر شود و درختان توت در زمین وقفی غرس گردد . اما اینکه بعضی جماعات از روی حسن عقیدت آنجا را قدمگاه حضرت امیرالمومنین علی کرم الله وجهه تصور نمود و سنگ سوراخی را که صندوق محمل خر قه معظمه را از طرف روز باین مفهوم که از قامت زائران بلند باشد می گذاشتند . سنگ ذوالفقار نام گذاشته اند . این يك حسن

تعبیر عا میانه است و حقیقت همان است که در سنه ۱۱۸۲ قمری چند گاهی خر قه نبویه در آن محل منزه و گوشه از حدود شهر قدیم کابل قرار داشت (۱)

امپراتور تیمور شاه - در سنه ۱۱۹۶ قمری که این وقت بار دیگر وارد قندهار گردید باین دلیل که باید ارباب تولیت - بعلاوله آنکه حسباً و نسباً قندهاری و معتمد ملت اند - از نظر وضع گذاره نیز بیشتر ملتفت و متوجه ادای خدمت تولیت باشند - نهر شاهی (شاه و اله) را به اراضی آن که از آب مزبور مشروب می گردند و قف کرد و در اختیار اهل تولیت خر قه نبویه سپرد - و در سند و قف نامه مهر های برادران خود را نیز نقش نمود تا باین توابع بزرگ همه فرزندان احمد شاه غازی مرحوم شریک باشند و بدعای خیر یاد شوند.

(۱) در اوائل دوره سلطنت امان الله شاه - علیا حضرت سراج الخواتین و والد ه آن پادشاه به شکرانه حصول افتخار استرداد استقلال افغانستان و هم باین افتخار که نیاکان مادر علیا حضرت به آوردن خر قه شریفه توفیق یافته بودند بصرف پول شخصی خود جای آنرا عمارت و بنا می گنبد آهن پوش نمود. و در سال یکبار ظرف بزرگ سنگی را که بنا می دیگ سخی مشهور شده است .

مملو از مالیده نموده و بطور نذر بفقرا توزیع می نمود و الا ن مردم آنرا زیارت سخی می گویند. و در همین عهد بحسب فرمان غازی امان الله شاه در اثر عرض اهل تشییع ناحیه چند اهل که نوشته بودند برای تدفین و فیات شان در شهر کابل جای مشخص ندارند دامنه علی آباد - تعیین گردید و چنانکه گمان شده است این مدفن اطراف زیارت سخی از عهد درانی سدو زایی است حقیقت ندارد .

وئيقه و قف نامه به طول تقريباً يك متر و (بيست و پنج) سانتی و عرض تقریباً (سی) سانتی به خط خوش نسخ و نستعلیق به تاریخ شهر رجب المرجب سنه ست و تسعين و ما ته و بعد الا لف (۱۱۹۶ هجری قمری) نوشته شده و هفت برادر :

تیمور شاه - سلیمان - اسکندر - پرویز - دارا ب - شهاب - سنجر - دراین و ئيقه مهر کرده اند . و این وئيقه را هفت برادر که همه به قید حیات و در قندهار در ایام سفر این سال حاضر بودند - بدست خود به ملا حاجی عبدالحق الکوزا یسی متولی سپرده اند . و سراسر متن در این رساله مندرج است .

به تاریخ (بیست و شش) شهرشوال الکمر م سنه ۱۱۹۶ ق به عنوان شاهزاده همان رقم دولت امپراتوری صادر گردید و گفته شد که یک قسمت اراضی تحت آب نهر احمد شاهی که از طرف اهالی باغها در آن احداث شده ، مالیات آن با محصولات زراعتی زمین های مذکور به اجزا ، موقوفات خر قه نبویه (ص) افزوده گردد .

در فرمان مورخ (ده) ربیع الاول سنه ۱۱۹۷ ق که در اثر عرض ملا عبدالحق متولی صادر گردید ، مربوط به موقوفات خر قه مبارکه و از حاجی علی نقی و صادق نام تاجک تلو کانی - در باب دوز وچ املاک نهر شاهی یاد شده و از حاجیان صدیقی و کسان دیگر نیز اشارت نموده است .

در فرمان امپراتور تیمور شاه مورخ (چار) جمادی الثانی سنه ۱۱۹۷ ق که به حاجی عبدالحق عنایت شده تا کید گردیده که هر روز مقدار پنجاه من بوذن تبریزی نان پخته از بابت حاصل نهر شاهی به خیرات فقرا و مساکین داد شود . و در این فرمان ثابت گردید که منزل باغ نیز از موقوفات خر قه معظمه در شمار آمده چنانچه در سنه مذکور متولی خر قه نصف اراضی منزل باغ را برای احداث انگور باغ استعداعا کرده بود و در این فرمان شاهزاده همایون به خطاب نائب السلطنه القا هر و از حاجی عبدالحق به عبارات فضیلت و کمالات

حاجی الحر مین الشریفین یادشده و از میر علی خان اسحق زایی - امیر
آخور باشی شاهزاده همایون (۱) نام برده شده است .

در فرمان مورخ (دوازده) ربیع الاول سنه ۱۱۹۸ ق امپراتور
تیمور شاه از نظر مساعدهت بامور خانگانه علمی قند هار و سرپرستی
مدرسه و نظارت اوضاع مفروشات زیارت خرجه نبویه - تاکید شده
و از چند تن عالم و شاعر بزرگ قند هار به شمول ملا خدابخش
اسحق زایی حوا زایی ملا باشی - ملا مداح رئیس محکمه شرعیه -
ملا الیاس - ملا پیر محمد کاکر و شاعر - ملا دوست محمد تبریزی
متخلص (عزیز) نام برده و برای هر یک معاشات و ماکولات منظور
گردیده است .

فرمان مورخ سنه (۱۱۹۰ ق) مطابق پیچی ثیل سال میمونوقتی
از نزد متولی مفقود گردید - در اثر عرض حاجی عبدالحق متولی -
فرمان ثانی از حضور امپراتور تیمور شاه صادر گردید . و بجهت
جواب عرض او که گفته بود :

وضع فرش های تمدی بر هم است و بنجره های عمارت شکست و
ریخت پیدا کرده .

در فرمان مورخ (چهارده) ذیحجه الحرام سنه (۱۲۰۰ ق) امر
شد که بر آورد کرده و فرش قالین از ولایت قاین بیاورند . و ثابت گردید
که تاسنه مذکور - از نمدهای مقبول قند هاری در زیارت خرجه
شریفه فرش بود و بعد از آن به قرار فرمان امپراتور تیمور شاه
قالین های قاینی برای فرش زیارت خرجه معظمه خواسته شدند و در

(۱) کتابی که به عنوان زیب تاریخ ها نوشته شده و نسخه خطی
آن در کتابخانه نسخ خطی تاشکند در سال ۱۳۵۹ شمسی به
نظر نگارنده رسید با اسم همین شاهزاده نوشته شده است . (وکیلی
پوپلزایی)

این فرمان از جمعه خان الکوزایی نایب شاهزاده همایون بلقب
نایب شاهزاده همایون بلقب وکیل مالیات قندهار و عبدالحق
متولی و غلام علی پیشخدمت و ادراک خان داروغه دفتر شاهزاده
همایون یاد شده و شاهزاده همایون نایب السلطنه مخاطب
گردیده است.

امپراتور زمانشاه که به تاریخ پنجشنبه (یازده) شوال المکرم
سنه ۱۲۰۷ ق در بالا حصار کابل بر مسند امپراتوری موروث نشست
در اولین فرمان به عنوان شاهزاده همایون در مورد زیارات بابرکات
و موقوفات قندهار خاطر نشان ساخت و گفت که: در پرداخت و
معاف زیارات و موقوفات... علما و سادات و استمالت رعایای
اشرف البلاد و تمام توابعات و مربوطات دقیقه بی از دقایق نامرعی
نگذارد.

امپراتور زمانشاه در فرمان مورخ شهر صفر سنه ۱۲۰۸ به
عنوان حاجی عبدالحق متولی نوشت که: از وجه عواید نهر
احمد شاهی (شاه واله) مساوی چهار تومان را دو نفر نوکر به
جهت خدمت زیارت بگیرد و گفت که متولی موصوف از موقوفات
بر وفق فرمانهای سابق استفاد کنند.

در فرمان مورخ شهر صفر سنه ۱۲۰۹ ق به عنوان شاهزاده سلطان
حیدر پسر خود که فرمانروای قندهار بود نوشت که: باید مردم سکنه
چهار بلوک قندهار کما فی السابق برای حفر نهر احمد شاهی وقف
خرقه شریفه افراد کمکی بدهند.

آخوندزاده عبدالحق الکوزایی (اولین متولی خرقة مبارکه در
قندهار) در سنه ۱۲۱۴ ق و فاتیافت و بر طبق استدعای
پسرش، حاجی حفیظ الله که چند وقت با اشتراک برادرانش - حاجی
نعمت الله - ملاولی محمد - حاجی عبدالقیاس بخد مت زیارت خرقة
معظمه مشرف بود - به حسب فرمان امپراتور زمانشاه درانی
مورخ جمادی الثانی سنه ۱۲۱۴ ق - مطابق ابتدای چهار ماهه قوی

ثیل) بر تبه متولی خر قه بر قرار گردید. و بروی تاکید رفت تا دهم حصه عواید اراضی تحت آب نهر احمد شاهی (شاه واله) را، صرف حوایج خود و باقی و جوه نقد و غله و گاه را مانند گذشته صرف نان پخته و خریداری گو سفند خیرات و روغن و تیمل و مواجب خدمتگاران زیارت خر قه مشرفه بنماید. و در فرمان مورخ مذکور عواید نهر احمد شاهی برای صرف خر قه معظمه - نقد بیست و دو تومان - غله دویست و پنجاه خروار، گاه دویست و پنجاه خروار تصریح شده.

و در فرمان امپراتور زمان شاه درانی (مورخ ربیع الثانی سنه ۱۲۱۵ق از ابتدای شش ماهه پیچی ثیل سال میمون) باین مطلب صدور بخشید که:

مبلغ بیست تومان برات نقد به صیغه مواجب همه ساله برای حاجی حفیظ الله متولی مقرر است و هر سال از مالیات و جوه چهل یک اشرف البلاد احمد شاهی از نزد عمال باز یافت و صرف مایحتاج خود بنماید و به عنوان حکام و عمال تاکید این مطلب کرده که از تاریخ مذکور هر سال مبلغ بیست و دو تومان و چه نامبرده را از وجه چهل و یک مهم سازی نموده و دیگر فرمان طلب ندارند.

در شهر صفر سنه ۱۲۱۶ق محمود شاه از راه سیستان وارد مرکز قندهار گردید و به تاریخ (سیزده) ربیع الاول جلوس بر تخت امپراتوری نمود و در فرمان (مورخ بیست و یک) ربیع الاول سنه ۱۲۱۶ق - از ابتدای هشت ماهه سنه تخاقوی ثیل (سال مرغ) رتبه تولیت حاجی ملاحفیظ الله را مانند دوره زمان شاه درانی تایید فرمود و فرمانان نامبرده (مورخ ربیع الاول سنه ۱۲۱۶ق) به عنوان حکام و عمال و مباشران دیوانی اشرف البلاد احمد شاهی - راجع به حفر و لای کشی نهر شاهی وقف خر قه مبارکه - توسط مردم چهاربلوک تایید گردید و فرمان سوم محمود شاه درانی در قندهار (مورخ ربیع الاول سنه ۱۲۱۶ق)

به عنوان فضیلت و کمالات پناهان مالا خدا بخش ملا باشی (قوم اسحق زایی) و ملا نصر الله امین محکمه شهر قند هار و ملا الیاس و ملا پیر محمد کاکری و ملا دوست محمدترینی و غیره علما صدور یافته و گفته شده که باید عالمان مذکور از بابت حاصل نهر شاهی و قف خرجه با حاجی ملا حفیظ الله متولی دعوی گفتگو نمایند.

به تاریخ (بیست و نه) شهر سنه ۱۲۱۸ ق - شاهزاده کامران فرمائروای قند هار به عنوان سر-دار محمد کلان خان امین الو جوهات قند هار و سند و شکار پور راجع به موقوفات زیارات قند هار که نخست مراتب احترام خرجه شریفه در نظر است. نوشت:

حاصلات موقوفات و توابع زیارات و متبرکات خدایم زیارات و مشایخ که حق تولیت آنها می باشد و در هیچ صورت و در هیچ باب به هیچیک از علما و سادات و مشایخ و فقرا مزاحمت و تکالیف نرسد.

در فرمان مورخ (بیست و دو) شهر ربیع الاول سنه ۱۲۱۲ ق که از حضور شجاع الملک شاه صادر گشته نوشته است: شجاع الملک شاه - وقف کرد از برای حاجی الحرمین الشریفین حاجی حفیظ الله ابن حاجی عبدالحق درانی الکو زایی تمام می یکزوج اراضی متعلقه معینه آن که واقع است در اشرف البلاد احمد شاهی مشهور به نهر روضه باغ و قف حاجی مذکور باشد.

در دوره سلطنت ثانی محمود شاه درانی به تاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۲۳ - مطابق ابتدای سنه لوی ثیل سال نهنک به عنوان حکام و عمال قندهار نوشته است:

موازی دوبا بکار و نسرا ای شاهزاده سلیمان و بازار چه دروجه فضیلت پناه حاجی ملا حفیظ الله متولی خرجه مبارکه مرحمت گردیده بود که حاصل آنرا بجهت جیره خد مه و روغن و چراغ و تعمیر و غیره امورات خرجه می رسانید.

بنابراین امر و مقر رفرمودیم که به نحو سابق سال بسال حاصل
و منافع آنرا به مصارف خرقه منوره متبر که میرسانیده باشند،
و موازی دوازده باب دکان که از جمله دکاکین و بازار چه مذکور که
به غلط نمایی دروجه ملا نصیر و ملا جمعه و ملا باشی و ملا صحبت
و ملا عبدالرحمن و غیره مقر ر شده بود، ازوجه آنها موقوف دانسته
بدستور سابق دروجه حاجی حفیظ الله مشار الیه بر قرار دانند
که هر ساله حاصل و منافع دکاکین بازار چه و دوبا ب کار بانسرا را به
مصارف خرقه متبر که میرسانیده باشد. و از بابت مالیه دکاکین و
مرسو مات داروغه های بازار ری و کوی و بیگار و صادرات و
غیره بمر اسم و رسم که حواله شود معارف و مرفوع القلم دانسته به هیچ
وجه من الوجوه مزاحم و متعرض نشوند.

علیست شیر خدا و امیر شیر علی

۱۲۹.

صاحب معظم والا شایان مهربان سردار میر افضل خان حکمران
دارالقراری قندهار را واضح خاطر ساسا می آنکه :

درین وقت فضیلت نشان ملا عبدالله آخوند زاد مولد رحمت الله
آخوند زاد ه نواد ه غیاث آخوند زاد ه مرحوم شرفیاب دربار معلی
گردیده ه در باب تولیت و مجاورت مزار فیض آثار خرقه شریفه
عرض و اظهار کرد که از آبا و اجداد مجاورت و تولیت مزار مذکور
بما خانواد ه تعلق داشته و دیگری را دخل و غرض نبود ه حال بعضی
از مردم اجنبی را هوای مجاورت و تولیت مزار (۱) مذکور در سرافتاده
مارا به مجاورت آنجا آرام نمی گذارند . و چند قطعه دست آویز و

(۱) مزار - جای زیارت . اکثر اطلاق این لفظ بر قبر کنند . یعنی
استعمال این کلمه برای زیارت خرقه شریفه درست است . و اما چون
عموما کلمه مزار برای قبر انسان بزرگ و مزارات برای قبور بزرگان
اهل تقوی یاد شده است . در این متن درست نمی نماید .

سند و تمسکات که در باب استحقاق مجاورت و تولیت مزار فیض آثار مذکور در دست داشت از نظر شهر یاری گذرانید و دست آویز جدید به مهر سر کار و الا مطالبه نمود. چون سر کار والا را بر احوال مجاور و متولی مزار مذکور علم و اطلاع حاصل نیست لهذا صورت تحقیق این مدعا و انجام مقصد ملا عبدالله آخوند زاده حواله به رای صواب نمای صاحبی فرموده نگارش می یابد که خودش نوشتجات و تمسکات مشار الیه را از نظر خود گذرانید و علم به حقیقت عرض و اظهار او آورده هر گاه تولیت و مجاورت مزار فیض آثار مذکور حق ملا عبدالله باشد به ملا عبدالله سپرد فرمایند که به خدمت آنجا قیام و اقدام و وزیده آنچه حاصل و ققیات او است دخل و عمل داشته و به مصرفی که سابقا مقرر بود برساند هر گاه دیگری از خاندان مشار الیه را از زوی استحقاق به قرار سابقه با مشار الیه در امر تولیت و ما حاصل و ققیات شرکت و مدخلت باشد همان تقسیم سابقه را مابینشان بر حال و استوار بداند که هر کدام حق خود را مالک و قابض بوده یکی بر دیگری ستم شریکی نداشته باشند. و اگر چنانچه از مردم اجنبی کسی را با ملا عبدالله آخوند زاده در امر مذکور دعوی و گفتگوی غیر حق باشد البته خود آن صاحب بکلی ممانعت خواهند فرمود که مزاحم حال مشار الیه نشود فقط تحریر

شنبه (هفت) شهر شوال المکرم سنه ۱۲۹۵.

(علیست شیر خدا و امیر شیر علی)

۱۲۹.

* * *

فرمان امیر شیر علی خان - این فرمان دوره محمد زایی در خصوص زیارت خرقه شریفه قندهار به خط و انشا و محمد نبی خان (واصل) دبیر الملك نوشته شده و قبل از آن سندی به نظر نرسیده است. در پشت فرمان مهر دبیر دارای سنه ۱۲۹۰ خوانده میشود و در همان سنه بعوض محمد حسن - این رتبه رایافته است.

خرقة شریفه (قندهار) واصل (دبیر الملک) در خصوص خان - بخط و انشاء میرزا محمد نبی فرمان اعلیحضرت امیر شیر علی

Handwritten text in Persian script, including a circular seal at the top left and several lines of text arranged in columns. The text is dense and appears to be a formal document or letter.



مکران ذوالقرشده رسو وضع خاطر برینکه درین وقت

ملا محمد آند اخذ زلفه و در محمد آند اخذ زلفه فوائده فیما آخذ زلفه

دربار متوجه که در بار تولیت و مجاورت مزار فیضی فرقه سرفه عورت

که از آبا و اجداد مجاورت و تولیت مزار مذکور بما فاله نین آ

دختر و غرض نموده فیض از مردم حاضر را انوار مجاورت و تولیت

مذکور در راه ماسو مجاورت آنجا آرام نمیکندند و حد قطع د

دردن است از نظر دیگر که نمایند دست آویز جدید همکار

خرقه شریفه و موسوی مبارک

در شهر قندهار - دوزیارت بزرگ - (خرقه شریفه و موسوی مبارک) موجود است. در سنه ۱۳۲۵ هجری قمری امیر حبیب الله خان بشر ف زیارت و احترام آن دوزیارت مقدسه رسید و خدماتی را انجام داد - سیادت پناه (۱) میر محسن آقای پشیننی شرحی نوشته که سراسر عبارت او را در جمله توضیح و حواشی این کتاب مفید و مغتنم میدانیم و آن این است :

(از آنجا که توجهات شنش شهنشاهی شاه سعادت بنیان

(۱) میر محسن آقابه تاریخ یکشنبه (هجده) شهرشوال المکرم سنه ۱۳۴۱ هجری قمری در شهر قندهار فوت و همانجا دفن گردید. موصوف شخص عالم و فاضل و در خوشنویسی هم دستی داشت پسر کاکای شاه عبدالعظیم پشیننی (شاه آقای قلعه قاضی) بود.

الموید بتایید الملك الדיان سلالة السلاطین آل افغان التي ابتهجت
بهم القرون و الازمان اعليحضرت سراج الملة والدين دام ملك دايم
مصروف ترقى اعمار بلادوامصا وشاهانه شان است - از ابتدا آمدن
موكب مسعود او به قندهار بسى آثار عمران و ترقيات نمايانى
بروى كار آمده است كه برخى از آنها بيان كرده ميشود .

چنانچه تعمير قلعه قندهار كه به مرور زمان بر هم ورخنه رخنه
گريده بود از سرنو بطرز جديد ترميم گريده كه در صفايى و زيبايى
رشدك بلدان عالم گريده . وارگك شهر قندهار و سلامخانه مباركه و
عمارت برج و كوتى جديد ارگك و گلدانى ها و فواره ها در آن ساخته
شده است و بازارها به كمال ، آرايش انجام يافت و اماكن متبركه
چنانچه: خرقة شريفه كه در دايره و صحن او وسعت كرده سراي طرف
شرقى او اخريده در دايره اش داخل كردند و صحن او را وسعت
دادند و نيز دالانهاى سمت جنوبى او را آباد نمودند و امام و موزن و خلمه
و مدرس و طلبه را مقرر فرمودند و نيز مسجد جامع شاه كه آباد كرده احمد
شاه مرحوم است جانب شمال آن زمين هاى خالصه سركارى و خر-
يدارى در آن داخل كرده دايره او را وسعت داده دالان هاى شمالى
او را از سرنو تعمير نمودند و نيز مسجد جامع سردار كهندل خان ،
مرحوم را از طرف شمال و جنوب او سراهاى به قيمت بسيار خريده
دايره و مسجد او را دوچند از سابق كلان نموده و نهى پاتا ب رادر اوسط
او اجرا داد و دو صدى ب دكان كه در حقيقت يك بازار طولانى
است براى مصارف وى آباد و جاى موى مبارك را در آن ساخته به آن
بقعه شريف نهادند و مسجد عثمان آباد واقع بازار شكار پور و غيره
مساجد را تعمير نمودند و عمارت كو هكران و كوتى جديد منزل باغ
كه مزين به تخت پادشاهى است و كوتى يخچال و كوتى سر بند و
حفر نهى ها و ساختن سر ك ها و بك ها از آن جمله يكى حفر نهى
مباركه سرا جيه است كه از درياى هلمند اراضى حاليه غير مزروع
را به زحمت زيادى در ظرف چهار سال كه موازى هشت هزار مرد در

آن کار میکرد تا حفر آن انجام یافت که یکی از آثار عظیمه عصر سراجیه است و از نتایج مستحسنه سفر خیریت اثر همایونی علی هذا القیاس در هر ولایت که قدم میمنت لزوم والا رسید ه يك آثار ترقی نشان به یادگار ماند ه این همه به سعی و اهتمام عالیجا ه سردار محمد عثمان نایب سالار ملکی سر دادرجه دویم بانجام و اتمام رسید .

• • •

سفر امیر حبیب الله خان د ر قندهار سنه ۱۳۲۵ قمری (۱۲۸۶ شمسی و ۱۹۰۷ میلادی) است از قندهار به هرات عزیمت نمود و این سیاحت تاسنه ۱۳۲۶ قمری ادا مه یافت .

مسجد موی مبارک

مسجد موی مبارک در قندهار که اولین مسجد شهر جدید (اشرف البلاد احمد شاهی) است و گذر پیوست مسجد موصوف نیز بنام مسجد موی مبارک یاد میشود در فرصتی که امپراتور احمد شاه بزرگ مصروف امور بلاد شرقی قلمرو افغانی بود - بفرموده و هدایت آن سپهر قهرمان ملی این اولین مسجد در شهر جدید قندهار در سنه ۱۱۷۲ قمری (۱۱۳۸ توشقان نایل شمسی) به پایه اکمال رسید. در سنه ۱۱۸۲ قمری خرقة مطهره و موی مبارک در حجره همان مسجد گذاشته شد. در سنه ۱۱۹۱ قمری در این وقت که خرقة مطهره به عمارت جدید (در ساحه روضه باغ) احتراماً نقل داده شد - مسجد موصوف بنام مسجد موی مبارک مشهور ماند و بنا بر اولیت و قدامت بنا آن قندهار یا ن (زاویه مسجد) یاد می کنند . نگارنده این کتاب مسجد موصوف را صبح سه شنبه (چار) برج ثور سال ۱۳۴۱ شمسی دیدم که در صحن حویلی - هفت درخت سرو و چند اصله درخت توت موجود و وضع عمارت قدامت آنرا نشان میدهد .

هدیه دروازه نقره

دروازه زینه داخل عمارت خر قه مطهره که از صحن اندرو نروضه به طرف صندوق محمل خر قه مبارک که می رود قبلا از چوب ساخته شده بود (۱) در عهد امیر حبیب الله خان به جای آن دروازه نقره باندازه تقریبا دو متر طول و تقریبا یک متر و بیست و پنج سانتی عرض با چو کات آن از طرف حکومت به توسط سردار خود شد ل خان

(۱) در برج حمل سال ۱۳۴۱ شمسی از آخوند زاده محمد حق متولی خر قه شریفه سوال کردم که بعد نصب دروازه نقره دروازه چوبی آن را کجا برداشتند؟ گفت: در منزل شخصی خود برده نصب کرده ام و موجود است - محل گوشه و منزله است. (وکیلی)

لویناب نایب الحکومه قندهار (ابن سر دار شیر دل خان لویناب
مرحوم) اهدا شده و این عبارت دروی نقش شده است :
(در زمان سلطنت اعلیٰ حضرت سراج الملة والدین- هدیه لویناب
خوشدل نایب الحکومه اشرف البلاد قندهار تقدیم شد ۱۳۳۶ هـ .)
بضا عت نیاورد م الا امید خدایا ز عفو م مکن نا امید

• • •

عبارت فوق را ساعت (یازده) قبل از ظهر جمعه (سیویک) برج
حمل سال ۱۳۴۱ شمسی نقل بر داشتیم .

* * *

۱۳۳۶ هجری قمری مطابق ۱۲۹۷ هجری شمسی است و در
برج حوت همین سال افغانستان استقلال کامل خود را اعلان نمود .

ترمیم عمارت خرقة شریفه

امیر حبیب الله خان در سنه ۱۳۲۵ هجری قمری از کابل به قندهار عزیمت نمود . و حین ورود به قندهار به زیارت خرقة شریفه مشرف گردید و فرمود که آن زیارت بزرگ ترمیم و مجددا رنگ آمیزی و نقاشی شود - و برای سرعت کار خرقة معظمه و سایر ابنیه مقدسه قندهار - از هرات یکعده نفر اهل فن نیز حکم احضار صدور نمود تا با مور خطاطی ، نقاشی ، رنگ مالی ، مهندسی ، عمارت بزرگ قندهار پیر دازند .

صوفی عبدالحمید و لد نصرالله خان از قبیله خوانه زایی بار -

کزایی ساکن چهارکو چه قندهار (۱) در سنه ۱۳۲۷ قمری از هرات وارد قندهار گردید داخل عمارت خرّقه مطهره و عمارت موی مبارک حضرت سید لولاک را مجدداً رنگ آمیزی و نقاشی نمود و هم با مور خطاطی الواح تاریخ پرداخت. در سقف عمارت خرّقه شریفه این بیت نو-
شته شده است :

اینجا بیا که روضه خرّقه محمد است اینجا بیا که نور یقین جلوه میکند

(۱) صوفی عبدالحمید در سنه ۱۳۰۷ قمری در قندهار متولد و به عمر (نه) سالگی با فامیل ایشان در هرات رفت. علوم ریاضی طبیعی، هندسه، هیات قدیمه، جغرافیا - تاریخ - از معلمین خصوصی آموخت.

در سنه ۱۳۲۷ قمری از هرات با مر امیر افغانستان به قندهار احضار گردید. در امور مهندسی تحت منزل باغ و ترمیم مزارات خدمت نمود. در سنه ۱۳۳۲ قمری به کابل احضار یافت.

در سنه ۱۳۴۳ قمری کتاب جغرافیای ولایات شمال افغانستان را ترتیب نمود و در سنه ۱۳۴۴ قمری رئیس شرکت تعدیل صنایع و در سنه ۱۳۴۵ قمری رئیس مطبعه نوت و صکوک مقرر گردید.

خدمت در راه صلح

در آغاز اعلان جهاد استرداد استقلال افغانستان (برج حوت سال ۱۲۹۷ شمسی) از اثر دخالت و خیانت دشمنان راحت و آسایش و صلح و آرامی ملت مسلمان افغانستان، در این ایام که قبایل پشتون قندهار از شهر احمد شاهی به عزم غز و جهاد و حرز ناموس اکبر کمر همت بسته به طرف سرحد افغانستان در حرکت بودند - در شهر قندهار، واقعه بس خطرناک رخداد. و تفصیل اینکه: یکنفر از سادات سنی مذهب که روزهای قبل تبلیغ جهاد نموده بود - پسر نوجوان او را کشته در برابر دروازه سرای میراب باشی شهر قندهار دفن کرده پای او را برون کشیده بودند و به طور غیر محسوس به نفری اهل جهاد در سپین بولدک خبر داده و گفته شد که شما جهاد استقلال را آغاز کرده اید خبر

ندارید که دشمن خانگی فرزندانشما مرد م‌اهل سنت و جماعت را
می‌کشند . روی این اطلاع و این واقعه هولناک که زمان حکومت
خو شدل لوینا ب بود اهل غزات از سپین بولدک رو گردان
شده وارد شهر قندهار و بسیار نفر را کشتند . برای دفع این واقعه
خونین حاجی عبدالحمید آخوند زاد ه متولی خر قه شریفه در بین
اجتماع وارد شده خدمت بز رگ در راه صلح نمود . و دیگر علمای
قندهار نیز با وی همفکرو همکاری کرده آن واقعه خونین جنگ داخلی
را دفع نمودند . و بعد انجا م آن واقعه فهمیده شد که دست خیا ن
خارجی دخیل بود و این حرکت دریک مرحله حساس باعث ناکامی
گردید . در ضمایم تاریخ خر قه متولی خر قه شریفه
به درج این خلص اکتفا ورزیدیم زیرا که خدمت مصلحانه
متولی خر قه شریفه در واقعه آن ایام خیلی ها قابل احترام است و
همان ایام بود که مجاهدین قندهار به محاذ کدنی به حرز ناموس
اکبر آماده جان سپاری بودند .

بیانات غازی امان الله شاه

د مسجد جامع خرڅه شریفه واقع در قندهار

غازی امان الله شاه به تاریخ یکشنبه (هجده) برج میزان سال ۱۳۰۴ شمسی (یازده - اکتوبر ۱۹۲۵ م) از کابل به قصد قندهار حرکت نمود و روز دوشنبه (زده) میزان در میدان مسجد جامع خرڅه شریفه به اهالی قندهار گفت:

(چونکه از خدمت به وطن بالاتر عشقی ندارم و این مسلک را نخبه آمال خود می شمارم لذا استفاد از موقع را بغرض تامین امور وطن عزیزم افغانستان و تمیبه طریق بختیاری ملت محبوبم افغانیان همه وقت ملحوظ داشته خواسته ام به معونه ایزدی نهضت و مرا تیب عظمت افغانیه بسرعت ممکنه به ساحه وجود آید.

بنا علیه چون در این ایام خاطر من با لجمله از مهمات امور مرکز

مطمئن گردید سر کشی با مورایا لات سایر ه محرو سه رابا لا
صا له تصمیم کردم .

وگفت : (مقصد م از این آمدن به قندهار ساعت تیری و تفریح
نیست بلکه چون قندهار از متبرکترین شهر های افغانستا ن و يك
جای مقدس شمرده میشود ، این عاجز در آن به قسم فال نيك بغرض
زیارت خر قه شریفه و خبر گیری حالات حقیقی اینجا آمده ام اولامقصد
از آمدن به قندهار تشر ف به خر قه مبار که و باز ملاقات نمودن باشما
مردم . قندهار و معلوما ت گردن از احوال شما عزیزان بوده است .

امان الله شاه پنج نماز جمعه را در جامع خر قه شریفه ادا نمود و چون
خود امامت و خطا بت نماز جمعه را می نمود - بروز جمعه (سی) میزان
سال ۱۳۰۴ ش در مسجد جامع خر قه ضمن ادای خطبه گفت :

(عزیزان من میدانید که مقصد از خطا بت رسانیدن احکام خدا و
رسول است برای ما معین پس می باید که خطبه بزبانی گفته شود که
بفهم قریب و شنونده از آن استفاده کرده بتواند .

ما و شما بدین مرتبه که در عزت و حرمت خر قه مبار که سرو کائنات
که قندهار را يك شرافت بزرگی بخشیده و این جامع مبار که رانست
بدیگر مساجد اسلامیه بعد از حرمین شریفین بنظر ما با عظمت نشان
میدهد میکوشیم میدانید که از چیست؟ از این است که این خر قه مطهره به
وجود پیغمبر ما مشرف شده و به عرق پاکشان معنبر و به انیس
صحبتشان يك افتخار بزرگی را نایل شده است - پس طوری که ما
در اعزاز و اکرام این خر قه بدین حیثیت میکوشیم می باید صد چندان
آن در تعمیم آن اوامر و نواهی که ذات اقدس پیغمبر بما امتان عاصی
خویش فرموده اند - جد و جهد کنیم و به قدر يك سر موی از
هدایات و احکامات اوشان تخلف نودریم .

بشما بسیار تاکید میکنم که نمازهای پنجگانه تا ن را بکمال ترتیب
و پابندی اداء کنید و بدانید که مهمترین و افضلترین عبادات نماز بوده

بسی فواید مهمه دینی و دنیوی در آن موجود است تا می توانید نماز های خود را در مساجد و به جماعت ادا کنید و نگذارید که از شما قضا شود. همچنین در دیگر عبادات خویش که روزه ماه رمضان و دادن زکات و حج بیت الله شریف و دیگر ارکان و احکام دینی است هم سستی و تنبلی نکنید و بدانید که ایزد پاک از این چیزهایی که بشما عرض کردم علیحده علیحده از شما در آخرت می پرسد و در صورت عدم تعمیم، بدین امر از شما سخت بازخواست میکند و هم شما توصیه میکنم که در اتحاد و اتفاق اسلامیت و افغانیت خود بسیار سعی و کوشش کنید و بدانید که همه کامیابی و مظفریت های مادی و معنوی شما مربوط به اخوت و مودت عمومی شما است وقتی که شما با همدیگر در راه ترقیات ملت و مملکت و اسلامیت خود گرمجوشی و همدردی نمودید معلوم است که همه برضای خدا و رسول نایل میشوید و هم اولوالامر خود را که شما به اطاعت و فرمانبرداری او مکلف میشوید از خود خوشنود ساخته اید علاوه تا هیچ یک دشمن شرف و عزت شما نمی تواند که به آسانی از میان شما مطلب خیانت و شرارت خود را پیش برده بتواند.

ملت های یی که به پریشانی مبتلا به نکبت و مذلت افتاده اند یگانه سببش علیحده گی از هم و دیگر نفاق است. چیزی که اسلام را بدین حالت رقت آورده نفاق است نفاق بسیار یک حصه مهمه عالم اسلام را مظلوم و مقهور دشمنان، ساخته است.

نفاق بسیار یک چیز مخرب و مدهش خانه ویران است. از برای خدا عقب اسباب نفاق و چیزهایی که در بین اسلام شقاق را می افکند هرگز نگردید.

یکی از ارکان مهمه اسلامیها و شما اقامه جهاد و کوشیدن به مال و جان است. در اعلا کلمته الله - خدارا شاکرم که ملت غیور قندهار بلندتر از خیال من در جهاد اظهار گرم

جو شی دارند ، خورد و بز رگـزنو مرد شان شوق و شعف
فوق العاده شان را در امورغزانشان میدهند . و اثرات همین
جوش و خروش شما ملت غیور بود که به نعره های عدو کوب الله اکبر
و جمع آوری اظهار همت و مردانگی شدید خود یعنی استقلال را حاصل
و استر داد کرده توانستیم (

و در خطبه دو مین در مسجد جامع خر قه شریفه گفت :
(الهی برای ما امتان پیغمبرمحبوبت توفیق استقامت شریعت
را نصیب گردان و تمام مکرو حيله دشمنان شرف و عزت و اسلامیت
مارنا کامیاب ثابت نما . الهی ملت و مملکت افغانستان را به
ترقیات و مرا تبی که بلندتر از آن نباشد از لطف و مکرمت خود
موفق سازد .

الهی عسکر افغانستان را در هر میدان به مقابله اعدای شان
مظفر و فاتح و سرافراز و تمام ملت و مامورین و علما و سادات افغانستان
را که برای خیر و بهبود مملکت خود خدمت می کنند قرین لطف
و مکرمت خویش داشته با عزا زدارین شاد کام گردان .

الهی من عاجز خدمتگار افغانستان را که بجز از رفا و ترقیات
ملت و مملکت خود دیگر آرزویی ندارم ، به مقاصد کامیاب و فایز المرام
دار .

الهی عالم اسلام را ازین پریشانی و در ماندگی از فضل و مکرمت
خویش وار هانیده مانند قرون اولی به خدمات اسلامیة اوشان را
توفیق نصیب کن و تمام دولت های اسلامیة را از دست دشمنان و خیانت
کاران محفوظ دار .

•••

غازی امان الله شاه در خطبه نماز جمعه (هفت) عقرب سال
۱۳۰۴ شمسی در مسجد جامع خر قه شریفه واقع در قندهار که
خود امامت و خطا بت نمود گفت :
(عزیزان من ! همه تان بخوبی میدانید که تمام کائنات و سایر

موجودات دلیل برو جود ذات خداوند (ج) و شاهد معرفت کردگار است .

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتر یست معرفت کردگار

پس هر قدری که در موضوع معرفت کردگار عرض نمایم با زحمت خواهش من و لزوم آن کم است . لهذا به همین یک فردا کتفا کرده فقط در بحث اتحاد و اتفاق که به جمعه گذشته اجما لا برای تان گفته بودم چیزی تو ضیحات میدهم . و در ضمن تو ضیحات و ارشادات فرمود :

(شما را به اتحاد و اتفاق زیاد توصیه میکنم . اما چه اتفاقی که صورت عملی داشته باوصاف و صفات حقیقی خویش آراسته باشد از شما آرزو مندم که در بین تمام اقوام و طوایف خویش چندان ، مراتب اتحاد و اتفاق را قایم کنید تا افغانستان مرکز اتفاق اسلام و سلسله پیوند رشته اتحاد عمومی عالم اسلام گردد .)

و گفت : (به اشخاصی که دادوستد و معامله می نمایند طرز امانت و دیانت را اختیار و با همگنان لطف و مراعات را روی کار آورده ، کسانی که به تکلیف و زحمات دچار باشند با آنها معاونت و همدردی و مریضان را پرستاری و تیمار داری و درماندگان را دست گیری و دل داری نمایید . که نتیجه و ثمره هر کدام از این عملیات و رفتار اتحاد و اتفاق را بوجود می آورد .

جمیع احکام و ارشاداتی که سرور کائنات به ما امتان خویش فرموده اند در هر کدام آن یک عالم خوبی و یک جهان باریکی موجود است . مثلا :

پیغمبر ما تاکید میزیدی در محبت نمودن با همسایگان و ایفای حقوق آنان بر ما فرموده است (و در خاتمه خطابت گفت : (خداوند پاک در همین موضوع اتفاق به ما و شما چنین یک امر تاکید فرموده است که :

واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا - چنگ بز نید تمام تان به رسته خداوندی که اسلامیت است و از هم مفارقت نجوید .

در موقعی که خداوند به ما امر اسلامیت را میکند و درین رهگذر به ما هیچ اجازت تفرق و جدایی نمی دهد . هر کسی که در افغانستان سکونت دارد بدون استثنا افغان و تمام طوایف و اقوام آن مسلمان گفته میشود و بشما تاکید میکنم اسلامیت را طره امتیاز و موجب اعزاز خویش انگاشته تابتوانید برای قدرت و عظمت و بزرگی و شوکت اسلام بکوشید و بدانید که همه ما شما مسلمان و تمام سکنه افغانستان یک افغان گفته می شویم و اولاد یک پدر می باشیم . مراتب مودت و اخوت را بین خویش مستحکم کنید و کسانی را که برای عزت و ترقیات تان بکوشند و شب و روز در خدمات تان سرگرم می باشند بنظر احترام و تقدیر بنگرید و گفت : (چیزی که عظمت و سطوت و شوکت حقیقی را برای انسانها بهم میرساند ، اخوت و مودت و محبت اتحاد و اتفاق و همدردی با همدیگر است و بس .

دردی که ازین پریشانی عالم اسلام بدل دارم مرا مانند آتش میسو زاند و هیچ طاقت اظهارش را ندارم .
و گفت : (بصد عجز و نیاز آرزو داریم که عالم اسلام را به مقررات صحیحه اسلامی استقامت نصیب کناد . و این گفتاری را که من عاجز نمودم بی اثر نگذارد .)

و گفت : (الهی ما را بدان رفتار و کردار و گفتاری موفق گردانی که در آن رضای تو و رضای رسول تو و رضای اشخاصی باشد که برای سعادت و شرافت ما خدمت می کنند . خداوند دنیا یک محل فانی و آخرت منزل لگامه جاودانی است ، سوال و جواب روز قیامت ما را آسان و منزل آخرت ما را خوب بگردانی .)

و در خطبه دوم بعد از حمد و نعت و منقبت بزبان عربی گفت :
خداوند جهان اسلام را مانند یک دیوار آهنین به مقابل غدر و خیانت دشمنان شان بگردان - الهی قوم نجیب افغان را بر ترقیات

وتعالیات که من عاجز خد متگا رشان بدل دارم ، موفق گردانی ، الهی
عسکر غیور افغانستان را در هر میدان مظفر و منصور و کامیاب
داری . الهی کسانی را که برای ترقیات و سعادت افغانستان خدمت
می کنند همه شان را معزز داری داشته خودت مددگارشان
باشی .

خداوند! خودت بهتر میدانی که مسلك این بنده عاجزت به مقابله
تمام او امر محض تسلیم است و بس . اگر به بخشی مرحمت است
و اگر پیرسی شکایتی ندارم . اگر جنتم دهی لطف است و اگر بدوزخم
افگنی رضای ترا می جویم .

من از خود اراده و اختیار ندارم فقط خورسندی ترا میخواهم و
رشته رضا ، خودم را بدست قضای تومی سپارم ، هر فرد اسلامی در
تمام عملیات خود باید عدالت کند و بر احدی ظلم و تجاوز و زیادت نه
نماید و کسی را بنظر حقارت ننگرد و در داد و ستد برابر و انصاف
نماید و بازیر دستان خود شیوه مساوات و یگرنگی را مرعی دارد .

* * *

غازی امان الله شاه بروز جمعه (چهارده) عترب سال ۱۳۰۴
شمسی در مسجد جامع خرقة شریفه در قندهار که خود مطابق همه وقت
وظیفه امامت و خطابت را داشت ، بعد از حمد و نعت بزبان عربی -
مطالبی بیان کرد که اینک خلص آنرا درج می نمایم :

(به همه شما معلوم است که اسلام يك دين مقدسی است و اولین
مسلك و مذهب مہذبى كه در تمام كائناات برای رفاه و بهبودانسان
ها شرف نزول فرموده است همین دین مبین محمدی است که همه
پیروان خود را بيك قانون درست و نظام خوب راهبری میکنند.)

و گفت : (ایزد پاك در تعريف دين اسلام مي فرمايد كه اسلام يك
دين مكمّل و پيروي آن موجب سرفرازي دنيا و رستگاري آخرت
است) و گفت :

بر هر مسلمان واجب است که اسلام را بلندتر از پدر و مادر و تمام کائناات بداند و هیچ چیز را به مقابل اسلام اهمیت نداد و تمام ما گرویده شریعت بود و سلسله اسلامیت خود را مربوط نمایند .
در دوره حکومت من قوانین که وضع و ترتیب شده اند تمام ما همان احکام قرآن پاک و رسول اکرم بوده مطابق به مذهب شریف حنفی است .

و گفت : (در نظر من اینها راه و آبادی و آسوده حالی غریبترین و عاجزترین طبقه ملت افغانستان زیر نظر گرفته شده است . اساس فکر من تنها بیداری و خبرداری عامه ملت از حقوق خویش و خوبی و آسوده حالی عمومی می باشد . فقط برای بدست آمدن همین مطلوب نظامات موجوده را وضع کردیم تا دست ظالمان و متجاوزین از سر مظلومین و بیچارگان کوتاه باشد .)

و گفت : یگانه علاج این درد و وسیله دیگر ترقیات و بهبودی های شما علم است .

و گفت : (اختلافات و پدیده های آنها که تماماً نتیجه بی علمی است مرا از حد زیاد زیر تاثیر آورده است و شبانروز کوشش دارم تا ملت خود را از این مغاک تیره و تاریک برون آورد و به انوار علم و عرفان ایشان را راهنمایی کنم . لهذا از یکطرف برای شان نظامات و قواعدی را وضع کرده ام تا از طبقه موجوده ملت افغانستان دست اذیت کوتاه شده تماماً بواسطه تحقیقات و عمل نمودن آن از مضرات برکنار و با مسرت سردچار شوند و از جانب دیگر مکاتب و مدارس متعددی را در تمام گوشه های مملکت خودشان گشاده ام تا طبقه آینده مردم افغانستان عالم و دانسته شده خوبتر ، ازین نظامات و قوانین موضوعه ام استفاده کرده بواسطه علم و عرفان نه تنها درد های ملت افغانستان را دوا بلکه به ترقیات و تعالیات موجوده جهان نیز آشنا شده این زحمت کشی مرا که برای آبادی و بهبودی افغانستان مینمایم تقدیر خواهند کرد .

نظا منا مه برای عموم شما آزادی اسلامی و حریت شخصی تا ن را اعطا کرده است و شما را از سایر پریشانی و درمانده گی نجات بخشیده است .

(به آتیه اولاد خویش دلسوزی کنید و آنها را به مکاتب بفرستید تا عالم و دانسته شده برای شما و ملت و مملکت خود خدمت کنند) .

و گفت : (امروز در دنیا توپ های موجود است که بیست میل خا ك دشمن را زیر آتش می گیرد و طیاره ها یی ساخته شده که از تمام حرکات و سکنات رقیبان خود کشفیات میکند . مقابل توپ با سوتنه و چوب ممکن نیست پس ضرور است که ما و شما هم بالمقابل آن قوتی داشته باشیم و از کید و حيله دشمنان خود غافل نشویم و پی تحصیل علوم همت گماریم ، تا ما هم از یمن آن دارای توپ های دور زن و طیاره و دیگر آلات و ادوات حربی باشیم .

اگر چه عقاید ما مسلمانان بلندتر است و از برکت همین عقاید اسلامی همه وقت به معاونت خدای (ج) و روحانیت رسول الله (ص) می توانیم که دشمنان شرف و عزت خود مان را عقب بنشانیم چنانچه بار بار امتحان داده ایم . باز هم اگر قوه ظاهری و معنویات و ثروت ما هم درست باشد . معلوم است که از همدستی و اجتماع این دو قوه ظاهری و باطنی به بسیار خوبی می توانیم دشمنان خود را پسپا کنیم و مطلب مقدس خود را از اوشان به آسانی بگیریم .

و گفت : (به مجردی که او لادافغان خواننده و نویسنده شدند گویا کلید تمام علوم و فنون را یافتند و پس از آن برای آنها بسیار سهل و آسان است که هر علم و فنی را که خواهش داشته باشند در دیگر مکاتب عالی تحصیل کنند) .

و گفت : (همین اولاد شما که تعلیمات ابتدایی خود را تکمیل کردند عالم و متخصص هر فن شده می توانند) .

وگفت: (مال دنیوی ضامن سعادت آیندۀ اطفال افغان در صورتی که بی علم و بی کمال باشند. هرگز شده نمی تواند).

وگفت: (داشتن علم و کمال یک برابر بالای مرد وزن از طرف خدا فرض است. پس متساویانه در تعلیم پسران و دختران خود بگو شید و بدانید که احکام و اوامر دینی و مذهبی بالای زن و مرد یکسان فرض است). و گفت: (موفقیت ما جای امید مسلمانان جهان است). وگفت: (خدایا الفاظ عاجزانه ام را که برای ترقی و بیداری ملت افغانستان میگویم موثر گردان. خدایا به عامه ملت افغانستان توفیق را رفیق بگردان تا اولاد خود را به مکاتب داخل کنند و از فیوضات تعلیم بهره و رشوند).

خدا به برکت رسول مقبول افغانستان را سبب نجات عالم اسلام گردان و به ما توفیق خدمت عالم اسلام را عطا فرما).

* * *

در خطبه دوم گفت: (خدایا ملت نجیب افغانستان را توفیق رفیق فرما تا برای ترقی و تعالی این نقطه مقدمه اسلامیہ بجان و دل بگو شنند و تمامی مساعی و کوششهای شان را در سر سبزی و آبیاری این مملکت خود مصروف دارند. و به ترقیاتی که آرزو و خواهش این خدمتگاران عاجز شان است کامیاب شوند).

الهی تمام مامورین و سادات و علمای و مشایخ و ملت افغانستان را که در حفظ و حمایت و عزت و شرافت مملکت خود کوشش می کنند و جان و مال خود را نثار می فرمایند در دین و دنیا سر فراز و نیک نام فرمایید و عسکر افغانستان و کسانی را که برای اسلام و افغانستان خدمت می کنند و آرزوی ترقیات او را بدل می پروراند در هر میدان فاتح و سر فراز و ممتاز گردانی.

الهی این عاجزان را که به جز از عشق آبادی ملت و سر سبزی مملکت خود دیگر تمنا بی بدل ندارد به مقاصدش موفق گردان و دیگر دولت های اسلامیہ را در حفاظت و حراست خود نگهدار و تمام اقوام تبعه دولت

های اسلامی را براه هدایت خود ترا هنمایی فرما تا از شر بدخواهان و دشمنان خویش محفوظ بمانند .

الهی به بسیار عجز و نیاز التجامی کنم که افغانستان را موجب سعادت عالم اسلام و سبب نجات و اتحاد و اتفاق اسلامیان بگردانی و از آسیب و شرور خائنین داخلی و خارجی او را همیشه نگهبانی فرما .

* * *

امان الله شاه - در ادای نماز جمعه (بیست و یک) عقر ب ۱۳۰۴ ش در جامع خر قه شریفه که خود اما مت و خطا بت را بر ذمت داشت، در مسایل جهاد توضیحات داد گفت: (او امر پروردگار تان را برای شما توضیح و ابلاغ میدارم . معلوم است که جان و مال ما مسلمانها از طرف خداوند تعالی برای اعلائی کلمته الله و حفاظت دین و وطن مخصوص گردیده است .

و گفت : (در صورتیکه ما و شما از تعلیم نظامی بهره و از تربیه و دانستن امور حربی و فهمیدن اصول تعرض و مدافعه آگاه و با خبر نباشیم و قبل از وقوع واقعه در صدد علاج آن نبر آییم . نخواهیم توانست که يك مقابله درستی با دشمن بکنیم .

خدمت عسکری در واقع عمل کردن است به همین آیه شریفه (وجاهدوا با موا لکم و انفسکم فی سبیل الله) و فایده رسانیدن است برای اسلام و نوع انسان و ملت و مملکت خویش . بهترین چاره و وسیله ای که برای تعمیم تعلیم نظامی و کثرت خدمات عسکری در دنیای موجود سنجیده شده همانا همین طریقه نفوس است که در نظر منامه آن توضیح یافته است .

و گفت : (در مسایل زکوت برای شما تاکید زیاد می کنم تا بتوانید هر ساله قرار فرموده پروردگار در اعطای زکوت اموال خویش بکشید .

وگفت : (مقصد از فرضیت زکوت آن است تا ماوشما ز کوة
لموال خود مان را هر ساله برای رفاه و آرا می فقرا و غربا، و بینوایان
و بیچاره گان مملکت خو د بدهیم).

امان الله شاه - در خصوص فواید زکوت و واردات قندهار سخنان
زیاد گفت و خطبه اول را خاتمه داد و در خطبه دوم بعد حمد و نعت
و منقبت بزبان عربی گفت : (حال ادعا می کنم که خداوند برای ماوشما
و تمام ملت افغان توفیق نصیب کند تا برای خیر و بهبود عالم اسلام
خصوصاً افغانستان خدمت کنیم و سبب بیداری مسلمانان یی که به
خواب غفلت رفته اند ماوشما شویم).

و ادعیه خالصانه بسیاری در حق عالم اسلام نمود و در اخیر گفت :
(الهی پنجه های خونین دشمنان شرف و عزت افغانستان و عالم
اسلام را از لطف و مکرمتی که با ماداری از سرما دور گردان و تمام
تشبیهات معاندانه شان راناکام ثابت بگردانی).

غازی امان الله شاه - صبح یکشنبه (بیست و سه) عقرب
۱۳۰۴ شمسی از قندهار به قصد کابل حرکت نمود .

غازی امان الله شاه - در خصوص احترام مقام خرقه متبر که واقع
در قندهار فرمانی به عنوان متولی و نایب الحکومه قندهار نوشت و
در حفظ و نگاهداری آن مقام مقدس و حقوق ارباب تولیت و وجوه
صدقات و نذورات تاکید فرمود .

محمد حق آخند زاده متولی در برج حمل سال ۱۳۴۱ شمسی به نگارنده
این کتاب (عزیز الدین و کیلی پوپلزی) حکایت نمود که فرمان
دستخطی غازی امان الله شاه در نزد ما موجود است .

اهداء پوش جدید

برای صندوق خرقه شریفه

سرور سلطان علیا حضرت سراج الخواتین - والده غازی ام‌ان -
الله شاه - در برج میزان سال ۱۳۰۴ شمسی - به همراه پسر بزرگ
ونابغه خود در یک روز وارد قندهار گردید . و به تاریخ (نزده) میزان
یعنی در روز اول و روز خود به قندهار - به زیارت خرقه شریفه
نبویه (ص) مشرف گردید و پوش خیلی زیبا و نفیسی را که در کابل
بامصارف و دقت نهایت زیاد در تحت نظر خود باین حسن نیت و
حرمت تهیه نمود و از کابل احتراماً با خود به همین عزم خالصانه برده
بود - به آن بارگاه مبارک مقدس اهداء نمود .

و بعد ادای آن مراسم در صحیح میدان پیش روی دالان زیارت خرقه
شریفه و هم در طول جاده آن بارگاه که تعداد زیادی از قندهار یان
برای ادای احترام استاده بودند علیا حضرت معظمه موصوفه
نطقی نمود و گفت :

(عزیزان من! الحمد لله که بعد از بسیار آرزو ها چشم بدیدار تان روشن شد و وطن خود قند هارادیدم . بعض شما برای من بمنزله عمو و بعضی بمثابه برادران و بعضی اولاد می باشید . و ازین گرج مجوشی شما اظهار بسیار ممنونیت می کنم .

برادران من! عالم اسلام از اتفاق ترقی کرده بود و رخنه هایی که دشمنان دین ما و شما در بین اسلام پیدا کردند از نفاق است باید پوره حس کنیم تا همتان اتفاق برپا گردد و خاک پاک افغانستان که برای ما و شما اولاد وطن امید ترقی و تعالی دارد به تعالی برسد . شکر گذارم خداوند خود را که به کوشش های جوانمردانه امان الله فرق بسیار پیدا شده است . از خداوند کریم طول عمرش را برای خدمت شما ملت افغانستان میخواهم باقی از خالق خود التجا می کنم که چنان اعمال در دنیا از شما عزیزان ظا هر شود که روز محشر بحضور خداوند سرخ رو باشید .

* * *

عبدالعزیز خان وزیر داخله (ابن معاذ الله خان بارکزایی از بنی اعمام علیا حضرت موصوفه) کلمات علیا حضرت صاحبه را با دقت استماع نمود . و به زبان پشتو با آواز بلند به عموم حاضرین بیان می نمود . علیا حضرت موصوفه دفعه دوم در دهه اخیر برج جلدی سال ۱۳۰۷ شمسی وارد قند هار گردید و در اول ورود به زیارت خرقه شریفه مشرف شد و بسیار صدقات و نفورات نمود .

شرفیابی امان الله شاه به زیارت خرقه شریفه در ایام قبل و بعد از سفر آسیا و اروپا

غازی امان الله شاه به تاریخ چهارشنبه (هشت) قوس سال ۱۳۰۶ شمسی وارد قندهار گردید و صبح جمعه (هفده) قوس ۱۳۰۶ شمسی از روضه باغ (مقام خرقه شریفه) به طرف قلعه جدید حرکت نمود. در ایام هشت روز اقامت در قندهار دوبار جمعه (ده قوس) و جمعه (هفده) قوس به زیارت خرقه مطهره مشرف شده ادعیه خالصانه در حق عالم اسلام و افغانستان نمود. و بعد ادای مراسم احترام به آن زیارت گاه مبارک و مقدس - از گروه علما و اتقیاء که اهل تولیت نیز حاضر بودند دعا گرفته به سفر دوازده کشور آغاز نمود.

بعد طی سفر آسیا و اروپا از طریق هرات به تاریخ (پنج) برج سرطان سال ۱۳۰۷ شمسی وارد شهر قندهار و پس از آن استراحت به زیارت

خرقه حضرت سیدلولاک (۱) صلی الله علیه و علی آله واصحابه وسلم
مشر ف شد و بانهایت احترام و تعظیم و ادعیه و شفقت و مروت
باحوال اهل تولیت آن آستان و عموم علما و سادات نطق موثر نموده از
مقام سفر خود چنانکه در برج قوس سال گذشته بیان کرده بود، از
گزارش سفر خود شرح داد و گفت:

اگر روی دنیا را بگردیم ازین سعادت بیشتر نمی یابیم که
بحمدالله تعالی مسلمان و بدین و ایمان خود کاملاً پایند و پیر و
حضرت خیرالبشر و ختم المرسلین می باشیم و این حسن اعتقاد ما
باین خرقه معظمه بر اساس همان صدق دیانت است که قرآن کریم
به ما کافه عالم اسلام ارشاد فرموده است:

(وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل) - چون ما به جبل -
المتین دین مبین دست زده ایم و ایمان و اعتقاد کامل داریم امیدواریم که در
اساس و بنیاد هستی اسلامی و افغانی ما هیچگاه ضعف و مذلت نخواهد
رسید چرا که خداوند بزرگ (ج) خود حافظ و ناصر اسلام است:
و به فرموده حضرت سید عالم (ص) مو من کامل کسی است که
آزار او به همسایه نرسد. ما حقوق همسایه گمی را در همه وقت
رعایت کرده ایم و می کنیم. و ازین سفر تجربتی که آموخته و اندوخته
ام اینکه افغانستان دارای استقلال را همه جهان به حیث
مسلمان حقیقی و پاینده تمام آن رسوم انیف دینی و مذهبی و اعتبار
عنعنات افغانی آن می شناسند و خوب تر نیز شناختند. زنده باد افغانستان

(۱) لولاک اشار تست به (لو لا کما خلقت الافلاک) به معنی اگر نمی
بودی تو البته نه پیدا می کردی افلاک را - و این حدیث قدسی است و
حدیث قدسی آنرا گویند که آن حضرت «ص» رابه خواب و حی
رسیده باشد.

وپاینده باد استقلال آن و شاد و آباد باد ملت مسلمان آن .

از خدا خواهیم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از فضل رب

* * *

یا صب الجمال یاسید البشر
من و جهک المنیر لقد نور القمر
لا یمکن الثناء کما کان حقہ
بعد از خدا بزرگ تویی قصه مختصر

* * *

کشف الدجی بجما له

صلوا علیه و آله

بلغ العلی بکما له

حسننت جمیع خصا له

ده نماز جمعہ در مسجد جامع

خرقہ شریفہ

امان اللہ غازی - به فتوا و مشورت عموم اقوام قندھار که از تاریخ پنجشنبه (بیست و هفت) برج جدی سال ۱۳۰۷ شمسی تا پنجشنبه (۴) برج دلو سال مذکور در سلامخانه قندھار ادا مہ یافت. بنا بدر خواست مردم مجددا قبول پادشاهی نمود . زیرا کہ اقوام قندھار خلع او را از سلطنت و پادشاهی برادرش عنایت اللہ خان را نہ پذیرفتند و رای عمومی بدان قرار گرفت کہ امان اللہ شاہ مجددا اعلان سلطنت نماید و با خدیبعیت از مردم حاضر شود . امان اللہ شاہ از مردم بیعت و عہد موکد بہ سوگند گرفت و گفت: سلطنت من ہمیشہ دولت و سلطنت اسلامی شرعی بود و حکومت قانونی گذشتہ من از روی نظاماتی کہ نشر کرده ام پورہ معلوم میشود و الان ہم بعین اساس و مطابق بہ مقتضیات اسلامی و افغانی و بہ طوری کہ ہمیشہ در این جامع خرقہ شریفہ بیان کرده ام جاری بودہ و عہد میکنم کہ جدا

واکیدا پیرو جمیع احکام دین حضرت سید المرسلین بوده در حفاظت اساسات دین و خاک وطن و استقلال کامل آن تادم آخرین و مطابق به مشورت شما مردم مسلمان خدمت کنم . اهالی قندهار مجددا بیعت کردند و روز جمعه (پنج) دلو ۱۳۰۷ شمسی در خطبه نماز جمعه در مسجد خرقه شریفه نام امان الله شاه خوانده شد (وچنانکه روز جمعه (بیست و هشت) جدی در خطبه نماز جمعه نام هیچ یک پادشاه ، خوانده نشده بود) .

امان الله شاه در همین روز بعد ادای نماز جمعه در جامع خرقه شریفه مطابق رای و اتفاق علما و مشایخ و اهل تولیت خرقه شریفه و عموم بزرگان اقوام قندهار مصمم لشکر کشی به طرف غزنی و کابل گردید .

مخالفین در اواسط برج دلو سال ۱۳۰۷ شمسی از جلوس ثانی امان الله شاه و مراسم مسجد جامع خرقه شریفه خبر یافتند و در پی آن شدند که از کابل تا کلات موانع ایجاد کنند .

امان الله شاه از تاریخ پنجشنبه اول حمل سال ۱۳۰۸ شمسی (نه شوال المکرم ۱۳۴۷ق) با عزام عساکر به طرف کلات و مقر و غزنی آغاز فرمود و خود به تاریخ سه شنبه (شش) حمل ۱۳۰۸ شمسی به زیارت خرقه شریفه شتافته دعا نمود .

یعنی امان الله شاه از تاریخ جمعه (بیست و هشت) جدی سال ۱۳۰۷ شمسی تا روز جمعه (نه) حمل ۱۳۰۸ شمسی نمازهای جمعه را در مسجد جامع خرقه شریفه در قندهار ادا می نمود و ادعیات و موعظات او در حق عالم اسلام و افغانستان جاری و از روحانیت حضرت سرور کائنات (ص) برای خیر و بهبود حال و استقبال افغانستان استمداد می جست .

اول شوال المکرم سنه ۱۳۴۷ هجری قمری یعنی اول عید سعید

فطر که بروز چهارشنبه (بیست و سه) برج حوت سال ۱۳۰۷ شمسی تصادف نمود. امان‌الله شاه‌نماز عید را به همراه شهریان قندهار ادا نمود و موعظت خیلی سودمند فرمود و مردم را به اتحاد و اتفاق کامل تو صیه و همان گفتارهای سابقه خود را تکرار نمود.

وخلص باید گفت که: از برکات همان حسن نیت بود که خودش و خاندانش از میان آتش نجات یافته به امانت و سلامت گذشتند و تا آخرین لحظات حیات از حال و احوال ملت مسلمان افغانستان غافل نبود. در کعبه مظمه و همه جا دعا نمود.

به تاریخ یکشنبه (۶) حوت سال ۱۳۰۷ ش (چهارده رمضان ۱۳۴۷ ق - بیست و چار فبروری ۱۹۲۹ م) خرقه شریفه نبویه (ص) از زیارتگاه آن برآورده بانظار علماء، سادات، مشایخ و به حضور اهالی قندهار جلوه داده شد. و از آن تاریخ اهالی قندهار قصد لشکر کشی برای طرد قوای جهل نمودند.

پوش صندوق خرقه شریفه

پوش صندوق مبارک خرقه معظمه در مرور دو صد و بیست و پنج سال چند بار با مصارف و حسن‌علاق و دقت زیاد از طرف دولت افغانستان ترتیب و تجدید شده است. و در دفعات اخیر یکبار در سال ۱۳۰۴ شمسی از طرف علیاحضرت والده غازی‌امان‌الله شاه مو دفعه دوم در سال ۱۳۲۸ شمسی از طرف دولت افغانستان تجدید شده است.

یاد داشت :

خرقه شریفه در شهر صفرالمظفر سنه ۱۱۸۲ قمری به ولایت وردک پر تو و صول بخشید و دروازه نوری محل خرقه شریفه هنوز زیادت گاه است. و در همان شهر صفرالمظفر سنه ۱۱۸۲ قمری (جولای ۱۷۶۵م) به شهر غزنی پر تو و صول افگند و به تاریخ نهم ربیع الاول ۱۱۸۲ قمری (اگست ۱۷۶۵م) به شهر جدید قندهار پر تو و صول و برکات بخشید.

القاب متولیان خر قه مشرفه

مردم عرب - متولیان خر قه متبر که رابه لقب شیخ یاد کرده اند و بعد از انتقال خر قه معظمه از بغداد به ماوراء النهر (سمر قند) به خطاب خواجه و جمع متولیان خواجگان یاد شده اند و تا سالیان قبل که این امانت نهایت بزرگ در خطه بدخشان پرتو نزول داشت .
متولیان آن به لقب خواجگان مشهور و موصوف بودند (سنه ۱۱۸۱ هجری قمری) .

بعد از انتقال به خطه زیبای کابل و وصول به قندهار قهرمان امپراتور بزرگ افغانستان احمد شاه در دران به حسب اصطلاح قبایل محترم قندهار که علما و روحانیون آن دیار را آخوند و اولاد واحفاد عالمان بزرگ را آخوند زاده می ستایند .

برای اهل تولیت خر قه مشرفه متبر که که اصلا از ارغسان و از خانواده روحانی و به احتمال قوی در سفر میمنت اثر بدخشان (سنه

۱۱۸۱ق) و شرف حمل و نقل خرقة شریفه (دوبرادر عبدالحق و مولاداد پسران حاجی ملا شکر ابن حاجی ملا زلال) همراه بودند - از تاریخ (بیست و شش) محرم الحرام سنه ۱۱۸۳ قمری آخوند زاد لقب داد. و جمیع افراد این خانواده اهل تولیت به خطاب آخوند زاده موصوف و تاحال (برج جو زای سال ۱۳۶۶ شمسی - شوال ۱۴۰۷ قمری) به همین خطاب تصاف دارند. و در تمام ارقام و احکام دولت و حکومت افغانستان به همین خطاب بزرگ آخوند و آخوند زاد یاد شده اند.

و ترجمه آن القاب ازین قرار است:

۱- شیخ به معنی خواجه و پیر.

۲- خواجه به معنی خدا و ندو در ملک توران (یعنی ماوراء النهر و هم ولایات شمال افغانستان) القاب سادات است. و در بعضی فرهنگها خواجه به معنی وزیر دانسته اند و این لفظ ترکی است. و بهر صورت لقب بزرگ و برای بزرگان علم و ادب و ورع و تقوی استعمال شده و میشود.

۳- آخوند - به معنی استاد و معلم.

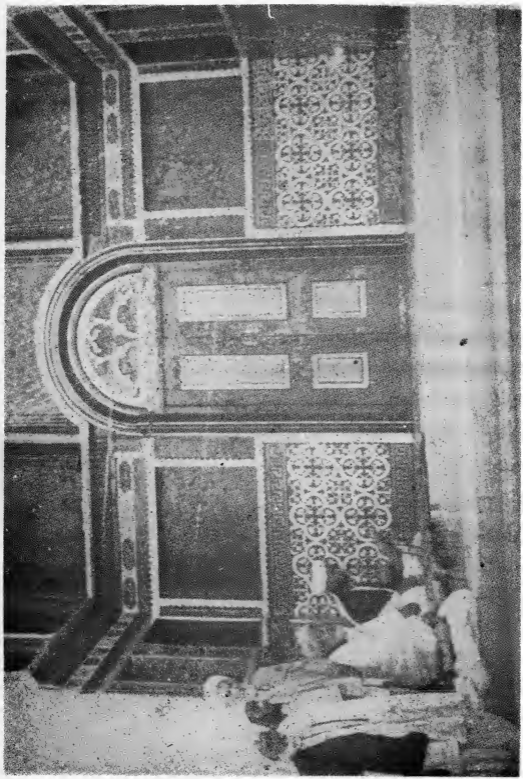
چون خاندان متولیان قندهاری شانزده نفر ایشان بشر فادای فریضه حج نایل شده اند و هم صفت علمیت و روحانیت دارند و هم اینکه از سنه ۱۱۸۲ق تا سنه ۱۴۰۷ق پیوسته به خدمت تولیت آن زیارتگاه بزرگ نسلا بعدنسل خدمت کرده اند. حقوق علمیت و فضیلت ایشان تا امروز در نزد مردم مسلمان افغانستان معنا و هم رسماً بهر دوره حفظ و حرمت شده است.

خانداں متولیاں خرقہ شریفہ

در قندهار

برای اینکه سلسله نسب افرا دخانداں متولیاں خرقہ مشرفہ مظہرہ در قندهار در این رسالہ تاریخیہ ثابت بماند - فہرستی را کہ در برج حمل سال ۱۳۴۱ ہجری شمسی در خوداں زیارت واز زبان چند نفر موسفید آن خانوادہ شنیدہ و در قید مسودات آورده ام در این صحیفہ تصریح میدارم :

آخوند زادہ حاجی عبدالحق و آخوند زادہ مولاداد پسران حاجی ملا شکرابن حاجی ملا زلال از قبیلہ یعقوب زایی طایفہ الکو زایی در عہد احمد شاہ در دران د ر قندہار میز یستند . بہ تاریخ (۲۶) محرم الحرام سنہ ۱۱۸۳ ہجری قمری . حاجی عبدالحق الکو زایی بہ قرار فرمان آن امپراتور بزرگ افغانستان بر تہ رفیع المرتبہ تولیت خرقہ متبرکہ واقع در قندہار مقرر گردید . واو در سنہ ۱۲۱۴ ہجری قمری وفات یافت و در ہمین سنہ پسرش حاجی حفیظ اللہ بہ فرمان امپراتور زمانشاہ بر تہ رفیع المرتبہ تولیت خرقہ



مولوی حاجی عبدالحق آخوندزادہ سر متولی خرقہ شریفہ (قند ہار) وھیأت ارباب تولیت در برج حمل
۱۳۴۱ شمسی

متبر که مقرر گردید. و نام های پسران و نواده گان آن دو مرد با فضیلت در این سلسله نگاشته میشود.

از آخوند زاده حاجی عبدالحق چهار پسر - حاجی حفیظ الله - حاجی نعمت الله - ملاولی محمد - حاجی عبدالغیاث ، به جا ماندند .

از حاجی حفیظ الله - حاجی عبدالوهاب وازی حاجی محمد نعیم و ازوی حاجی غلام قادر آخوندزاده وارث شدند .
از حاجی غلام قادر چهار پسر :

غلام حیدر - محمد صدیق - عبدالرحمن - محمدنبی - بجا ماندند .

از ملا غلام حیدر آخوندزاده پنج پسر :

محمدنعیم - عبدالکریم - فدامحمدولی محمد ، عبدالمنیر ، وارث

شدند .

از محمد عثمان آخوندزاده محمد صدیق وازی حاجی عبدا -

لحمید وازی حاجی عبدا لرزا قوارث شد .

(و این شخص اخیر به عمر هشتادسالگی تا برج حمل سال ۱۳۴۱

شمسی حیات داشت) .

از محمد صدیق آخوندزاده (ابن حاجی غلام قادر) سه پسر :

محمد رفیق - حبیب الله - عبید الله - وارث شدند .

از عبدالرحمن آخوندزاده چهار پسر :

خیر محمد - عبدالله - خلیل الله - محب الله - وارث شدند .

از خلیفه محمدنبی آخوندزاده (ابن حاجی غلام قادر) دو پسر :

شرف الدین - محمد سعید - به جاماند .

(خلیفه محمدنبی آخوندزاده شام (نزد) ثور سال ۱۳۶۶

شمسی در داخل زیارت خرقه شریفه بدرجه شهادت رسید) .

از حاجی نعمت الله آخوندزاده حاجی محمد اعظم وازی حاجی

محمد سرور وازو ی-محمدصادق و محمد اسمعیل - وارث شدند .
از محمد صادق آخوندزاده دوپسر : محمد عمر - صالح محمد ،
وارث شدند .

از محمد اسمعیل آخوندزاده سه پسر:

محمد اسحق - محمد موسی ، عبدالستار ، بجا ماندند .

از حاجی رحمت الله (ابن حاجی عبدالغیاث آخوندزاده)
حاجی محمد رفیق وازو ی حاجی محمدحق آخوندزاده وارث شد .
(واین شخص اخیر در برج حمل سال ۱۳۴۱ شمسی به قید حیات
وصحت و بزرگ و سر کرده هیات متولیان خر قه شریفه شناخته
میشد) .

* * *

آخوندزاده حاجی عبدالحق متولی - در سنه ۱۲۱۴ قمری وفات
یافت و در حصه تخته پل ارغسان بخا ک سپرده شد - مرقد مرحوم
نمایان و بنا م زیارت سفیدمشهور و زیارتگاه است .
حاجی مولا داد آخوندزاده (ابن حاجی ملاشکر) در علاقه میل واقع
قریه مدد خان اچک زایی مدفون است .

این شخص رتبه تولیت نداشت و اما اینکه از اهل علم و عرفان
در عهد احمد شاه بزرگ و هم اینکه سوابق خر قه شریفه را ضمن
مکتوبی از جناب میا فقیرا لاله شکار پوری سوال نموده بود
اسمش در ماخذ مانده است .

علی جان آخوندزاده متولی خر قه شریفه که مرد عالم متصوف
و متقی بود به تاریخ جمعه (پانزده) شعبان المعظم سنه ۱۳۶۱ قمری
در قندهار وفات یافت .

دفن حکمران قندهار

در محوطه خرقه شریفه

سر دارمحمد امین خان حکمران قندهار که خد متگار خرقه نبویه و اخلاصمند اهل تولیت آن زیارت بود در سنه ۱۱۸۲ قمری و صیت کرده بود هر وقتی که فوت شویم مرا در زیر ناوه بام زیارت خرقه شریفه دفن کنند که آب بام این زیارت بالای قبر من بریزد. مذکور به تاریخ سه شنبه (یازده) شهر محرم الحرام سنه ۱۲۸۲ قمری در ترنک کلات در جنگ کشته شد. جنازه او را در قندهار نقل دادند کسانی که و صیت او را، شنیده بودند، در آن روز حاضر نبودند و سایر نفری او را در صحن میدان سمت شرق خرقه شریفه بخاک سپردند.

یعنی مرقدی که در پیش روی وی دالان خرقه شریفه دیده میشود قبر سر دار محمد امین خان برادر سکه امیر شیر علی خان است که دیر وقتی حکمران قندهار و در تعمیر و ترمیم شهر و مقابر تا حد توان خدمت کرده بود و خود را از خدام اهل تولیت خرقه شریفه می دانست.

حکمنامه هادر خصوص و ذقیقه متولیان

خرقه شریفه

سردار محمد امین خان حکمران قندهار نوشته است :
(عالیجاه ناظر امیر محمد خان به عاقبت باشد ! مبلغ یک تومان
وهشت صد دینار برات نقد از بابت مالیات هذه السنه پیچی ٹیل و جوه
دکاکین عوض و ذقیفه متولیان خر قه مبارک رسانیده مجرا و محسوب
دانید تحریر فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۷۷)
(محمد امین)

در پشت ورق حکمنامه مذکور سه مهر کوچک دارای این عبارات
موجود است :

۱- عبدالعلی

۲- سید نور محمد

۳- صوبه سنگ - سنه مهر ۱۲۹۳

* * *

حکمنامه دوم

(درین وقت در خصوص یک تکه زمین میان جوی شاه واقع

مزرعه که در تصرف متولیان خر قه شریف میباشد بدون وظیفه متولیان عمده سرکار که مالیه آن تعلق سرکار دارد همان تکه مذکور سه حصه می باشد - دو حصه از قبضت پناه ملا فصیح الله آخوند زاد می باشد احدی از متولیان و غیره غرض و دخل نداشته باشید به زمین نامبرد و اختیار زمین خود را خود دارد .
به قرار سر رشته تحریر فی شهر ذی قعد ه سنه ۱۲۷۵)

(محمد امین)

سردار محمد امین خان حکمران قندهار که در شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۷ قمری در یکی از اسناد مهر کرده نقش مهر او باین سجع بوده است :
نوشته است کلک قضا بر نگین که شد در دو عالم محمد امین

* * *

در شهر ذی قعد ه الحرام سنه ۱۲۷۸ قمری امیر دوست محمد خان وارد قندهار شد - و سردار محمد اسمعیل خان ابن سردار محمد امین خان را به حکومت قندهار و سید نور محمد شاه پشینی را به نیا بتش گماشت . و ملا عبدالسلام خان ابن ملا محمد سعید خان را به قضای قندهار مقرر نمود و قاضی موصوف در خصوص خر قه شریفه و ثیق ه نوشته که نقش مهر و عبارات او این طور است :

خاک پای تو یارسول انام سرمه هر دو چشم عبدالسلام

۱۲۷۲

(قبض دارد و قبول نمود متولیان خر قه مبار که بر اینکه مبلغ سیزده تومان هشت هزار نهصد و هفتاد دینار و نود و پنج تومان نه هزار ده دینار برات غله عوض و وظیفه هذاه السنه تخا قوی ئیل سال مرغ به قرار سال مذکور به معرفت کارکنان دفتر واصل دعا شود فی شهر صفر سنه ۱۲۷۸).

امیر عبدالرحمن خان با احترام خرقه شریعه (قند هار) حکمنامه‌یی
باین عبارات نوشته است :

(داکی های آنها نه ده حاجی و غلام جان آخندزاده و عطا محمد
بارکزی و بهاء الدین قرین صحت باشد - در خصوص سیورسات
عبدالله جان آخندزاده مالکی سوخته که آنچه حصه سیورسات
آخندزاده مذکور از داکی هامیشود نامبرد ه را غرض و دخل نداشته
واگذار باشید . چرا که آخندزاده مذکور از سیورسات معاف و مرعوع
القلم بودند و می باشند - لازم آنکه سیورسات شمارا دیگر جای بشما
عوض میدهیم و زیاده طلبی نکنید. درین خصوص تاکید دانید تخلف
نورزید .

(تحریر فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۰۲)
«مهر حکم علاقه قند هار»
(امیر عبدالرحمن)

حکمنامه ثانی

(ملا زمان سرکار و ملکان قریه پایمال را واضح خاطر باد !
در خصوص احمد جان آخندزاده و غلام قادر آخندزاده متولیان
زیارات خرقه مبارکه که در قریه مذکور سکونت دارند کاغذ به مهر
حکومتی سابقه بدست دارند که بدون مالیه از دیگر تکالیفات مثل
سیورسات و جرم مقتول که از مردم سکنه قریه مذکور سابق
ازین مبلغ تحویل شده خلاص میباشند . لهذا الحال نیز مرقوم
میشود که به آخندزاده های مذکور از بابت سیورسات تکالیفات
غرضدار نشده و اگذار باشند و مالیات خود هارا از قرار رجه دفتر به حواله
دائره کار والا میرسانند . از بابت سیورسات و دیگر غرضدار نشوید .

درین باب تاکید دانید فقط تحریر یوم شنبه شهر صفر المظفر
(۱۳۱۳)

(مهر حکم علاقه قند هار)

(امیر عبدالرحمن)

۱۳۱۲

سفارش خطها در باب متولیان خر قه شریفه

از عهد امیر عبدالرحمن خان سند ی بدست آمد و این طور نوشته
است :

(عالیجا ه محمد ابرا هیم خسان ضابط ، عالیحضرت میرزا علیخان
خان نویسنده بندر تخته پل قرین صحت باشید . در این وقت
محمد اسلم آخند زاده و عطا محمد آخند زاده و حاجی ده و پاینده خیل
سوخته اظهار نمودند که مایان از قدیم الایام مرفوع القلم میباشیم
که هیچوقت بالای مایان سورات و جغات انداز و حواله نشده اکنون
برای خاصه دارهای تخته پل از مایان سورات میگیرند .
اگرچه قیمت میدهند لکن بالای مایان تکلیف میشود . لهذا تحریر
می شود که از اقوام پنج نفر دیگر جنات کش های آنجا تحقیق کنید
هرگاه چنین باشد که همه ساله معاف بوده اند هوش کنید هرگاه
صحیح باشد خواهان نشوید و هرگاه خلاف باشد از قرار اظهار
الوسات آن که احوال اینها برای آنها مشخص باشد درست نظر
آوری کنید . هرگاه به واقعی باشد غرضدار نباشید و چه هم میدهید
غله را برات خود که سپاه میگیرید چگونگی خلق الله را بچورانید
فقط تاکید داند تحریر ۲۳ شهر صفر المظفر سنه ۱۳۱۲).

مهر: عبدالقادر

مهر: جلال الدین

واقعه شهادت در مقام

خرقه شریفه

تاریخ خرقه شریفه متبر که حضرت فخر عالم رسول اکرم صلی -
الله علیه و سلم را که در شهر جدید قندهار از سنه ۱۱۸۲ هجری قمری
تا این سنه ۱۴۰۷ هجری قمری پرتونزول و برکات دارد بحول و قوه
حضرت بیچون جل شانہ و تایید مفسر کاینات علیه افضل التحیات
حبیب خدا (ج) محمد مصطفی (ص) نوشتیم - و صحایف این رساله
متبر که پر از اسناد و مدارک مفصلا و متدرجا از نظر اهل دیانت گذشت
و عموم ارباب خبرت و اهل حسن عقیدت دانستند که صحایف تاریخ
وطن مقدس خود مان را دفعه دوم به تذکار خرقه شریفه زینت فخر و
شرف بخشیدیم و این عطیه پاک پروردگار است که به ما مردم مسلمان
افغان توفیق ارزانی فرموده است.

و اما مضمونی که در تاریخ خرقه معظمه از مرور یکپهزا رو چهار صد
سال تا امروز قطعا و ابدا تکرار نگردیده فقط صحیفه واقعه هائله
روز شنبه (نزد) برج ثور سال ۱۳۶۶ هجری شمسی (مطابق بسق
یازده رمضان المبارک سنه ۱۴۰۷ هجری قمری است.)

که از اثر نهایت ظلم و وحشت و قساوت قلب عده یی از دشمنان دین اسلام و شرفونا موسی ملی افغانستان به ظهور آمده واقعه شهادت خلیفه محمد نبی متولی خرقه مشرفه متبرکه که در شهر قندهار متصل مقام خرقه حضرت سیدالانام است که قبل از وقت ادای نماز شام و افطار ماه صیام بوقوع رسیده که خبر این واقعه هائله نه تنها باعث ناراحتی عالم اعیان بلکه ارواح پاک صلحا کرام عالم اموات زانیز بیقرار گردانید.

چرا که قدم ناپاک دشمنان اسلام باین اندازه جسارت و خیانت در محوطه مقدسه زیارت یعنی مسجد و حریم مقام خاص خرقه نبویه پیش گذاشتن و مرتکب چنین عمل خیانت و جنایت بزرگ شدن سبب ناراحتی عموم مسلمین را در همه گوشه های دنیا بار آورد.

وبرادران دور از وطن ما زشنیدن چنین واقعه نسبت به ماکه در خاک مقدس وطن ساکن و متمرکز هستیم - بیشتر منزجر و ناقرار گردید. چراکه افغان در همه جا افغان است. و افغان دین و وطن خود را هیچگاه فراموش نمی کند.

*

خلیفه محمد نبی شهید (ابن الحاج غلام قادر ابن الحاج محمد نعیم ابن الحاج عبدالوهاب ابن الحاج حفیظ الله ابن الحاج عبدالحق - ابن ملازلال) که شخص عالم - امام - خطیب ، واعظ ، صوفی و متولی ، و این خانواده از مرور دو صد و بیست و پنج سال به خدمت ذی شرافت مرتبه تولیت خرقه نبویه و مسند نشینی آستان آن مقام سعادت و شرافت سرانجام در قندهار از پدر ، پدر به صورت خاندانی و موروثی باین کسب شرف مطابق و موافق بارقام دولت کاملاً مستقل افغانستان افتخار خدمت و ادای حسن امانت دارند و خود خلیفه موصوف تا آخرین لحظه ادامه حیات باین شرف خدمت دینی و اجتماعی اتصاف داشت. شرح این قصه جانسوز واقعه

شهادت آن اگر که بز رگتري—ن مرتبه يی را در عالم آخرت کماهی کرد ، و لی در تاریخ خر قه شریفه شرحی از واقعه شهادت وی به جا گذاشت که هیچ يك مسلمان و مخصوصا ملت افغان در هیچ يك زمان فراموش نخواهد کرد .

و چون هر فرد نيك ديانت و راستی عقیدت از مطالعه این سطور پررنج و فتورتکان میخورد — در پی آن میشود که در جستجوی کشف این جریمه که قلوب مسلمین را جریحه دار ساخته است . برای همیشه در پی فعالیت هر چه تمامتر و اخذ انتقام از دشمن دین و ناموس تا بعین حضرت سید المرسلین باشد .

(و جاهد و با موالکم و انفسکم فی سبیل الله)

و بنا ملت نيك ديانت افغانستان عموما و مردم دلیر قندهار مخصوصا صا که در شرف تولیت و خدمت پر مواظبت آستان مقدسه خر قه نبویه و محافظت اطراف آن بارگاه اولیت دارند — این عهده بز رگت را فراموش نکرد ه از دشمن دین و وطن و استقلال انتقام این جسارت و خیانت قتل نفس مسلمان عالم و واعظ را بگیرند .

زیرا که تشخیص دادن دوست از دشمن در این مرحله حساس تاریخ از وظایف دینی و فرایض اخلاقی هر فرد دیانت شعار افغانستان آزاد و مستقل و بی طرف غیر منسلک است . و کافه مردم دیانت شعار این خطه مقدسه باید قلبا مصمم این همه جهد و مساعی جدی در همه امصار و اقطار و دیار بود ه در برابر دشمنان اسلام که برای قتل و تباهی مسلمین ارتکاب میدارند — جدا قیام و اقدام ورزند و شرف های دینی و اجتماعی اسلامی خود را از دستبرد حوادث و جبر روزگار تا حدی که نیرو و توان دارند با استعانت از فضل و مرحمت آفریدگار دانای توانا ، حفظ نمایند .

و چنانکه مرحوم غازی امان الله شاه فرموده است : بعد از مسجد نبوی (ص) در مدینه طیبه این مسجد جامع خر قه شریفه در قندهار است . این حرف آن مجاهد بزرگ و رهبر اولی العزم معظم افغان را

الله أكبر

غزلینج ولسر و پیرانج سرینو

کابل ۱۳۶۶ هجری شمسی

هدیه خرقه شریفه (قندهار)



عزیز الدین و کیلی پو پلزائی۔ بتاریخ ۲۵ برج حمل سال ۱۳۴۱ شمسی بالای ضریح مبارک انتقال دهنده خرقه مبارک در حق آن خدمتگر عالم اسلام دعا و تمهینت میفرستند.

تصدیق و تایید میداریم . چرا که بنیان گزاران ادوار پر افتخار
قند هار هست و بود خود را در راه جهاد فی سبیل الله و حفظ ناموس
وطن صرف کرد هاند و پر تو وصول خر قه شریفه در مرکز قند هار قهر
مان - یکی از آن نشانه های ثبوت فدویت مردم قهر مان افغان در
برابر کشاکش روزگار است: و این شهید خر قه شریفه - از جمله آن
شهیدانی است که در بهار سال ۱۲۹۸ شمسی و سنوات پیشتر از
آن در راه حرز ناموس اکبر جان سپرده اند .

(رحمته الله تعالی علیهم اجمعین)

عزیز الدین و کیلی پو پلزا یی قند هاری



ماخذ و مدارک

- زندگانی تیمور - تالیف شرف الدین علی یزدی -
مکتوبات میا فقیر الله شکارپوری -
تاریخ احمد شاهی - تالیف محمود الحسینی - طبع مسکو
تاریخ بدخشان - تالیف سنگی محمد
تاریخ سلطانی - تالیف سلطان محمد خالص
سراج التواریخ - تالیف فیض محمد کاتب
تیمور شاه درانی - طبع سال ۱۳۴۶ - تالیف و کیلی پوپلزایی
(انجمن تاریخ)
خرقه شریفه - طبع سال ۱۳۴۶ - تالیف و کیلی پوپلزایی (انجمن
تاریخ)
پراگنده - کتاب مولفه محمود دطرزی - طبع مطبعه عنایت - کابل
کلکسیون سراج الاخبار افغانستان - کابل
کلکسیون جریده امان افغان - کابل
کلکسیون جریده طلوع افغان - قندهار
وثایق - فرمانها و احکام دولت افغانستان مربوطه خرقه شریفه -
قندهار
دیوان اقبال - طبع هند
کلکسیون تصاویر - مناظر داخلی و خارجی خرقه شریفه
غزنه در دو قرن اخیر - تالیف عزیز الدین و کیلی - طبع سال
۱۳۵۶ .
سفرهای غازی امان الله شاه تالیف عزیز الدین و کیلی طبع
سال ۱۳۶۴
احمد شاه وارث مجدد امپراتوری افغانستان در دو جلد -
تالیف عزیز الدین و کیلی پوپلزایی .

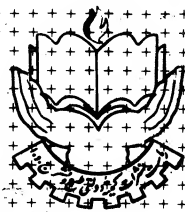
ابراز سپاس

مرکز تحقیقات علوم اسلامی از کارمندان محترم
مطبعه دولتی هریک همایون یوسفی ، عبدالصمیم ،
عبداللطیف ، محمد محسن ، عبدالمحمد ، شیر محمد ،
فضل الرحمن ، محمد قاسم ، محمد عظیم ، قربان جان ،
محمد ظاهر و محمد انور که در زمینه چاپ و نشر این
کتاب ما را یاری رسانید هاند ، از صمیم قلب ابراز
امتنان میدارد ، صحت و سلامتی دایمی نصیب شما ن.



کتابخانه ملی

شماره مسلسل ۱۰۰۰۰



مطبقاتی

نمبر مسلسل ۱۲۲۵